

باسمه تعالی

تفسیر موضوعی قرآن ویژه ماه مبارک رمضان

(کتاب طبیعت و کشاورزی از دیدگاه اسلام)

معاونت امور فرهنگی و آموزشی

حوزه نمایندگی ولی فقیه در وزارت جهاد کشاورزی

فهرست

- درس اول : زمین کانون آرامش انسان..... ۹
- درس دوم : ارزش خاک..... ۱۴
- درس سوم : فضیلت و ارزش آب..... ۲۱
- درس چهارم : بادهای و ابرها..... ۲۶
- درس پنجم : ذخیره سازی نزولات آسمانی ۲۹
- درس ششم : آلوده کردن آب ها و اسراف در مصرف ۳۵
- درس هفتم : فواید گیاهان ۳۹
- درس هشتم : درخت کاری..... ۴۶
- درس نهم : جنگل ها و مرتع ها ۵۱
- درس دهم : قطع درختان و تخریب جنگل ها..... ۵۶
- درس یازدهم : کشاورزی در قرآن و سخنان معصومان – علیهم السلام..... ۶۱
- درس دوازدهم : سرسبزی زمین و رونق کشاورزی..... ۶۷
- درس سیزدهم : چگونگی نگهداری دانه ها..... ۷۱
- درس چهاردهم : آبیاری ۷۶
- درس پانزدهم : ماهی از دیدگاه قرآن و روایات..... ۸۱
- درس شانزدهم : ملاک حلیت و حرمت ماهیان از دیدگاه فقه اسلامی..... ۸۴
- درس هفدهم : ارزش غذایی شیر و فرآورده های آن..... ۸۹
- درس هجدهم : زنبور عسل در قرآن و روایات..... ۹۵

مشرق سخن

طبیعت با جلوه های فریبایش همواره از آدمی دلبری کرده و بر صدر کنجکاوای هایش نشسته است.

به راستی این گنبد مینای مقرنس، این زمین دامن گستر سبز زبان، این عروسان سبز پوش گیاه، این دخترکان سرخ پوش گل، این درختان بالا بلند دست افشان، این خاک سر به زیر فروتن، این کوه سربلند ستبر، این جنگل سخاوتمند بی ادعا، این مراتع دلپذیر باصفا، این بادهای دوره گرد مژده بخش، این ابرهای پرنیان پوش آب به دوش، این آب حیات آفرین و ... این همه زیبایی و فریبایی برای چیست؟

چه کسی به باران اجازه بارش داد و به خاک فرصت رویش؟

ماهیان نقره فام را چه کسی به رقص آب فراخواند و زنبوران خوشخرام را به جمع شهد ناب؟

چه کسی به پدر آدمیان شیوه کشت و کار آموخت و نخستین شعله چراغ دانش را افروخت؟

پیامبران از چه روکشاورزی و دامداری پیشه کردند و پیش از هر کار از قوت مردم اندیشه کردند؟

در روزگاران کهن، چه سان بذر می کاشتند و چگونه دانه ها را نگه می داشتند؟

در فرهنگ و تمدن اسلامی، شیوه های آبیاری چگونه بود و روشهای آبداری چگونه؟

و ... در یک کلام:

اسلام به «طبیعت و کشاورزی» از چه دیدگاهی نگریسته است؟

اثر حاضر که به سفارش اداره کل آموزش عقیدتی وزارت جهاد کشاورزی، توسط پژوهشگران مرکز مطالعات و تحقیقات حوزه نمایندگی ولی فقیه در وزارت جهاد کشاورزی تهیه و تدوین شده، در پی پاسخ گویی به پرسش های یاد شده و تبیین دیدگاه اسلام در مورد طبیعت و مسائل مربوط به کشاورزی است.

در این پژوهش، بسیاری از مسائل مرتبط به کشاورزی و طبیعت و محیط زیست و معضلاتی که امروزه دامنگیر بشر شده، از جمله آلودگی آب و هوا، فرسایش خاک، قطع درختان و تخریب جنگل ها و ... مورد تأمل و بازکاوی قرار گرفته و حکم قطعی اسلام درباره هریک از این امور با استناد به آیات و روایات و نظر مفسران و فقیهان، ابراز شده است.

و امید که این دروس، بصیرتی افزون برای خوانندگان ارجمند در پی داشته باشد و بر تعهد و تلاش مسؤولان دولت کریمه بیفزاید.

در پایان از همه عزیزانی که در به سامان رسیدن اثر حاضر، به نوعی یاریگر ما بوده اند صمیمانه سپاسگزاری کرده و توفیق آنان را از درگاه الهی مسألت داریم

. و آخر دعوانا ان الحمدلله رب العالمین.

مرکز مطالعات و تحقیقات

حوزه نمایندگی ولی فقیه در وزارت جهاد کشاورزی

پیش گفتار

طبیعت و کشاورزی در چشم انداز اسلام

انسان گل سرسید آفریده های خداوند و خلیفه او بر روی زمین است؛ از این رو پروردگار نیز زمینه و استعداد شکوفایی، بالندگی و تکامل را به آدمیان عنایت کرده تا بتوانند به وظیفه خلیفگی خود در زمین عمل کنند. بدین ترتیب خداوند متعال طبیعت را به گونه ای آفریده که همه نیازهای آدمی را برآورد و به انسان ویژگی‌هایی بخشیده که بتواند از این مواهب بهره برده، در جسم و جان خود نشاط و شادابی پدید آورد.

انسان در تعامل با طبیعت همواره باید متوجه باشد که جانشین خدا در روی زمین است؛ از این رو خداگونه در زمین زیست کرده و با مخلوقات برخوردی خداپسندانه داشته و از سر حکمت، مصلحت و خردورزی از طبیعت بهره برد، نه لجام گسیخته، ظالمانه و مطابق خواسته های نفسانی.

در تعالیم اسلامی در این باره مطالب مختلف، سودمند و راهگشایی وجود دارد که اندکی از آنها در این اثر آمده است. از این رو برای آگاهی خوانندگان ارجمند در این درس سیمای طبیعت در فرهنگ اسلامی در حد توان و به طور بسیار فشرده ترسیم می شود تا برای شیفتگان مباحثی از این دست، دست کم روزنه ای به آن چه در این کتاب- به دلیل محدودیت های مختلف - نیامده است، گشوده شود و عموم خوانندگان نیز با مسائل اساسی طبیعت، کشاورزی و محیط زیست از نگاه اسلام آشنا شوند.

نگاه قدسی قرآن به طبیعت

طبیعت مخلوق و پرورده خداوند

اسلام به طبیعت نگاه تنگ نظرانه و خشک مادی ندارد، بلکه از زاویه ای غیرمادی به آن می نگرد. از نگاه قرآن طبیعت مخلوق خداوند حکیم، دانا و تواناست که در کار او هیچ گونه سستی، کاستی، ضعف و جهالت راه ندارد؛ نیز خداوند این خلقت شکوهمند را به حال خود رها نساخته بلکه پیوسته به پرورش و هدایت آن مشغول است.

نظام احسن طبیعت

جهان از متقن ترین، زیباترین و استوارترین شکل ممکن برخوردار است. به گونه ای که بهتر از آن ممکن نیست و این همان نکته ای است که دانشمندان مسلمان در «هستی شناسی» آن را «نظام احسن» نامیده اند. از سازنده، مهندس و معمار این طبیعت شکوهمند که از علم و قدرت نامتناهی برخوردار است جز این انتظار نمی رود.

قرآن، طبیعت را آیت هستی پروردگار معرفی می کند و بر این باور است که اگر آدمی پیش فرض های نادرست، تعصب ها، گرایش های غیرمنطقی و فاقد دلیل را که در اعماق ذهن و اعتقاد او ریشه دوانیده و چونان حجابی جلوی چشمان او را گرفته و وی را از دیدن حقایق و درک واقعیت های نظام هستی بازداشته است، به کناری نهد و در نظم، اتقان و استواری خلقت شگفت انگیز جهان بیندیشد و زیبایی های دل انگیز، جذابیت ها و تنوع موجودات را بنگرد به روشنی درخواهد یافت که در پس پرده این جهان مادی، خداوندی وجود دارد که آفریننده این همه است.

طراوت و لطافت گل، آواز گوشنواز بلبل، صلابت تخته سنگها، استواری و ستبری کوه ها، سبزی و خرمی جنگل ها، آرامش معنادار آسمان و دریاها، غرش شیرها و دیگر جلوه های زیبا و دل انگیز طبیعت پرتوی از صفات بی همتای یگانه آفریننده و پروردگار عالم و آیت هستی اوست. هم از این روست که مؤمنان به طبیعت نیز عشق می ورزند.

عاشقم بر همه عالم که همه عالم از اوست

به جهان خرم از آنم که جهان خرم از اوست

طبیعت نعمت خدا

طبیعت نعمت بزرگ خداوند است که از سر لطف در اختیار آدمی نهاده تا در پرتو بهره برداری از آن به نیازهای خود دست یابد و زمینه نشاط، شادابی و بهجت در او فراهم آید. آیات و روایات متعددی زمین، آسمان، خورشید، ماه، شب و روز، آب، خاک، گیاهان و کوهها را نعمت و گاه رحمت خدا می نامند.

این نعمت ها را خداوند در اختیار خلیفه اش نهاده و او را امانت دار خود در روی زمین دانسته است. از این روی شکر این نعمت ها و حفظ این امانت ها بر آدمیان لازم است.

زمین

از نگاه قرآن زمین، کانون آرامش انسان و مهد راحتی و آسایش اوست. خداوند آن را به گونه ای آفریده که نه تنها برآورنده نیازهای آدمی است بلکه زمینه پدید آوردن راحتی، آسایش و شادابی بشر در آن وجود دارد و انسان می تواند با اطمینان خاطر و به دور از هر دغدغه ای در آن زندگی کند. از آن جا که زمین از نعمت های بزرگ خداست که به طور رایگان و بی هیچ عوضی در اختیار انسان نهاده شده، معمولاً از آن غفلت ورزیده و شکر آن را به جا نمی آورد و گاه در آن فساد می آفریند و در واقع تیشه به ریشه خود می زند.

قرآن از سویی مالکیت زمین را برای انسانها در همه عصرها و نسل ها قرار داده است؛ از این روی هیچ کس مجاز نیست بخش هایی از آن را طبق خواسته خود تباہ سازد، و از سوی دیگر ویرانگری در زمین را «فساد فی الارض» - که از گناهان بزرگ است - نامیده و کیفر سختی برای آن وضع کرده است.

آسمان

اسمان نیلگون و زیبا در همواره تاریخ بر فراز سر انسان سخن ها داشته و رازها گفته و هر کس به آن به گونه ای نگریسته است. قرآن کریم از نعمت و لطف بودن آن سخن به میان آورده و آن را سقفی برافراشته که حافظ زمینیان و دارای سودمندی های بسیار می باشد، معرفی کرده است.

ابر، باد و باران

از نگاه قرآن باران رحمت الهی است که ترنم گوشنواز آن آهنگ زندگی می نوازد و سبزی، خرمی، نشاط و حیات را به زمین و زمینیان نوید میدهد. خداوند در پیشاپیش کاروان متراکم ابرها بادهای مژده بخش را روانه می سازد تا بشارتی برای بارش نزولات آسمانی به آدمیان و چهار پایان باشند.

این بادهای سودمندی های فراوان دارند که جا به جایی هوا و گردآوری و متراکم ساختن بخارها و تبدیل آنها به ابرهای کوهوار که گاه میلیاردها تن آب را در خود ذخیره کرده و زمین را زیر سایه رحمتش گرفته و بر آن می بارد، برخی از این

سودمندی هاست. قرآن از مژده بخش بودن بادها، نعمت بودن ابرها و رحمت بودن باران و ارتباط شگفت انگیز و بسیار دقیق میان آنها سخن میگوید.

پس از بارش باران نیز آبهامی باید در زمین ذخیره گردد تا به هنگام گرما و بحبوحه تابستان و کمبود آب از آن بهره برند. خداوند در دامنه کوهها برف ها را جای داده و در زیر زمین زمینه ذخیره سازی آنها را فراهم آورده و طبیعت را به گونه ای آفریده است که انسان خود بتواند با ساختن سد و یا هدایت باران به زیرزمین آنها را ذخیره ساخته و آبهای ذخیره شده را از طریق نهرها، چشمه ها، چاهها و قنات ها در دسترس خود و دیگر موجودات زنده قرار دهد.

بدین سان آنها در قالب اقیانوس ها، دریاها، رودها، قناتها، چشمه ها و چاه ها در اختیار انسان قرار می گیرد، از این رو آلوده کردن آنها کفران نعمت، اسراف و عملی برخلاف عقل و فطرت محسوب می شود.

در روایات متعددی از آلوده ساختن آنها و اسراف در مصرف آن حتی در غسل و وضو و نوشیدن، نهی شده است؛ از این رو با هیچ توجیهی نمی توان آن را جایز دانست.

هوا

بر پایه برخی روایات، حضرت امام صادق -علیه السلام - هوا را از نعمت های بزرگ خداوندی دانسته که اگر نباشد همه چیز فاسد می شود و انسان نمی تواند زنده بماند. در روایتی دیگر امام صادق - علیه السلام - به مفضل می فرماید: باید از این نسیم - که آن را هوا نامیده اند - و سودمندی ها و مصلحت های نهفته در آن آگاه باشی و بدانی که مایه حیات انسان است و از درون، آدمی را با تنفس حفظ می کند و از بیرون، زمینه راحتی و سبکی او را فراهم می آورد."

خاک

نعمت بزرگ الهی است که هر روز بارها آن را زیر پا می گذاریم و همواره به دیده تحقیر به آن می نگریم. از نگاه قرآن، خاک عنصری با ارزش، گران قیمت و برآورند، نیازهای آدمی است. قرآن در آیات مختلف از ارزش آن سخن می گوید و می کوشد آدمیان را از سودمندی های آن آگاه کند.

گیاهان

از نگاه قرآن درختان، گیاهان، گل ها، بوته ها، میوه ها و دانه ها، نعمت الهی، متاع زندگی بشر و مایه سرسبزی، خرمی و نشاط زمینند. قرآن از رابطه میان آن ها با آب و خاک سخن می گوید و آن را رابطه ای سرشار از شگفتی و عبرت آموزی می داند. در روایات به درخت کاری تشویق بسیار و از قطع درختان به شدت نهی شده است.

قرآن از روییدن گیاهان، تنه و ساقه، برگ گل و میوه های آن ها سخن به میان آورده و نیز نام ۲۰ نوع از گیاهان را یادآور شده است. چنان که ذکر ده ها نوع از آن ها در روایات آمده و در این میان بیش از همه بر سودمندی های خرما تأکید شده است.

بررسی این موضوعات خود پژوهشی مستقل و گسترده می طلبد و در این فشرده نمی گنجد. آیاتی از قرآن و روایات متعددی به جنگل ها و مرتع ها اختصاص یافته و از فواید و منافع آن ها و سهمی که حیوانات و دام ها از آن ها دارند سخن به میان آمده است.

کوه ها

قرآن کریم از کوه ها با عنوان "میخ های زمین" و عامل ثبات و پابرجایی آن یاد کرده و از استحکام و استواری کوه ها سخن گفته و آن ها را بستری برای ذخیره سازی برف ها و در نتیجه جاری شدن روان آب ها و رودخانه ها دانسته است . در قرآن و روایات درباره حکمت آفرینش کوه ها و سودمندی های آن ها سخنان فراوانی آمده است .

حیوانات ، پرندگان و آبزیان

درباره شگفتی های زندگی حیوانات، انواع مختلف و تنوع زیستی حکمت آمیز و حیرت آور آن ها، حقوق حیوانات، سودمندی های دام و طیور و پرندگان در قرآن و روایات مطالب سودمند، خواندنی و جذابی آمده است که بسی عبرت انگیز است و پند آموز.

یکی از موضوعاتی که به تفصیل در قرآن، روایات و فقه و اخلاق بحث شده، مسائل مرتبط به حقوق حیوانات است که به دلیل گستردگی مطالب در این اثر از آن سخنی به میان نیامده یا به اشاره ای بسنده شده است.

کشاورزی

در قرآن و روایات از کشاورزی و ارتباط شگفت آور آب، خاک، هوا و دیگر عوامل طبیعی سخن گفته شده و رویانیدن گیاهان عملی دقیق، پیچیده و منتسب به خداوند اعلام شده است.

فراهم آوردن محصولات کشاورزی کار آسانی نیست. زمین باید آماده شود، کشاورزان بذر بپاشند و دانه ها خاک را بشکافند و از زمین سربرآورند و آهسته آهسته ببالند و به برگ و بار بنشینند.

قرآن این فرآیند را فعل خدا میداند، نه کار بشر، به همان سان که بارش باران، رویش گیاهان، گردش باده ها و ... را.

در قرآن کشاورزی نعمتی ارجمند دانسته شده و از کاشت گیاهان با عنوان «الحرث» سخن به میان آمده و نیز از برداشت دانه ها با عنوان «الحصاد» و از خوشه با عنوان «سنبل» و از خود دانه (الحبۃ) و برخی محصولات کشاورزی مکرراً یاد شده و از معصومان - علیهم السلام - در موضوعات فوق، مطالب مشروح تری به ما رسیده است.

درباره این مطالب - به دلیل محدودیت های مختلف- در این کتاب بحثی به میان نیامده است. آن چه در روایات و تا حدودی آیات قرآن بر آن تأکید شده، فضیلت کشاورزی، منزلت والای کشاورزان، ارزش اقتصادی کشاورزی و مسائلی درباره چگونگی ذخیره سازی محصول است.

قرآن از مؤمنان می خواهد زکات و سهم فقیران را بدهند و از اسراف و تبذیر در مصرف محصولات کشاورزی بپرهیزند.

آبیاری و باغبانی

فقه های بزرگ در فقه اسلامی بابتی را با عنوان «مزارعه» گشوده اند و احکام حقوقی و مسائل شرعی مرتبط به مسائل کشاورزی را در آن یادآور شده اند.

شبهه این عمل درباره آبیاری صورت گرفته است. بابتی در فقه با عنوان "مساقاة" سامان یافته و در آن فضیلت های آبیاری، احکام فقهی، حقوقی و مسائل شرعی مرتبط به آبیاری ذکر شده است. درباره باغبانی و فضیلت حفاظت از باغ ها، بالنده ساختن و شکوفاکردن گل ها و بوته ها نیز مطالب مشروحی آمده است که بررسی آنها در این اثر نمی گنجد.

فقه کشاورزی و طبیعت

مباحث مطرح در فقه طبیعت، محیط زیست و کشاورزی بسیار گسترده است و سودمند. یکی از مهم ترین عوامل شکوفایی، بالندگی و شکل گیری تمدن درخشان اسلامی در دوره های پیشین، احکام فقهی و حقوقی وضع شده از سوی پیامبر خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - بود.

مسلمانان در سایه این احکام به امنیت شغلی و مالی دست یافتند و دیگر نگران حقوق خود نبودند؛ چه این که حقوق همه ذی حق ها تعریف شده و مالکیت زمین ها، آب ها و مرتع ها مشخص شده بود.

آنان درباره چاه ها، چشمه ها و قنات ها و مزرعه های خود اندیشناک نبودند. در پرتو این قوانین سازنده و دقیق بود که بستر درخور و مناسبی برای کشاورزی در جامعه آن روزگار فراهم آمد و از سویی در پی ترغیب های معصومان - علیهم السلام - کشاورزان به منزلت راستین خود دست یافتند.

به طور بسیار خلاصه در فقه اسلامی، کوهها، بیابانها، مرتع ها . غیر از مراتع شخصی - جنگل ها، رودخانه ها از انفال و جزء اموال عمومی دانسته شده است که دولت اسلامی- اگر حکومت اسلامی در جامعه وجود داشته باشد . باید بر پایه سه اصل مصلحت، عدالت و اجرای احکام شرعی تصمیم بگیرد.

در صدر اسلام این مسائل اجرا شد و پیامبر خدا در موارد مختلفی زمین ها را به مردم واگذاشت و خود ضمن هدایت و حمایت از مردم، بر روند سبز و خرم کردن زمین و کشاورزی نظارت داشت.

از دیگر احکام بسیار مهم باب کشاورزی می توان از مزارعه، مساقات، حریم منابع طبیعی، احکام فقهی جنگل ها و مراتع و مسائل فقهی گوناگون دیگر یاد کرد.

تمدن اسلامی

در پرتو دستورات قرآن و تشویق های معصومان، مسلمانان صدر اسلام توانستند گام های بلندی بردارند و تمدنی را پدید آورند که مورد توجه عام و خاص و موافق و مخالف باشد. آنان دهها اثر در این زمینه از خود به یادگار گذاشتند و عملاً روش های درست کشاورزی را به جهانیان آموختند.

از کسانی که در این راه گوی سبقت را از دیگران ربود جابر بن حیان، شاگرد امام صادق - علیه السلام - است.

درس اول:

زمین کانون آرامش انسان

این کره خاکی که از سوی شتابان به دور خورشید می چرخد و از سوی دامن منظومه شمسی و همپای آن در حرکت است، بستری است برای آرامش انسان که خداوند آن را برای زندگی آدمیان گسترانیده است.

"خدایی که زمین را چون بستری برای شما گسترده و آسمان را سرپناه شما کرد ..."

در برخی از آیات، زمین را به گهواره ای تشبیه کرده که کانون آرامش انسان است: «آیا ما زمین را گهواره قرار ندادیم.»

مقصود آن است که زمین به گونه ای آفریده شده که می تواند زمینه آسایش و راحتی انسان را فراهم آورد؛ بدین سان خداوند زمین را مهد آسودگی، استراحت و آرامش انسانها قرار داده و از آن با واژه «فراش؛ به معنای بستر» و «مهاد؛ به معنای گهواره» تعبیر می کند که هر دو واژه بسیار لطیف، دل انگیز و زیبا است.

در برخی آیات دیگر نیز واژه های همسان یا مشابهی به کار رفته است؛ به عنوان نمونه :

«او خدایی است که زمین را برای شما آرامگاهی و آسمان را سقفی قرار داده است.»

«او خدایی است که زمین را برای شما گهواره ساخت و در آن برایتان راه ها قرار داد ...»

«و زمین را گسترانیدیم و چه نیکو گستراننده ایم.»

«و خدا زمین را برای شما بستری گسترده کرد.»

این آیات با واژه های متفاوت و رسا به یک نکته بسیار مهم و با این حال ساده اشاره می کند که زمین - برخلاف کرات دیگر - بستر و مهد زندگی شماست. بستری که آسودگی، راحتی و آرامش را برایتان فراهم می آورد و می توانید در آن با اطمینان خاطر به زندگی خود ادامه دهید.

زمین از نعمت های بزرگ خداوند است؛ نعمتی که چون ارزان بلکه بی هیچ عوضی در اختیار آدمیان نهاده شده از آن غفلت ورزیده اند و با فسادآفرینی در آن، ویژگی ها و صفاتی که زمین را به سان بستری نرم و گرم و قرارگاهی مطمئن و آرامش آفرین قرار داده، در معرض نابودی قرار داده اند.

در روزگاران گذشته بشر از بابت زمین نگران نبود؛ چه این که از سوی جمعیت کره زمین اندک بود و از سوی جنگل های سرسبز و خرم، دریاها و اقیانوس های پاک، خاکهای حاصلخیز، آبهای پاکیزه و زلال و هوای لطیف در اختیار داشت و انسانها احساس می کردند زمین بی کران است و از سوی فضای احاطه کننده زمین را پولادین و غیرقابل نفوذ می پنداشتند.

اما اکنون در پرتو تکامل دانش بشری و در پی تخریب گسترده جلوه های طبیعی، انسان دیگر آن را کره ای پولادین و نشکن که هیچ عاملی نتواند زمینه حیات موجودات زنده را در آن از بین ببرد، نمی داند، بلکه تجربه انسانها درباره لایه ازن، تخریب جنگل ها، آلودگی آب ها و فرسایش خاکها و ... به خوبی نشان داده است که این تنها کره خاکی مسکون در معرض خطر جدی است و اگر روند کنونی تخریب مظاهر طبیعت در آن ادامه یابد، ممکن است دیری نپاید که دیگر از حیات در آن اثری نباشد.

مالکیت زمین

بر پایه آیات و روایات فراوان، زمین آفریده و ملک خداوند متعال است و بشر نباید بیندازد که زمین ملک مطلق اوست و از این روی می تواند به دلخواه در آن هرگونه تصرفی را روا دارد.

خداوند متعال در آیات متعددی به صراحت انسانها را تنبه داده که مالکیت زمین و آسمان ها از آن اوست؛ لیکن خداوند آن را به گونه ای آفریده و به آدمیان چنان توان و قدرتی داده که بتوانند از آن بهره برند و زندگی درخوری بر روی آن فراهم سازند. در حدیثی از امام علی بن الحسین - علیه السلام - چنین می خوانیم:

"زمین را با طبع شما سازگار و با جسم شما هماهنگ و همراه ساخت، نه آن را چنان گرم و با حرارت آفریده که شما را بسوزاند و نه چنان سرد و یخ زده که منجمد شوید و طاقت سرمایه را نداشته باشید. نه بوی خوش آن را چنان شدت بخشیده که دماغتان آن را برنتابد و سردرد سراغتان آید و نه چنان بدبو و متعفن که نتوانید آن را تاب آورید.

نه آن را همانند آب چنان روان قرار داد که در آن غرق شوید، نه آن را چنان استوار و با صلابت کرد که نتوانید در آن خانه، ساختمان و قبور مردگانتان را بسازید.

بلکه خداوند آن را چنان وزین و متین آفرید که از آن سودها برید و بر آن بچسبید و بدن ها و ساختمان هایتان بر آن قرار گیرد و از آن جدا نشود و در آن ویژگی هایی قرار داد که در برابر خانه ها قبرها و دیگرمنافع شما رام باشد.»

خدای تبارک و تعالی فرموده است:

«ووالارض وضعها للانامه»

«زمین را برای آدمیان نهاده است.»

نیز فرمود:

«الذی جعل لکم الأرض فراشاً»

«خدایی که زمین را چونان بستری برای شما گسترانید.»

در واژه «جعل» دو احتمال وجود دارد؛ یکی آن که به معنای «خَلَقَ» (آفریده) باشد. دوم آن که به معنای «صَيَّرَ» (تبدیل کرد) باشد. در این فرض از آیه به دست می آید که زمین در آغاز زمینه ای مناسب برای زندگی انسان نداشت و خداوند در آن تغییرهایی پدید آورد که شایسته زندگی باشد.

نیز واژه «لکم» در این آیه و در آیات دیگری که پیش از این آوردیم و واژه «أنام»؛ یعنی مردم در آیه قبلی، به معنای همه مردم است و همه نسل ها را در بر می گیرد.

بنابراین، خداوند خود مالک زمین است و آن را متناسب با زندگی بشر و نیازهای او آفریده و زمین و برکات آن را در اختیار همه انسانها قرار داده است، از این رو همه مردم و نسل ها باید بتوانند از زمین استفاده کنند.

نتیجه آن که هرگونه تصرف تخریب آمیز، در واقع تجاوز به حریم دیگر انسان ها و دیگر نسل ها به شمار می آید؛ چنان که از آیه «من الثمرات رزقاً لکم»

به روشنی استفاده میشود که زمین در بردارنده روزی همه مردم است و همه نسلها حق بهره گیری از مواهب طبیعی و نعمتهای آن را دارند.

از این روی نباید نسلی و گروهی خاص برای دستیابی به قدرت و ثروت و ارضای آزمندی و حرص سیری ناپذیر خود، به گونه ای دلخواه به تصرفات ویرانگر و زیانبار در زمین دست زنند.

چنین تصرفاتی همان است که قرآن نام آن را **فساد در زمین** می گذارد. فساد در زمین معنایی فراگیر و گسترده دارد و انواع فسادها را در بر می گیرد. قرآن در مقام هشدار به مردم و نکوهش به مفسدان، آیات فراوانی دارد و می کوشد تا انسانها را از هرگونه فسادآفرینی بازدارد:

«از نعمت های زمین بهره برید، بخورید، بیاشامید لیکن مبادا در زمین فساد پدید آورید.»

«در زمین فساد نکنید پس از آن که اصلاح شده است.»

و در آیه ای دیگر نکوهش شدید مفسدان به گونه ای آمده است که تا حدودی می توان به مقصود قرآن از «فسادآفرینی» در زمین دست یافت:

«چون به قدرت و ریاست دست یابد یا چون پشت کند و از نزد تو بازگردد می کوشد تا در زمین فساد کند و کشت و نسل {دام یا نژاد} را نابود کند و خداوند فساد را دوست نمی دارد.»

مفسران قدیم و معاصر گفته اند مقصود از واژه «حرث» در این آیه انواع مزرعه ها و گیاهان است، به همان سان که واژه «نسل» نیز معنایی گسترده دارد و همه نژادهای حیوانی و انسانی را در بر میگیرد. یکی از مفسران معاصر درباره تفسیر این آیه می نویسد:

«رکن بنیادین بقای بشر در روی زمین تغذیه اوست و انسان بدون غذای سالم و مناسب نمی تواند در این زمین به زندگی خود ادامه دهد و مفسدان با نابودی گیاهان هم غذای دام ها را از بین می برند و در نتیجه آنها را در معرض نابودی قرار می دهند و هم غذای انسان را.»

این سخن، وزین و متین به نظر می آید. لیکن به نظر می رسد آیه به معنایی فراتر از این اشاره دارد و آن این است که مفسدان با افساد در زمین، هم نژاد انسان و حیوانات را در معرض نابودی قرار میدهند و هم گیاهان و محصولات کشاورزی را. مقصود آن است که فساد در زمین به مشکل آفرینی در تغذیه بشر محدود نمی شود، بلکه نابود کردن گیاهان و دیگر ویرانگری ها در زمین خطرهای مهم تری نیز به بار می آورد که نمونه آن آلوده کردن آب و هوا و تخریب لایه ازن است.

در برابر فساد، افساد و مفسدان، صلاح و اصلاح و مصلحان قرار دارند و درست همان طور که مفسدان زمین را به تباهی می کشند، مصلحان باحفاظت از جلوه های شکوهمند طبیعت و بالنده ساختن محیط زندگی و پالایش هر چه بیشتر آن از آلاینده ها هر روز بر دل انگیزی و زیبایی های محیط زیست بشری می افزایند و بدین ترتیب زمینه شادابی، نشاط انسانها و سرسبزی و خرمی زمین را فراهم می آورند.

صالحان که زمین میراث آنان است به جای آن که در پی ارضای خواهش های نفسانی و حرص و طمع خود بوده و جلوه های طبیعت را در آستان امیال خود قربانی کنند، این فرمان قرآن را با گوش جان می شنوند که انسان باید زمین را آباد کرده و در عمران آن بکوشد و نیز در پرتو آیات و روایات فراوانی که درباره ارجمندی گیاهان آمده است، با درخت کاری و پرورش گل و گیاه، زمین را به نشاط آورده و آن را سبز و خرم سازد.

در این جا به مناسبت سخن گفتن از زمین، بهتر است از آسمان نیز یاد کنیم .

آسمان، سایبانی دل انگیز

آسمان نیلگون و زیبا بر فراز سر انسان در همواره تاریخ با وی سخن ها داشته و رازها گفته و هر کس به آن به گونه ای نگریسته است. آسمان در قرآن مصادیق فراوانی دارد و بی شک در همه آنها معنای فرازمندی و والایی در نظر گرفته شده است.

برخی مفسران قرآن نوشته اند مقصود از آسمان جو زمین است. از سخن امام جعفر صادق - علیه السلام - نیز استفاده میشود که مقصود از آن همان جو زمین است. آن حضرت به یکی از یاران دانشمندش در این باره می فرماید:

«ای مفضل! درباره رنگ آسمان بیندیش که خداوند آن را مناسب ترین رنگ برای چشم آدم آفریده است، رنگی که دیده را قوت می بخشد.»

البته به نظر می رسد وقتی واژه آسمان به صورت جمع به کار رود، مقصود همه آسمانها و فضاهاست.

خداوند متعال آسمان را چونان سقفی برافراشته و حفاظت شده معرفی فرموده که انسان می تواند به تماشای آن بنشیند و از درخشش ستاره هایی که بدان آرایش بی بدیلی بخشیده اند، لذت برد.

آسمان از نگاه قرآن منبع برکت هاست ، ابرهای باران را در آن جای خوش کرده و باران که صدای نم نمش آهنگ حیات می نوازد، از آن فرو می ریزد، موجودات گونه گونی که در آن قرار دارد، نشانه و آیت خداست و از نعمتهایی است که خداوند از سر لطف در اختیار آدمی نهاده است؛ پس باید شکرگزار آن بود، لطافت آن را پاس داشت و از الوده ساختن و پدید آوردن هر گونه خللی در آن پرهیز کرد؛ چرا که این که آسمان جولانگاه پرواز پرندگان، حرکت بادها و محل استقرار هوای لطیف و دربردارنده هزاران سودمندی و برکت دیگر است.

از این رو خداوند در پاسخ آنان که خلقت آسمانها را گزاف و بی فایده دانسته اند، با قاطعیت از هدفدار و به حق بودن آن سخن گفته و بر آن تأکید ورزیده و از سویی فرمانروایی آسمان و زمین را نیز از آن خود دانسته است.

بنابراین، انسان تنها مجاز است از آن بهره برد به گونه ای که زبانی به آن نرساند؛ چه آن که این سقف برافراشته برای همه انسان هاست و زیان رسانی به آن تجاوز به حقوق همگانی و کفران نعمت الهی محسوب میشود.

چکیده

کره زمین، مهد آرامش، راحتی و زندگی بشر و موجودات دیگر است که خداوند از سر لطف آن را آفریده است. قرآن کریم از این تنها کره مسکونی عالم با واژه هایی بسیار زیبا، دل انگیز، لطیف و پرمعنا یاد می کند و به آدمیان هشدار می دهد که به این نکته ها توجه داشته باشند و بکوشند با طبیعت و زمین به گونه ای تعامل کنند که ویژگی های آن حفظ گردد.

نیز به انسانها هشدار می دهد که مفسدان در زمین را که نسل آدمیان، حیوانات و گیاهان را در آستانه منافع خود قربانی میکنند بشناسند و از فساد در زمین بپرهیزند که بسی زیان بار است و ویران گر .

قرآن کریم خداوند را خالق، فرمانروا و مالک زمین میداند و در مرتبه بعد اعلام می دارد زمین از آن همه نسل ها در همه عصرهاست که وظیفه احیا و آبادی آن به دوش همه آنان است؛ از این رو نسلی و گروهی خاص مجاز نیست زمین را ملک

مطلق خود بدانند و هر طور بخواهند در آن تصرف کنند. متقابلاً همان مقدار زشت است و خداوند از آن نهی فرموده، اصلاح زیبا است و خداوند آن را از بندگانش خواسته است.

سؤالها

۱- به طور کلی قرآن درباره کره زمین چه نظری دارد؟

۲- مالکیت زمین از آن چه کسی است؟

۳- فساد در زمین به چه معنایی است؟

درس دوم :

ارزش خاک

آیا هرگز درباره خاکی که هر روز بر آن گام می نهیم اندیشیده ایم؟ آیا حتی برای یک بار هم که شده با دیده احترام بدان نگریسته ایم؟

از جمله موجوداتی که انسان همواره بدان وقعی نهاده و برایش مرتبتی و ارزشی قائل نیست، خاک است.

خاک عنصری است که به ظاهر بی ارزش می نماید و بسیاری از آدمیان منزلت واقعی آن را درک نمی کنند؛ چرا که بی هیچ منتی در اختیار آنان نهاده شده و هرگونه بخواهند در آن تصرف می کنند. اما حقیقت، چیز دیگری است.

خاک مایه همه چیزهایی است که نیازهای انسان را بر می آورند؛ چه این که بستر اصلی کشت و کار و ماده همه محصولات کشاورزی خاک است. سبزه ها، میوه ها، دانه ها و گیاهان از این موجود سودمند حیات می گیرند و از دامن آن بر می خیزند.

آدمیان هر مقدار در حفاظت، پاکیزگی و بالندگی خاک بکوشند و در این راه به توفیق دست یابند به همان اندازه بر کمیت و کیفیت محصولات کشاورزی و حجم سبزه زارها و باغها و کشتزارهای خود افزوده و به تغذیه بهتر و سالم تر دست می یابند.

اما صد افسوس که در روزگار ما و در کشور اسلامی ایران هر ساله ده ها میلیون تن از این نعمت بزرگ خدا فرسایش می شود و ما مسلمانان و پیروان قرآن و اهل بیت جنایتی هولناک بر این عنصر بی زبان روا می داریم.

به نظر می رسد بخشی از این گناه عظیم در ناآگاهی عمومی، نسبت به ارزش این عنصر سودمند و گران قدر، ریشه دارد. از این روی بر مسؤولان کشاورزی، منابع طبیعی و محیط زیست است که ابعاد فرهنگی مسأله را دست کم نگیرند و به آن توجه بیشتری مبذول دارند. این درس در پی تبیین بخشی از دیدگاه های اسلام درباره خاک و ارزش آن است.

خاک، برآورنده نیازهای انسان

انسان برای ادامه زندگی به امکانات مختلف مادی نیازمند است. خداوند متعال خاک و زمین را به گونه های آفریده و ویژگی هایی بدن بخشیده که اگر آدمی پا از گلیم خود فراتر نهد و از ویران گری در طبیعت و اسراف بپرهیزد و در پرتو مدیریتی دقیق و سنجیده، از خاک، خوب بهره برد می تواند بسیاری از نیازهای خود را تأمین کند.

به عبارت دیگر، خداوند زمینه برآوردن نیازهای انسان را در طبیعت - به ویژه در خاک - بی کم و کاست به ودیعت نهاده و این انسان است که با سرکشی، طغیان، عصیان و آزمندی خود مانع می تراشد و زمینه استفاده بهتر از طبیعت را از میان می برد.

در این باره امام باقر - علیه السلام - از پدر بزرگوارش نقل کرده که امیر مؤمنان علی - علیه السلام - پیوسته می فرمود:

«هرکس آب و خاک داشته و با این حال نیازمند باشد، خداوند او را از رحمت خود دور می کند.»

بدین سان هرگاه شخصی یا جامعه و کشوری آب و خاک در اختیار داشته باشد و به گونه ای درست از آنها بهره ببرد، می تواند نیازهای خود را از خاک برآورد و بر بلای خانمان سوز فقر فایق آید.

این روایت افزون بر اشاره به اهمیت آب و خاک نشان میدهد که خداوند در آب و خاک برکت ها و آثاری نهاده که اگر دولت ها مدیریتی صحیح درباره آنها اعمال و از آنها استفاده بهینه کنند، فقر و فلاکت از جامعه رخت برخواهد بست.

چگونگی آفرینش لایه رویین زمین به اندازه ای از نگاه قرآن اهمیت دارد که در خور تأمل و دست مایه هدایت آدمیان به دقیق بودن تدبیر هستی از سوی پروردگار است.

خداوند در قرآن می فرماید:

«افلا ينظرون ... الى الأرض كيف سطحت»

«آیا نمی نگرند ... به زمین که چه سان هموار و مسطح شده است.»

همان گونه که برخی مفسران نوشته اند احتمال می رود مقصود از آیه آن باشد که چه سان باران های پیاپی، پیوسته سطح کوه ها را می شوید و ذرات خاک را با سودمندی ها و آثار مختلف پدید آورده و به سمت گودال ها و دره ها رهنمون می گردد و از این رهگذر زمینهای صاف و هموار به وجود می آید؛ زمین هایی که آماده کاشت محصولات مختلف و سودمند است. خداوند می فرماید:

«و الأرض بعد ذلك دحها أخرج منها ماءها ومرعاها»

«و زمین را پس از آن بگسترانید و آب و چراگاهش را از آن بیرون آورد.»

واژه «دحو» به معنای گسترانیدن است و مقصود از «دحوالأرض» آن است که در آغاز، تمام سطح زمین را آب فراگرفته بود و این آب به تدریج در گودال های زمین جا گرفت و خشکی ها از زیر آب سر برآوردند و روز به روز گسترده تر شدند تا آن که زمین به وضع فعلی در آمد.

معجزه خاک

خداوند در قرآن می فرماید:

«و في الأرض قطع متجاورات..»

«در زمین قطعه های نزدیک به هم وجود دارد ...»

مفسران قرآن درباره تفسیر واژه «قطع متجاورات» دو احتمال داده اند:

احتمال اول: تنوع خاکها

از ظاهر این آیه چنین به دست می آید که این قطعه های خاکی اگرچه در همسایگی هم قرار داشته و به هم چسبیده اند لیکن یکنواخت نیستند و آثار یکسانی ندارند.

این قطعه ها برخی شور و برخی شیرین، برخی نرم و برخی سفت و سخت و ... هستند و از همه آنها آثار و برکات گوناگون و متنوعی بر می آید. از خاک شور گروهی از گیاهان سر بر می آورند و زمینه حیات گروهی از حیوانات و پرندگان پدید می آید و از خاک شیرین نیز گروهی دیگر ... و همه خاکها - هر کدام به گونه ای می توانند نیازهای آدمی را فراهم کنند و سودمندی های فراوانی برای او داشته باشند؛ چه این که خاک، محل رویش و بالندگی گیاهان و تکوین معادن و برآورنده انواع دیگر نیازهای انسان از قبیل برخی مصالح ساختمانی و ... است. در این باره در تفسیر نمونه چنین آمده است:

«با این که این قطعات همه به هم متصل و مربوطند هرکدام ساختمان و استعداد مربوط به خود را دارد؛ بعضی محکم و بعضی نرم؛ بعضی شیرین و برخی شور؛ و هر کدام استعداد برای پرورش نوعی خاص از گیاهان و درختان میوه و زراعت را دارند؛ چرا که نیازهای انسان و جانداران زمین بسیار زیاد و متفاوت است گویی هر قطعه از زمین مأموریت بر آوردن یکی از این نیازها را دارد. اگر همه یک نواخت بود و با استعدادها به صورت صحیحی در میان قطعات زمین تقسیم نشده بود انسان گرفتار چه کمبودهایی از نظر مواد غذایی و دارویی و سایر نیازمندی ها می شد. اما با تقسیم حساب شده این مأموریت و بخشیدن استعداد پرورش آن به قطعات مختلف زمین، همه این نیازها به طور کامل بر طرف می گردد ...»

از این روست که خاک نعمت بزرگ الهی به شمار می آید و باید آدمیان قدر آن را باز بشناسند و در حفظ و پیرایش آن از آلودگیها بکوشند و سمت و سوی برنامه های صنعتی خود را به گونه ای سامان دهند که خاک تخریب نشود؛ چه این که زبانی جبران ناپذیر در پی خواهد داشت.

احتمال دوم: آثار شگفت انگیز خاک

در تفسیر این آیه احتمال دیگری نیز وجود دارد و آن این که مقصود از «قطعه های متجاور» آن است که خداوند متعال در خاک ویژگیهایی قرار داده و آن را به گونه ای آفریده که آثار و برکت های شگفت آور و درخور تأملی دارد.

بدین سان که قطعه های مشابه و به هم چسبیده زمین دارای طبیعت یکسانی است، با این حال از یک آب و خاک انواع گیاهان با رنگ ها، شکل ها و اندازه های گوناگون می روید و از آن انواع میوه ها با مزه ها، قالب ها و اندازه های متفاوت و با آثار و خاصیت های گوناگون بر می آید و این نشانگر ارزش خاک و به عبارت دیگر اعجاز خاک و قدرت، تدبیر و علم بی کران آفریننده آن است.

علامه طباطبایی در این باره نوشته است:

«معنای این آیه آن است که در پشت پرده نظام با شکوه طبیعت، مدبّر و مدیری وجود دارد که طبیعت و ذات همه چیز در برابر او خاضع اند و او هرگونه بخواهد آنها را به جریان می اندازد. دلیل این نکته آن است که قطعه های زمین های به هم چسبیده با این که خاک آنها طبیعت یکسانی دارد و در کنار هم قرار گرفته است، در آن، تاکستانها و باغها با انواع انگورهای مختلف می روید. قرآن از آن رو انگور را از میان میوه ها در این آیه انتخاب کرده است که انگور در زمره میوه هایی قرار دارد که انواع مختلف و پرشمار آن به لحاظ شکل، رنگ، طعم، اندازه، لطافت و خوبی با یکدیگر تفاوت های {آگاه} بسیار عظیم دارند و نیز از همین خاکها که دارنده طبیعت یکسانی هستند انواع دانه های کشاورزی که از جهت های گوناگون اختلاف بسیار با هم دارند می روید و نیز از همین خاک با طبیعت یکسان درختان خرمايي که از یک ریشه روبيده اند و درختانی که هر یک ریشه جداگانه دارند، می روید و همه آنها از یک آب و {خاک} تغذیه می شوند ...»

آری، خاک موجودی است که خداوند آن را در اختیار آدمیان نهاده و به مناسبت های مختلف و با بهره وری از شیوه های گونه گون اهمیت و جایگاه آن را به انسانها نمایانده و از این رهگذر به آنان آگاهی داده که خاک را موجودی حقیر و بی ارزش نشمارند.

توجه به اهمیت خاک و سودمندی های فراوان آن می تواند بستر مناسب و در خوری برای حفاظت و بهینه سازی آن فراهم آورد. در ادامه این درس اهمیت و ارزش خاک را از زاویه ای دیگر مورد بررسی قرار می دهیم.

خلقت آدم از خاک

خداوند در قرآن به خلقت انسان اشاره کرده و عنصر اصلی آفرینش او را خاک دانسته است:

«كفرت بالذی خلقك من تراب»

«آیا به خدایی که تو را از خاک آفرید کفر می ورزی؟»

در آیات دیگر همواره تأکید شده است که ما آدم، عیسی و شما را از خاک آفریدیم.

تأمل در این آیات بسی تنبّه آفرین است و به نوعی این نکته را در ذهن آدمی پدید می آورد که خاک می تواند آثار و برکات فراوانی داشته باشد و از مهم ترین آنها خلقت انسان است.

پاکی و طهارت خاک

وقتی که انسان میخواهد با خدای خود سخن بگوید باید خود را طاهر سازد و با طهارت پیشگاه الهی رود و گرنه ساحت قدس الهی به گونه ای است که انسان های الوده نمی توانند بدان نزدیک شوند.

این طهارت چیست و چگونه به دست می آید؟ مبلغان احکام الهی و آنان که دانش و قدرت راهنمایی انسان را برای سیر به سوی حضرت حق دارند؛ یعنی پیامبر خدا و امامان معصوم -علیهم السلام - آن را برای ما تبیین کرده و ابزار آن را بر شمرده اند.

آب و خاک دو عنصر مهم است که انسان می تواند خود را با آنها پاکیزه سازد و طهارت ظاهری و معنوی به دست آورد.

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«و ... فلم تجدوا ماء فتيمّموا صعيداً طيباً فامسحوا بوجوهكم وأيديكم منه ... »

«ای مؤمنان! هرگاه آهنگ نماز کردید صورت و دستان خود را بشویید (وضو بگیرید) ... و اگر آب پیدا نکردید

آهنگ خاک پاکی کنید پس صورت و دستان خود را با آن مسح کنید.»

واژه «صعيد» در آیه شریفه از ماده «صعود» به معنای بالا رفتن و مکان بلند زمین است.

در کتاب فقه الرضا درباره معنای آن چنین آمده است:

«کلمه "صعيد" به معنای مکان بلند و مرتفع و به معنای محل پاکی است که آب از آن سرازیر می شود.»

مفسر پرآوازه شیعه، شیخ طوسی (م ۴۶۰ق) نوشته است:

«ریشه کلمه "صعيد" از "صعود" است و آن عبارت است از خاک هایی که در مکان بلند و مرتفع زمین قرار

گرفته اند ... »

به هر حال، تیمّم باید بر «صعيد» باشد. در معنای کلمه «صعيد» مفسران و فقیهان اختلاف نظر دارند.

برخی گفته اند فقط به معنای خاک است و برخی مفهوم آن را گسترده تر دانسته و همه اشیای طبیعی روی زمین از قبیل سنگ ها و ... را نیز در مفهوم آن گنجانیده اند. بر پایه هر دو نظریه مصداق یقینی و روشن «صعید» که باید بر آن تیمم کرد، خاک است.

بر طبق این آیه شریفه، خاک عنصری است که با مسح بر آن می توان به طهارت دست یافت؛ طهارتی که زمینه صعود به سوی حضرت حق و گفت و گوی با او را فراهم می آورد.

روایات پرشماری نیز در این باره داریم که به برخی از آنها اشاره می کنیم.

حضرت امام صادق - علیه السلام - از قول پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم - فرمود: :

«تمسحوا بالأرض فإنها امکم و هی بکم برء»

«بر زمین مسح کنید، زمین مادر شما و نسبت به شما مطیع است.»

آن حضرت از قول خدای تعالی به خویش چنین نقل کرده است:

«جعلت لك و لأمتك الأرض كلها مسجداً و ترابها طهوراً»

«همه زمین را برای تو و امت تو سجده گاه و خاک آن را مطهر قرار دادم.»

در روایت دیگری نقل شده است که آن حضرت به سلمان و ابی ذر فرمود:

«جعل لی الأرض مسجداً و طهوراً اینما كنت أتیمم من تربتها و أصلی علیها.»

زمین را برای من هم سجده گاه و هم به عنوان ابزار طهارت قرار داده اند. هر کجا که باشم می توانم بر خاک آن تیمم کنم و بر آن نماز بخوانم.»

روایات متعدد دیگری نیز به همین مضمون آمده است. (۳) در روایتی در این باره در کتاب دعائم الإسلام چنین می خوانیم:

«إن رسول الله - صلی الله علیه و آله و سلم - قال: إن الأرض بکم برء تتيّمون منها و تصلون علیها فی الحیاة و هی لکم کفات فی الممات و ذلك من نعمه - له الحمد - فأفضل ما یسجد علیه، الأرض النقیة.»

«پیامبر خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - فرمود: زمین به شما رام و مهربان است، از آن تیمم می کنید، در زمان حیات بر آن نماز می خوانید و پس از مرگ [جسد] شما را در برگرفته و ضمیمه خود می کند و این از نعمت های خداست. - که ستایش برای اوست - ، پس بهترین چیزی که بر آن سجده می شود، زمین پاک است.»

آری زمین چونان مادری مهربان برای ماست و بی هیچ منتی همه امکانات خود را در اختیار آدمیان و دیگر موجودات قرار میدهد. بر آن تیمم میکنیم و پیشانی بر آن می ساییم و از این رهگذر به خداوند تقرب می جویم. پس از مرگ نیز جسد ما باید در مکان مناسبی پوشیده شود و گرنه بوی تعفن آن همه جا را فرا میگیرد و آزار مردمان را در پی می آورد.

در این مرحله نیز این مادر مهربان و خاک طهارت آفرین، این جسم نجس را در آغوش می گیرد و آن را در خود استحاله می کند و به خاک پاک دیگری مبدل می سازد که منشأ برکت ها و سودمندی های فراوان دیگری است.

هشدار به انسانها

در آیه ای که پیش از این آوردیم واژه «طیب» یعنی پاکیزه، صفت برای کلمه صعيد، یعنی خاک قرار گرفته بود.

بدین ترتیب آن چه می توان با آن به طهارت دست یافت و بر آن سجده کرد، خاک پاک است و این مطلب به گونه ای اشاره به اهمیت پاکی خاک دارد و به صورت غیر مستقیم انسان را به آلوده نکردن خاک ها توجه می دهد.

پاکیزگی خاک به چه معناست؟

علامه طباطبایی - مفسر عالی قدر معاصر شیعه- در این باره بر این باور است که مقصود از طیب آن است که خاک، حالت طبیعی خود را حفظ کرده و تغییر نیافته باشد:

«پاکیزگی در چیزی به این معناست که حالت طبیعی خود را حفظ کرده باشد و واژه "طیب" در این آیه شریف برای این آمده است که اشاره کند بر زمینی (خاکی و سنگی) می توان تیمم کرد که از حالت طبیعی خود خارج نشده باشد، مانند خاک و سنگ های معمولی و نه خاک هایی که از طریق پختن و یا دیگر عوامل تغییر، از حالت عادی خارج شده است؛ مانند گچ و ... خداوند متعال در قرآن می فرماید:

«و البلد الطیب یخرج نباته باذن ربّه والذی خبث لا یخرج الا نکدأ...» " سرزمین پاکیزه و شیرین گیاهش به فرمان پروردگار می روید، اما سرزمین های شوره زار و بد طینت جز گیاه ناچیز و بی ارزش از آن نمی روید "»

گو این که می توان از این آیه به نکته بسیار ظریف و با اهمیتی دست یافت و آن این که هر آن چه از زمین می روید از خاک است و خاک است که سخاوتمندانه به سان بستری مناسب زمینه رویش گیاهان را فراهم می آورد، لیکن باید هوشیار بود که هر خاکی و هر زمینی نمی تواند مکان روییدن و بالیدن گیاهان سودمند باشد و تنها خاک پاک و شیرین است که می تواند زمینه سر برآوردن گیاهان ارزشمند را مهیا سازد.

بر پایه این آیه شریف حتی باران که رحمت الهی است و شادی، نشاط، سبزی و خرمی را برای زمین به ارمغان می آورد تنها در صورتی می تواند این گونه باشد که بر خاکی پاکیزه و شیرین ببارد و گرنه از خاک آلوده، سوخته و فرسوده چه سان می توان انتظار برآمدن سبزی و خرمی داشت!

بدین سان آدمی برای سبزی و خرمی و نشاط زمین و گسترش کشاورزی و سلامت محیط زیست خود که ضامن بقای حیات اوست از فرسایش خاک ها بپرهیزد و در حفاظت از خاک پاک بکوشد و از هر گونه اسراف در مصرف این نعمت الهی دوری کند.

چکیده

انسان، از خاک آفریده شده و خاک از نعمت های بزرگ خداوند است که از سر لطف آن را در اختیار آدمیان نهاده است.

این عنصر ارزشمند طبیعی سودمندی های بسیاری دارد و نباید بدان به دیده تحقیر نگریست.

در قرآن و روایات از سویی خاک بر آوردنده نیازهای انسان دانسته شده و از طرفی عنصری دارای آثار بسیار معرفی گردیده است.

خداوند خاک را پاک و پاک کننده قرار داد و منظور از خاک پاک، خاکی است که آلوده نشده است.

سؤالها

۱- علامه طباطبایی کلمه «قطع متجاورات» را چگونه تفسیر کرده است؟

۲- واژه «صعید» در قرآن به چه معناست؟

۳- منظور از «خاک پاک» چیست؟

۴- سه فایده از فواید خاک را بنویسید.

درس سوم :

فضیلت و ارزش آب

در قرآن و سخنان معصومان - علیهم السلام - مطالب فراوانی درباره سودمندی ها و سهم موثر آب در زندگی بشر و دیگر جانداران و نقش آن در سرسبزی و نشاط زمین و ... به ما رسیده است. در این درس، اندکی از این بسیار را به عنوان نمونه، فراروی شما خوانندگان ارجمند می نهیم.

باران، رحمت الهی

بر پایه گروهی از آیات و روایات، باران، رحمت الهی است که خداوند از سر لطف در اختیار آدمیان نهاده است؛ خداوند متعال در آیاتی چند باران را «رحمت الهی» نامیده است:

«و هو الذی ارسل الریح بشراً بین یدی رحمته و أنزلنا من السماء ماءً طهوراً»

«او کسی است که پیشاپیش، بادها را به مژده بخشی {باران} رحمتش گسیل می دارد و از آسمان، آبی پاکیزه فرو فرستادیم.»

«و هو الذی ینزل الغیث من بعد ما قنطوا و ینشر رحمته و هو الولی الحمید»

«او کسی است که باران را پس از نومیادی از آن، فرو می فرستد و مهربانی اش را منتشر می سازد و او سروری ستوده است.»

«و هو الذی یرسل الریح بشراً بین یدی رحمته»

«او کسی است که پیشاپیش، بادها را به مژده بخشی {باران} رحمتش گسیل می دارد ...»

باران، برکت و رزق الهی

قرآن از باران به عنوان «مبارک»؛ یعنی با خیر و برکت و دارای سودمندی های بسیار یاد می کند:

«و نزلنا من السماء ماءً مبارکاً»

«و از آسمان آبی با برکت فرو فرستادیم»

این تعبیر قرآن بسی لطیف و آموزنده است؛ چه این که به راستی باران سرچشمه خیر و برکت در زمین است و خداوند با انتخاب این واژه نشان میدهد که فضل و رحمت الهی در سرتاسر زمین گسترده است.

همچنین قرآن با عنوان «رزق» از باران یاد کرده است:

«و فی السماء رزقکم وما تواعدون»

«روزی شما و آن چه وعده داده می شوید در آسمان است.»

بر طبق روایات، قطره های حیات بخش باران و آبی که از آسمان بر زمین می بارد و در اختیار آدمی گذاشته می شود رزق و روزی اوست.

امین الاسلام طبرسی در این باره می نویسد:

«این که خداوند فرمود: "روزی شما در آسمان است"؛ یعنی خداوند روزی شما را از آسمان فرو خواهد فرستاد؛ بدین سان که باران را فرو می فرستد و به یمن آن انواع خوراک ها و پوشاک ها و اشیای مفید را از زمین می رویاند.»

آب، وسیله طهارت، پاکی و معنویت

بی شک آب از مهم ترین وسیله های نظافت و بهداشت عمومی است؛ آدمیان همواره با آن بدن خود را می شویند و چرک و کثافت را از خود می زدایند. در متون فقهی اسلام احکام فراوانی در این باره آمده که بر طبق آنها آب از «مطهرات» شمرده شده است. شرح این احکام را باید در «رساله های عملیه» پی گرفت.

اما قرآن و روایات اسلامی برای آب اثرهایی فراتر از اینها برشمرده اند؛ چه این که آب برای انسان طهارت معنوی به ارمغان می آورد و افزون بر شستن تن، جان را جلا می بخشد و روح را آماده صعود و حضور در پیشگاه پروردگار متعال می کند. قرآن می فرماید:

«و انزلنا من السماء ماءً طهوراً»

«و از آسمان آبی پاکیزه فرو فرستادیم»

و می فرماید:

«و ينزل عليكم من السماء ماءً ليطهركم به و يذهب عنكم رجز الشيطان و ليربط على قلوبكم و يثبت به الأقدام»

«و از آسمان آبی بر شما فرو فرستاد تا شما را پاکیزه سازد و از شما پلیدی شیطان را بزدايد و دلگرمتان کند و گام هایتان را بدان استواری بخشد.»

مفسر بلند آوازه، جناب امین الاسلام طبرسی درباره معنای «طهور» چنین می نویسد:

«طهور؛ یعنی پاک است و پاک کننده، هم آلودگی ظاهری را می زداید و هم نجاسات معنوی را از میان بر می دارد.»

در جنگ بدر - نخستین جنگ پیامبر اسلام با مشرکان قریش - مشرکان پیش از مسلمانان بر سراب فرود آمدند و مسلمانان بر منطقه ای خشک و شن زار.

از این رو بر اثر نداشتن آب هم تشنه شدند و هم نتوانستند بدن خود را از آلودگی ها پاک سازند. شیطان به وسوسه آنان پرداخت که با همین حالت آلودگی نماز بخوانید ولی خداوند متعال باران را بر آنان نازل ساخت؛ مسلمانان در آن آب زلال تن شستند؛ از آن نوشیدند و با آن جانها را جلا بخشیدند و بارش باران مایه دلگرمی، استوار گامی و استقامت بیشتر آنان شد و روحیه آنان را قوی تر ساخت.

همان طور که در احکام فقهی خوانده ایم برای این که به سوی بهترین عمل (نماز) بشتابیم و در راه ملاقات با خدا گام برداریم باید پلیدی‌ها را بزدااییم و روح و جان را با طهارت و پاکیزه‌سازی و این جز از طریق غسل و وضو و زدودن نجاست لباس و تن با آب میسر نخواهد بود.

اگر آب صفت پاک‌کنندگی را نداشت در مدت کوتاهی آلودگی سرتاسر جسم و جان ما را فرا می‌گرفت. حقیقت این سخن را زمانی به خوبی درک می‌کنیم که در نقطه‌ای گرفتار شویم که آبی در دسترس نباشد؛ بدین سان آب برای آدمیان روزنه‌های قرب به سوی خداوند را می‌گشاید.

از حضرت امام صادق - علیه السلام - در این باره چنین نقل شده است:

«هرگاه خواستی خود را پاکیزه‌سازی و وضو‌گیری به سوی آب برو، همان طور که به سوی رحمت خدا می‌روی؛ زیرا خدا آب را کلید قرب و مناجات خود و راهنمای نشستن بر سر سفره خدمتش قرار داده است و همان گونه که رحمتش گناهان بندگان را می‌زداید، آب هم نجاست‌های ظاهری را پاک می‌کند.»

حضرت پس از اشاره به دو آیه شریفه «...و انزلنا من السماء ماءً طهوراً» و «و جعلنا من الماء کل شیء حی» فرمود:

به همان سان که خداوند با آب همه نعمتهای دنیا را زنده کرده با رحمت و فضل خود آب را مایه حیات دلها و اطاعتش قرار داده است. در زلالی، نرمی، پاکی، برکت و آمیزش لطیف آب با همه اشیا، تفکر کن و آن را برای پاکیزه ساختن اعضایی که خداوند به شستن آنها فرمان داده است، به مصرف برسان ... اگر آن را از سر احترام مصرف کنی به زودی چشمه‌های فواید آن به رویت گشوده خواهد شد.»

آب، منشأ حیات

پیش از این اشاره شد که طبق گروهی از آیات، باران رحمت الهی نامیده شده است. دسته‌ای دیگر از آیات، باران و آبها را نعمت بزرگ خداوندی دانسته و بر آن تأکید ورزیده است.

در گروهی دیگر از آیات، آب، سر منشأ حیات همه موجودات زنده معرفی شده است:

«و جعلنا من الماء کل شیء حی»

«هر چیز زنده را از آب پدید آوردیم.»

«والله خلق کل دابة من ماء»

«خدا هر جنبنده‌ای را از آب آفرید.»

و در باره انسان می‌فرماید:

«و هو الذی خلق من الماء بشراً»

«و او کسی است که از آب بشری آفرید»

از ظاهر این آیات استفاده می‌شود که ماده اصلی حیات موجودات زنده آب است، بدان سان که بدون آب هیچ موجود زنده‌ای نمی‌تواند به حیات خود ادامه دهد. طبریسی از مفسران بزرگ قرآن می‌نویسد:

«مقصود خداوند از این آیه آن است که به وسیله آبی که از آسمان نازل می کنیم هر چیز زنده ای را حیات می بخشیم.»

علامه طباطبایی در تفسیر این آیات مینویسد:

«مراد آن است که آب دخالت تامی در وجود موجودات زنده دارد.»

سید قطب در این باره نوشته است:

«اما آیه شریفه «وجعلنا من الماء كل شيء حيّ» حقیقتی بسیار بزرگ را اثبات می کند که دانشمندان فهم و اثبات آن را دستاوردی سترگ برای علم قلمداد می کنند؛ که آب نخستین بستر و گهواره حیات است.»

وی در تفسیر آیه شریفه «و الله خلق كل دابة من ماء» مینویسد:

«این حقیقتی سخت است که قرآن به این سادگی عرضه کرده است؛ مقصود آن است که عنصر یگانه و اساسی در ترکیب موجودات زنده آب است.»

حضرت امام باقر - علیه السلام - در این باره سخن لطیفی دارد، آن حضرت می فرماید:

«طعم آب طعم حیات و زندگی است.»

باران و رویش گیاهان

پوشش گیاهی زمین و سرسبزی و خرمی آن از جلوه های عظمت و حکمت الهی است. قرآن تأکید می ورزد که این نعمت بزرگ الهی در گرو بارش باران است. از نگاه قرآن زمین بی گیاه، زمینی است که در خشکی سوخته و چونان گورستانی خاموش، چهره غم زده به خود گرفته و هنگامی که باران می بارد، می شکفتد، می جنبد و ترانه زیبایی و سرسبزی می سراید و حماسه بزرگ قدرت نمایی خداوند را می نماید.

«ألم تر أنّ الله أنزل من السماء ماءً فتصبح الأرض مخضرةً أنّ الله لطيف خبير»

«آیا ندیده ای که خدا از آسمان آبی فرو فرستاد و زمین سرسبز گردید، بی گمان خداوند لطیف و آگاه است.»

«وهو الذي أنزل من السماء ماءً فأخرجنا به نبات كل شيء ...»

«او کسی است که از آسمان آب فرو فرستاد و بدان وسیله گونه های گیاهی و جوانه های سبز و دانه های درهم تنیده رو باندیم ...»

در این باره قرآن تعبیری بسیار لطیف و مخصوص به خود دارد؛ همان طور که پیش از این اشاره شد از نگاه قرآن زمین خشکیده و بی گیاه به موجودی افسرده و مرده می ماند که بر گستره آن هیچ نشاط، شادابی و حیات و جنبشی به چشم نمی خورد و بارش باران، روح حیات را در کالبد بی جان آن می دمد و سرسبزی، خرمی و حیات می آفریند.

از این رو خداوند در آیات متعددی باران را سبب «احیاء زمین» قلمداد کرده است.

به طور خلاصه آب و باران زمینه ساز رویش انواع گیاهان، پدید آمدن باغ های سرسبز و میوه های رنگارنگ و سبب احیای مرتع ها و زمین های بایر است.

بر پایه گروهی از آیات و روایات، آب مادر هستی و نخستین آفریده {مادی} خداوند است،

عرش خدا بر آب نهاده شده است، زمین بدون آب پایداری و قوام ندارد، بهترین نوشیدنی است و بدون آب، خوردنی های نوشیدنی های دیگر لذت آور نخواهند بود. حضرت امام صادق - علیه السلام - در باره فواید آب چنین می فرماید:

«اگر فراوانی و فوران آب در چشمه ها، نهرها و بیابان ها نبود زندگی بر مردم دشوار می شد؛ زیرا آنان نیاز فراوان به آب دارند؛ آنان برای نوشیدن خود و چهارپایانشان و آبیاری انواع مزرعه ها، باغها و درختانشان به آب نیازمندند و نیز {وجود آب} برای نوشیدن حیوانات وحشی و درندگان و پرندگانی است که همواره از آب بهره می برند و برای آن دسته از ماهیان و آبزیانی است که در داخل آب ها می زیند و در آن شناورند و حرکت می کنند. آب منافع دیگری دارد که تو آنها را می دانی، اما از بزرگی و عظمت آنها غفلت ورزیده ای؛ زیرا افزون بر این که حیات همه موجودات زنده اعم از گیاهان و جانوران در گرو آب است، سودمندی های دیگری دارد {به عنوان نمونه} انواع نوشیدنی ها به واسطه مخلوط شدن با آب، گوارا و لذیذ می شوند؛ با آب، بدنها و جامه ها را پاکیزه می کنند و چرک آنها را شست و شو می دهند، با آن خاک را گل می سازند و در ساختمان سازی به کار می برند، با آن شعله های افروخته آتش را که مردم را در معرض زیان و نابودی قرار داده است، خاموش می کنند و آب است که چون انسان خسته با آن دوش می گیرد، خستگی را از تن ها می زداید و انسان را سبک و شاداب می کند. آب منافع دیگری دارد که تا انسان به آن نیاز پیدا نکند این منفعت ها را به درستی درک نمی کند...»

چکیده

آب، نعمت، رحمت، رزق و برکت الهی است که خدای مهربان آن را آفرید تا زمین را بدان زنده، سرسبز و نشاط آفرین کند و نیازهای آدمیان و جانوران و گیاهان را بر آورد. در آیات قرآن از آب به نعمت، رحمت، برکت، رزق، منشأ حیات و ابزار طهارت ظاهری و معنوی تعبیر و بر سهم به سزای نزولات آسمانی در سرسبزی زمین تاکید شده است. بر طبق برخی روایات آب سودمندی های فراوانی دارد؛ از آن جمله است: بر آوردن نیازهای جانداران، آبیاری درختان و کشتزارها، بستر زندگی ماهیان و آبزیان، گوارا کردن نوشیدنی ها، فراهم آوردن استفاده از خاک در ساختمان سازی، خاموش کردن آتش و

سؤال ها

۱- سه فایده مهم آب را از نگاه قرآن بنویسید؟

۲- طهارت معنوی با آب چگونه حاصل می شود؟

۳- درباره آیه «و من الماء کل شیء حی» چه می دانید؟

درس چهارم :

بادها و ابرها

آفتاب بر اقیانوس ها و دریاها می تابد. بادهای گرم و داغ از مناطق استوایی به سوی مناطق سرد حرکت می کنند و آنها را بخار کرده و به آسمان می فرستند. سپس جریانهای منظم سرد قطبی که همواره در جهت مخالف جریان اول حرکت می کنند، بخارهای پدید آمده را جمع آوری کرده و در هم می فشردند؛ در نتیجه توده های سنگین ابر را تشکیل می دهند.

امواج باد، ابرهای کوه پیکر را بر دوش گرفته به سوی سرزمین هایی که مأموریت دارند، می برند؛ بخشی از این بادهای پیشاپیش کاروان های ابر در حرکتند و با رطوبتی ملایم آمیخته اند، نسیم دل انگیزی را به وجود می آورند که بوی باران حیات بخش از آن به مشام می رسد.

قرآن با تعبیری لطیف این بادهای را، بادهای مژده آور می نامد. خداوند متعال در این باره چنین می فرماید:

«هو الذی ارسل الریاح بین یدی رحمته و انزلنا من السماء ماءً طهوراً»

«او کسی است که پیشاپیش، بادهای را به مژده بخشی {باران} رحمتش گسیل می دارد و از آسمان آبی پاکیزه فرستادیم.»

بدین سان بادهای از سوئی بخارهای پراکنده را در هم می فشردند و به ابرهای سنگین و عظیم الجثه مبدل می سازند و از طرفی این ابرهای بزرگ را جا به جا کرده و به سوی سرزمین های مختلف می رانند و با خنک کردن هوا زمینه باریدن باران رحمت را بر سرزمین ها فراهم می آورند؛ به همان سان که این ابرها را از یکدیگر جدا ساخته و به قطعه های کوچک تر تبدیل می کنند و گاه آنها را از هم می پاشند.

حضرت امام صادق - علیه السلام - درباره فواید بادهای چنین می فرماید:

«ای مفضل!... مگر نمی بینی از هر طرف که باد بوزد، بوی خوش از آن طرف بیشتر شامه را می نوازد و نیز صداها از آن سو به گوش می رسد و هواست که سرما و گرما را - که برای تأمین مصلحت عالم، پشت سر یکدیگر می آیند - بر دوش می کشد و این باد وزنده بخشی از هواست که بر اجسام می وزد و گرد و غبار و کثافت های آنها را با خود می برد و ابرها را جا به جا میکند تا همه افق را فرا گیرد و نفعش به همه جا برسد تا این که {بر اثر وزیدن بادهای} ابرها فشرده و متراکم می گردند و باران می بارد {و پس از باریدن باران} ابرها را پراکنده می کند تا سبک گردند و از هم بگسلند، و درخت را بارور می کند و کشتی ها را به حرکت در می آورد، طعام را لطیف، آب را خنک و گوارا، آتش را فروزان، و چیزهای تر را خشک می کند و خلاصه آن که باد هر آن چه را در زمین است زنده می کند ... چه اگر باد نباشد گیاهان خشک می شوند، حیوانات می میرند و همه چیز ضایع و فاسد می گردد.»

مناسب است یادآوری شود که بر طبق آیات قرآن و روایات یاد شده، باد افزون بر دریاها، سطح خشکی را نیز در می نوردد و با وزش خود زمینه تلقیح و باروری و به ثمر نشستن گیاهان را فراهم می آورد و در نتیجه آن، میوه های متنوع و مختلف بر شاخسار درختان خودنمایی می کند.

بادهای گاه آبهای متراکم دریاچه ها، دریاها و اقیانوس ها را به طور مدام به حرکت در می آورند و با پدید آوردن امواجی آهنگین و دیدنی، محیط آماده ای برای زیست موجودات دریایی فراهم می سازند و با انتقال گرما و سرما به سطح زمین هوا را تعدیل

می بخشند؛ از این رو خداوند بادهای را از آیات الهی شمرده است. بر طبق آیات و روایات مختلف، باد یکی از عناصر طبیعت است که در چهارچوب نظم حیرت آور و قوانین بسیار متقن حاکم بر طبیعت تفسیر می شود.

دانش بشری درباره برخی از مطالبی که درباره باد در این درس آوردیم تا قرن ۱۷ و درباره برخی از آنها تا قرن ۱۵ میلادی نتوانسته بود نظریه درستی ارائه دهد و اکثر معلومات انسان در باره باد تا این تاریخ خطا بوده است.

ابرها

در آیات و روایات تعبیرهای لطیف و زیبایی درباره ابرها آمده است. قرآن ابرهای سنگین و متراکمی را که دارای میلیاردها تن آب خالص هستند به کوه تشبیه می کند.

«الم تر ان الله یزجی سحاباً ثم یؤلف بینہ ... و ینزل من السماء من جبال فیہا من برد ...»

«آیا ندانسته ای که خداوند ابر را به آرامی می راند، سپس میان اجزای آن پیوند می دهد آن گاه آن را متراکم می سازد ... و خداوند از ابرهای کوهوار آسمان، تگرگ نازل می کند.»

حضرت علی - علیه السلام - کاروان ابرها را به مادری مهربان برای زمین و زمینیان تشبیه می کند که از سر محبت و مهربانی بر آنان سایه می افکند و در پرتو بارشهای پیاپی آن دو را به نشاط می آورد:

بدین سان خدا، کاروانی از ابرهای پی در پی روان می سازد تا چون مادری مهربان کودک طبیعت را در آغوش گیرد و بادهای سرد جنوبی در دوشیدن شیرش - که همان باران است - نقش خود را ایفا کند. تو گویی سینه طبیعت رگ کرده و با رگبارش زمین را سیراب می سازد و بدین سان چون ابر زمین را زیر پستان پر بارانش می گیرد و بارگرانی را که آبستن آن است فرو می نهد در زمین خشک گیاه و بر کوه های عربان انواع سبزه ها می روید ...»

بر اساس آیات قرآن و روایات معصومان - علیهم السلام - ابرها از نعمت ها و

آیات الهی هستند چرا که در بردارنده باران رحمت الهی اند و دانه های باران از لابه لای آنها بیرون می جهد.

«الم تر ان الله یزجی سحاباً ثم یؤلف بینہ ثم یجعلہ ركاماً فتری الودق ینزل من خلاله»

«یا ندانسته ای که خدا تکه های ابر را به آرامی می راند و سپس آنها را به هم پیوند می دهد و ابرهای عظیم و متراکم پدید می آورد، آن گاه دانه های باران را می بینی که از لابه لایش بیرون می جهد.»

آیات و روایات درباره ابرها و رابطه آن با باد و باران فراوان است. به طور خلاصه می توان به مطالب زیر درباره آنها اشاره کرد:

۱- اسم باد همه جا قبل از ابر و باران آمده است و در واقع وظیفه ابر پیش از آنها آغاز می شود.

۲- به جز آیه «وارسلنا الریاح لواقح فأنزلنا من السماء ماء» در بقیه موارد وزش باد با فعل مضارع آمده؛ که در بردارنده معنای استمرار است. بادهای همواره ایجاد ابرهای سنگین و بارندگی را به عهده دارند؛ واژه «فتیثر سحاباً» در این باره بسیار لطیف است؛ چه این که از ماده «ثور» و به معنای زیر و رو کردن و انقلاب و جهش است. وقتی بادهای، جناح گرم و مرطوب را به جناح سرد و یا به کوه می زند، بخارهای متراکم زیر و رو و نامتعادل شده و به حالت هیجان و انقلاب در می آیند.

۳- بادهای باران را همه جا به صورت جمع، یعنی «ریاح» آمده است که احتمالاً به کثرت، تنوع و استمرار این بادهای اشاره دارد.

۴- استفاده از واژه هایی چون «یُرسل»، «أَقَلَّتْ» و «المعصرات» درباره ابرها بسیار دقیق و لطیف است.

۵- بادهای عمل تلقیح را به عهده دارند. درباره معنای تلقیح در آیه شریفه اختلاف نظر است. برخی از مفسران همان طور که پیش از این آوردیم، تلقیح را | گرده افشانی گیاهان می دانند و برخی باران را ساختن ابرها و آنها را از حالت عقیم بودن در آوردن.

بارش باران

از نگاه قرآن و روایات، باران، رحمت، نعمت و از آیات الهی به شمار می رود که | سرسبزی، خرمی و نشاط و به تعبیر بسیار لطیف قرآن حیات زمین را در پی دارد.

قرآن انسان را به تأمل درباره چگونگی باریدن باران فرا می خواند و از سرچشمه لطف الهی بودن آن سخن می گوید و سودمندبهای فراوان و آثار مبارک آن را گوشزد می کند؛ از این رو آدمیان باید قدر این نعمت الهی را بدانند و از آن به درستی بهره برند و خداوند را برای نزول رحمتش شکر کنند. و در این باره آیات و روایات فراوانی داریم که بررسی آنها فرصتی فراخ تر می طلبد. اما در متون مذهبی از انبارش و ذخیره سازی نزولات آسمانی و استحصال آب از منابع زیرزمینی و کیفیت استفاده از آن نیز فراوان سخن رفته است.

به عبارت دیگر، باران از آسمان به هنگام و به اندازه بر زمین می بارد، این آبهای فرود آمده را چگونه می توان ذخیره ساخت و آبهای در دسترس را چگونه باید مصرف کرد؟

اگر در انبارش نزولات آسمانی درست عمل نشود و مقدمات آن فراهم نیاید بخشی عظیم از این نعمت الهی به هدر می رود و گاه با راه افتادن سیل های بزرگ این نعمت به نعمت مبدل می گردد.

اگر آبهای ذخیره شده را نتوانیم استخراج کنیم این ذخیره سازی بی فایده خواهد بود و اگر از آبهای استخراج شده و یا در دسترس به درستی استفاده نکنیم و با بهره گیری غیرصحیح بخشی از آن را هدر دهیم خود را از یکی از بزرگترین نعمت های الهی محروم ساخته ایم.

چکیده

بادهای از نعمت های الهی به شمار می آیند که مژده بارش باران را به آدمیان و چهارپایان می دهند و عامل تکوین، تراکم، جا به جایی و نیز از هم گسیختن و پراکندن ابرها می باشند. بادهای در تعادل هوا و لطافت آن تأثیر گذارند. در آیات قرآن رابطه بادهای و ابرها و بارش باران به طور بسیار دقیقی ترسیم شده است. ابرها که در پی بخار شدن آبهای دریاها و اقیانوس ها پدید می آیند از نعمت ها و آیات الهی محسوب می شوند. قرآن با تعبیراتی لطیف باران و ابر را از آیات الهی و نعمت های خداوندی برای بشر دانسته است.

سؤال ها

۱- از نگاه قرآن بادهای و ابرها چه رابطه ای با هم دارند؟

۲- قرآن ابرها را چگونه توصیف می کند؟

۳- به نظر شما چرا ابرها از آیات الهی به شمار می آیند؟

درس پنجم :

ذخیره سازی نزولات آسمانی

خداوند متعال زمین را به گونه ای آفریده و به آن ویژگیهایی بخشیده که نزولات آسمانی را در دل خود و یا در دامنه کوه های بلند در مناطق سرد ذخیره و به تدریج این نزولات را در فصل تابستان در قالب نهرها، قنات ها، چشمه ها و چاه ها جلوه گر سازد و گیاهان، جانوران و آدمیان از آن بهره برند و حیات و زندگی و سرسبزی در زمین جلوه کند.

عناصر تشکیل دهنده طبیعت به گونه ای است که انسان نیز می تواند آب ها را در پشت سد های بزرگ و کوچک و یا در سفره های طبیعی زیرزمینی ذخیره سازد و از این رهگذر از هدر رفتن آنها جلوگیری کند. خداوند متعال می فرماید:

«فَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَسْقَيْنَاكُمُوهُ وَمَا أَنْتُمْ لَهُ بِخَازِنِينَ»

«از آسمان آبی فرو فرستادیم، پس شما را از آن سیراب ساختیم و شما خزانة دار آن نیستید.»

از این آیه استفاده می شود که یکی از اهداف نزول باران فراهم آوردن آب مورد نیاز بشر است. اما برای رسیدن به این مقصد باید آب ذخیره شود و این خداوند است که آب را در منابع طبیعی زمین ذخیره می کند و یا زمینه ذخیره سازی آن را توسط بشر در طبیعت فراهم می آورد.

دو احتمال در معنای کلمه « و ما اَنتُم له بخازنین » وجود دارد. نخست آن که خداوند متعال قانون طبیعت را به گونه ای سامان داده که آب باران خود به خود در زمین نفوذ کرده و در خزینه های آن انبار می شود و بشر خود نمی تواند به چنین اقدام مهمی دست یابد.

مفسر بزرگ شیعه جناب طبرسی می نویسد:

«یعنی شما ای مردمان نمی توانید آن را نگه دارید. بلکه خداوند آن را در دریاها و اقیانوس ها حفظ می کند و آن را از آسمان فرو می بارد و آن گاه در خزینه های بزرگ زیرزمینی ذخیره می کند و به هنگام نیاز و به مقدار احتیاج، از طریق چشمه سارها جاری می سازد.»

دوم آن که خداوند به وسیله منجمد ساختن آب در قله کوهها به صورت برف و یخ و جاری ساختن آن در چشمه ها، قنات ها و چاه ها و حتی منبع ها و سد هایی که توسط آدمیان ساخته می شود، آنها را ذخیره می کند؛ از این روی ذخیره سازی آب را - حتی در آن جا که بشر انجام داده است - به خداوند نسبت می دهیم؛ چه آن که خود انسان، اندیشه وی و امکاناتی که برای نگهداری آب به کار می برد، مخلوق خداست. مانند آنچه در سوره واقعه درباره کشاورزی و زراعت آمده است:

«وَأَفْرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ أَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ»

«آیا آنچه را کشت می کنید، ملاحظه کرده اید؟ آیا شما آن را {بی یاری ما} زراعت می کنید، یا ماییم که زراعت میکنیم.»

هریک از این دو احتمال، به اهمیت انبارش آب به طور عام و انبارش آن در منابع طبیعی به طور خاص اشاره دارد و تفاوت آنها در این است که بر پایه نظریه دوم نقش انسان هم تا حدودی لحاظ شده است.

نیز از آیه استفاده می شود که آبهای باران و برف در منابع طبیعی ذخیره شده و در نهایت به دریاها و اقیانوس ها رسیده و بخشی از آن به باران تبدیل می شود. مفسر بزرگ شیعه جناب علامه طباطبایی در این باره می نویسد:

«این آیه دلالت دارد که آب های ذخیره شده در زمین در نهایت به باران بدل می شود، و این برخلاف نظر دانشمندان زمان های گذشته است که می پنداشتند که آب کره ای است ناقص که کره زمین را احاطه کرده و از عناصر چهارگانه به شمار می آید.»

نتیجه آن که بر طبق این آیه، خداوند قانون باران و زمین را به گونه ای قرار داده که آب به داخل زمین راه یابد و در خزینه های بزرگ آن انبار شود تا نیازهای آدمی را بر آورد.

افزون بر آیه یاد شده اصل ذخیره سازی آب و جلوگیری از هدر رفتن آن از مسائلی است که در روایات نیز بدان اشارت رفته و در زمره مسائل روشن قرار دارد. حضرت امام صادق علیه السلام می فرماید:

«... اگر کثرت ذخیره سازی آب در منابع طبیعی و جوشش آن از چشمه ها، قنات ها و نهرها نبود، انسان برای آبیاری درختان، مزرعه ها، غلات و سیراب کردن خود و چهارپایانش در تنگنا قرار میگرفت.»

انبارش آب در منابع طبیعی زیرزمینی

نگهداری آب های به دست آمده از برف و باران شیوه های مختلفی دارد که ذخیره سازی آب در منابع طبیعی زیرزمینی در زمره مهم ترین آنها به شمار می آید.

خداوند در قرآن کریم در این باره می فرماید:

«وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَسْكَنَاهُ فِي الْأَرْضِ وَ إِنَّا عَلَى ذَهَابٍ بِهِ لِقَادِرُونَ»

«از آسمان آبی به اندازه فرو فرستادیم، پس آن را در زمین - در چشمه ها و منبع ها- به جای دادیم و ما بر بردن آن تواناییم.»

از این آیه استفاده میشود که خداوند پوسته رویی زمین را به گونه ای آفریده که چون باران ببارد، آب در آن نفوذ کرده، در زیر زمین انباشته می گردد و به سفره های بزرگی از آب تبدیل می شود.

بنابراین، روی قانون حاکم بر زمین و نزولات آسمانی آن است که آب باران به آسانی می تواند به درون زمین راه یابد و در آن جا ذخیره شود؛ از این رو انسان باید این قانون را پاس دارد و در تقویت و حفظ آن بکوشد.

در آیه دیگر خداوند می فرماید:

«الْم تَرَأْنِ أَنْ اللَّهُ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَلَكَهُ يَنَابِيعَ فِي الْأَرْضِ ...»

«آیا ندیده ای که خدا از آسمان آبی فرود آورد، پس آن را به چشمه سارهایی که در زمین است راه داد ...»

از این آیه شریفه نکته های زیر درباره انبارش آب در زیرزمین استفاده میشود:

۱- آب باران در زمین نفوذ می کند و به مخزن های بزرگ انبارش آب می پیوندد.

این مطلب از کلمه «سلوک» استفاده میشود. به کار بردن این واژه به جای کلمه «دخول» و کلماتی از این دست بسیار لطیف و با معناست. سلوک به معنای پیمودن و رفتن تدریجی و کم کم است و در این جا به معنای دخول و نفوذ تدریجی آب در داخل زمین است که از ویژگی های سطح زمین و باران نشأت میگیرد؛ بدین سان که باران نم نم و قطره قطره فرو می بارد - نه یکباره - تا به آسانی در داخل زمین نفوذ کند.

حضرت امام صادق علیه السلام - در این باره می فرماید:

«چون خداوند مقرر فرمود که باران از بالا فرو بارد، مقدر ساخت که قطره قطره بریزد تا به درون زمین راه یابد و در آن فرو رود تا زمین را سیراب گرداند. اگر به یک دفعه می ریخت به داخل زمین نفوذ نمی کرد و گیاهان و درختان را می شکست»

بر پایه این سخن، طبیعت نزول باران و برف به گونه ای است که اقتضای نفوذ در زمین و ذخیره شدن در آن را دارد و اگر در پوسته رویی زمین مانعی نباشد به آسانی در داخل آن نفوذ کرده و «سلوک آب در زمین» تحقق می یابد و نتیجه آن، تشکیل سفره های بزرگ زیرزمینی آب و انبارش آن در مخزنهای عظیم طبیعی در درون زمین است.

۲- همین آبهای ذخیره شده در زمین است که به قناتها، چشمه ها و چاه های آب تبدیل می شود.

به دیگر سخن، همین آب های برف و باران است که قناتها، چشمه ها، | نهرها و چاه های آب را به وجود می آورد.

در برخی روایات، این مطلب به طور بسیار روشنی بیان شده است. این نکته را معصومان - علیهم السلام - در زمانی بیان کرده اند که بسیاری از دانشمندان به پیروی از دانشمندان یونان عقیده دیگری داشتند.

حضرت امام صادق - علیه السلام - به شاگردش چنین می فرماید:

«ای مفضل! کوهها برای آدمیان منافع فراوانی دارند. یکی از سودمندی های کوهها آن است که برف ها بر آنها قرار می گیرد و در قله های آنها باقی می ماند و به تدریج در زمین نفوذ کرده و چشمه های پرآبی را پدید می آورد. در پرتو به هم پیوستن همین {قنات ها و} چشمه هاست که رودخانه های بزرگ و کوچک به وجود می آید و به همین دلیل است که دامنه کوه ها معمولاً سرسبز و خرم است.»

امام علی علیه السلام - نیز سخنی بدین مضمون دارد:

«خداوند متعال چشمه سارها را از زمین های بلند برآورد و آنها را در دشت ها و پهنه بیابان ها به جریان انداخت ...»

جناب علامه مجلسی در توضیح این سخن {با استفاده از روایات دیگر} می نویسد:

«چشمه ها از آب های ذخیره شده در زیرزمین به وجود می آیند، اما چون کوهها منشا شکل گرفتن رودخانه ها و چشمه هایند در روایات و کوه ها و چشمه ها با هم آمده است.»

۳- میان ذخیره سازی آب در منابع طبیعی زیرزمینی و رویدن گیاهان، سبزی و خرمی زمین رابطه وجود دارد.

استخراج آبها (قناتها، چشمه ها و چاهها)

آبهای ذخیره شده در زمین به صورت نهرها، قنات ها، چشمه ها و چاه ها استخراج می شود.

در این باره آیات و روایات و احکام فقهی فراوانی وجود دارد. نیز در تمدن اسلامی و ایرانی، به ویژه درباره قنات به مطالب مهم، سودمند و افتخارآمیزی بر میخوریم که در ادامه به برخی از آنها اشاره می شود.

اهمیت نهرها و چشمه ها از دیدگاه قرآن

از آیات مختلف قرآن کریم استفاده می شود که نهرها و چشمه ها از نعمت های بزرگی است که خداوند در این جهان به بندگانش ارزانی داشته و همگان را در باره آنها به تفکر و اندیشیدن فرا خوانده است. گاه آنها را از آیات و نشانه های خود و گاه زمینه ساز هدایت آدمیان دانسته و تعبیراتی از این دست در قرآن فراوان است.

خداوند در برخی آیات از نهرها و چشمه هایی یاد می کند که در بهشت به مؤمنان و تقواییشان خواهد داد.

از مجموع این آیات چنین به دست می آید که این چشمه ها و نهرها نیز از نعمت های گران قدر و لذت آور بهشتی است.

ما به درستی نمی دانیم حقیقت و ماهیت این چشمه ها و نهرها چیست و بهشتیان از آنها چگونه بهره می برند. اما عناوین «نهرها و چشمه های بهشتی» ما را بدین نکته رهنمون می سازد که چشمه ها و نهرهای زمین ارزشی والا دارند و از موهبت های ارجمند الهی به شمار می روند و گرنه تعبیر چشمه و نهر بهشتی چندان مناسب نمی نمود.

به هر حال، از همه آیاتی که درباره چشمه ها و نهرها آمده است به روشنی استفاده می شود که آنها در معیشت بشری و سرسبزی و حیات زمین بسیار مؤثرند و بشر باید این نعمت بزرگ را پاس دارد و شکر خالق را به جا آورد؛ چراکه آب باران و برف باید به گونه ای بر زمین و در جای جای بیابان ها و صحراها جاری شود که کام تشنه حیوانات و آدمیان را سیراب سازد و به مزرعه ها و باغها و دیگر گیاهان و درختان حیات بخشد.

از این روی، خداوند قوم عاد و فرعون و پیروانشان را سخت نکوهش می کند که قدر این نعمت را ندانستند و آن را پاس نداشتند: «کم ترکوا من جنات و عیون و زروع و مقام کریم»

چشمه ها، نهرها و کوه ها

خداوند متعال کوه ها را به گونه ای آفرید و خصوصیتی در خاک ها و سنگ ها و پستی و بلندی هایشان قرار داد که برف های انباشته شده در قله ها و دامنه های آنها آرام آرام ذوب شده در زمین نفوذ کند و یا از دامنه ها سرازیر شود و چشمه ها و نهرهای کوچک و بزرگ را تشکیل دهد.

در قرآن کریم در موارد متعددی نهرها و کوهها با هم آمده اند؛ مانند این آیات:

«والقی فی الأرض رواسی أن تمید بکم و أنهاراً و سبلاً لعلکم تهتدون»

«در زمین کوه های استوار درافکند تا شما را نجنباند و رودها و راهها پدید کرد شاید هدایت شوید.»

«هو الذی مدّ الارض و جعل فیها رواسی و انهاراً...»

«او کسی است که زمین را گسترانید و در آن کوه ها و رودها آفرید...»

«وأمّن جعل الأرض قراراً و جعل خلالها انهاراً و جعل لها رواسی...»

«آیا چه کسی زمین را قرارگاهی ساخت و در آن رودها پدید آورد و بر آن کوه ها قرار داد...»

حضرت امام صادق - علیه السلام - در این باره می فرماید:

«ای مفضل! در این کوه ها که سنگ ها و گل ها در آنها انباشته شده، بیندیش که جاهلان و غافلان گمان می برند نیازی بدانها نیست و وجود آنها زاید است. این کوهها منافع بسیار دارند. یکی از آن منافع آن است که برفها بر کوه ها می بارند و مقداری از آنها در قله های آنها باقی می ماند ... و بقیه آنها آب می شود و چشمه های پر آب از آن به وجود می آید که از به هم پیوستن آنها رودهای بزرگ سامان می یابد.»

تقریباً مشابه این مطلب درباره ارتباط کوهها و چشمه ها نیز صادق است.

نهرها در تسخیر انسان

از برخی آیات استفاده میشود که خداوند نهرها را به گونه ای در زمین آفریده و جاری ساخته که مسخر انسان باشد و آدمیان بتوانند آنها را در جهت منافع خود به کار گیرند و نیازهایشان را به وسیله آنها برآورند.

خداوند در قرآن می فرماید:

«الله الذی خلق السموات و الارض و أنزل من السماء ماء فأخرج به من الثمرات رزقاً لکم و سخر لکم الفلک لتجری فی البحر بامره و سخر لکم الأنهاره»

«خداست که آسمانها و زمین را آفرید و از آسمان آبی فرو فرستاد. پس به آن آب از میوه ها برای شما روزی بیرون آورد و کشتی را رام شما گردانید تا به فرمان او در دریا روان شود و رودها را رام شما کرد.»

این آیه شریفه ما را بدین نکته رهنمون می سازد که طبیعت رودخانه ها به گونه ای است که بشر می تواند آنها را مهار کند و در جهت منافع خود به کار گیرد. شاید بتوان از این آیه استفاده کرد که سیل ها نیز که گاه همچون رودی سرکش به حرکت در می آیند، قابل مهار و کنترل هستند.

علامه طباطبایی - رحمه الله علیه - در تفسیر آیه می نویسد:

«نهرها؛ یعنی آبهایی که در رودخانه های زمین جریان دارند. مقصود از مسخر بودن آنها آن است که بشر نهرها را به سمتی هدایت کند که منافعش برآورده شود؛ مثلاً برای نوشیدن، نظافت، آبیاری گیاهان و سیراب سازی حیوانات. که این دو نیز در تسخیر آدمیان است. از آن بهره برند.»

قنات ها

برپایه شواهد تاریخی، نیاکان ما در ۳۰۰۰ سال پیش به ابداع قنات دست یافتند و به تدریج آن را در سرتاسر این سرزمین کهن و مقدس گسترانیدند. مروری بر سیر تغییر و تحول، چالش ها، تلاشها، ابداعات و ابتکارات و خلاقیت های ایرانیان در تأمین آب برای مصارف مختلف، نشانگر این واقعیت است که پیشینیان ما با بسیاری از آن چه امروز به عنوان یافته های نوین در این زمینه شناخته شده است، آشنا بوده اند.

اما شگفت آورترین آنها ابتکار قنات سازی و قنات داری است. قنات داری در واقع شیوه ای است برای استحصال آبهای زیرزمینی که همدلی با طبیعت و کوشش و عشق به یافتن آب در آن نهفته است.

پس از ظهور اسلام، مسلمانان بر آن شدند تا مشکل کم آبی مناطق خشک فراروی خود را جبران کنند. آنان از تجربه های سودمند ایرانیان در ساخت قنات بهره بردند و نخستین آثار علمی درباره آب در جهان اسلام به خامه پرمایه جابر بن حیان نوشته شد.

در قرن چهارم، محمد بن حسن حاسب کرجی کتاب «انباط المیاه الخفیة» «استخراج آبهای زیرزمینی» را نگاشت که کتابی جامع و علمی درباره قنات سازی و استخراج آب است.

به طور کلی مسلمانان توفیق یافتند تجربه های گرانددر ایرانیان را در باره قنات تدوین کرده و به علاقه مندان این فن عرضه کنند. پس از کرجی کتابهای مختلف دیگری در این باره نگاشته شد که معرفی آنها فرصتی فراخ تر می طلبد.

چکیده

خداوند طبیعت را به گونه ای آفریده که نزولات آسمانی در آن ذخیره شود تا به هنگام نیاز، آدمیان، حیوانات و گیاهان از آن بهره برند.

اصل ذخیره سازی آب، به ویژه در منابع طبیعی زیرزمینی از نکاتی است که در قرآن و روایات به آن اشاره و از فواید و منافع آن یاد شده است.

آبهای ذخیره شده زمانی سودمند خواهد بود که استخراج آن ممکن باشد. آب ها از طریق نهرها، چشمه ها، قناتها و چاه ها در اختیار بشر قرار می گیرد.

در فقه اسلامی و در آیات و روایات در این باره مسائل مختلفی مطرح و در متن درس به برخی از آنها اشاره شده است.

سؤال ها

- ۱- چه رابطه ای میان چشمه ها و کوهها وجود دارد؟
- ۲- ایرانیان چه سهمی در پیدایش قنات داشته اند؟
- ۳- آیات قرآن چه نظری درباره انبارش نزولات آسمانی دارد؟

درس ششم

آلوده کردن آبها و اسراف در مصرف

آلوده کردن آب

همان طور که پیش از این آوردیم آب نعمت، رحمت و برکت خداوند است که از سر لطف در اختیار آدمی نهاده و سنگ بنای حیات و رمز و راز زندگی است.

خداوند متعال آب را پاکیزه و پاک کننده آفریده و آن را در تسخیر آدمیان قرار داده تا از آن بهره برند. بر پایه آیات و روایات و فتاوی فقهای بزرگ اسلام آب ملک شخص خاصی نیست و از آن همه مردم است.

از این رو آلوده کردن آن در واقع تجاوز به اموال عمومی و زیان رسانی به دیگران و مصداق ظلم است که به یقین گناهی بزرگ و حرام بین است.

افزون بر این، روایات متعددی در این باره از معصومان - علیهم السلام - رسیده است که برخی را مرور می کنیم.

محمد بن مسلم از امام صادق - علیه السلام - نقل کرده است که «ایشان از بول کردن در آب پاکیزه نهی فرمود.»

در روایات دیگری چنین نقل شده است:

«از سه کار لعنت آور بپرهیزید، یکی قضای حاجت در راه های منتهی به آب و ...»

بر طبق روایتی علی علیه السلام - از ادرار کردن در آب جاری نهی فرمود.

نیز در گروهی از روایات از قضای حاجت در کنار چاه ها و رودها و زیر درختان میوه دار و نظیر این ها نهی شده است و در برخی دیگر به طور صریح و غیرصریح از آلوده کردن آبها و آزار حیوانات نهی شده است.

اما آلوده کردن اقیانوس ها و رودخانه های بزرگ علاوه بر آن که مصداق اسراف در آب تلقی میشود، مشمول حکم دیگری است که در قرآن کریم از آن به «فساد در زمین» تعبیر شده است:

«ظهر الفساد فی البرّ و البحر بما کسبت ایدی الناس لیذیقهم بعض الذی عملوا»

«فساد در خشکی و دریا به سبب اعمال مردم پدید آمد تا کیفر برخی از اعمالشان را به آنان بچشانیم.»

بی شک آلوده کردن آبها و در نتیجه کشتن انواع موجودات زنده و نیز نابود کردن بستر زیست بسیاری از آبزیان و محروم کردن آدمیان از این نعمتها مصادیق روشن پدید آوردن فساد در خشکی و دریا است.

فساد در زمین حرام و از بزرگترین گناهان در فقه اسلامی است که کیفری سخت برای آن قرار داده شده است.

بر طبق برخی روایات که گذشت، امام - علیه السلام - مؤمنان را از بول کردن در آبها نهی فرموده و دلیل این نهی را وجود موجودات زنده در آب دانسته است.

اسراف در مصرف آب

اسراف در مصرف آب به منظور آبیاری، شرب، مصارف بهداشتی و عبادی (وضو و غسل) حرام است و از گناهان به شمار می آید.

این حکم به عنوان یک حکم عمومی، آنها را نیز که یکی از نعمتهای بزرگ الهی است، در بر می گیرد. اما افزون بر آن، روایات روشنی در این باره رسیده است که به گروهی از آنها اشاره می شود:

۱- اسراف در آب نوشیدنی

درباره نوشیدن آب از امام صادق - علیه السلام روایت شده است: «کم ترین اسراف دور ریختن آب اضافی ظرف آب است.» - که معمولاً دور ریخته می شود-

در روایت دیگری از امام صادق - علیه السلام - چنین نقل شده:

«خداوند اسراف را دوست نمی دارد حتی در دور ریختن زیادی آبی که می نوشی.»

در بعضی روایات آمده است: بدین سان به هنگام نوشیدن آب می باید از هر گونه اسراف پرهیز کرد.

۲- اسراف در آب وضو

حرمت اسراف آب به نوشیدن اختصاص ندارد، بلکه در عباداتی از قبیل وضو غسل نیز باید از اسراف اجتناب کرد.

در روایتی، چنین می خوانیم:

«پیامبر اکرم - صلی الله علیه وآله وسلم - از کنار "سعد" می گذشت و او در حال وضو گرفتن بود، فرمود: ای سعد! اسراف مکن. سعد پرسید: ای رسول خدا! آیا در وضو گرفتن هم اسراف است؟ فرمود: آری، گرچه در کنار نهری باشی.» - با آب نهری وضو بگیری-

از امام صادق - علیه السلام - چنین نقل شده است:

خداوند فرشته ای دارد که اسراف در وضو را همانند دیگر گناهان می نویسد.»

در روایات تأکید شده است که در وضو گرفتن مرطوب ساختن و خیس کردن دست کافی است [و نباید آنها را هدر داد و اسراف کرد].

فقیه نامور اسلام شیخ محمدحسن نجفی پس از نقل این روایات، می نویسد:

«معنای این روایات آن است که برای وضو گرفتن به آب فراوان نیازی نیست و سزاوار نیست در آب وضو اسراف شود.»

بسیاری از فقیهان دیگر به نهی از اسراف در آب وضو اشاره کرده اند و آن را حرام یا مکروه دانسته اند. درباره استنجا نیز روایتی وارد شده است که با آب کم می توان استنجا کرد [و نباید آب ها را هدر داد].

۳- اسراف در آب غسل

در غسل نیز همانند وضو باید از اسراف در آب اجتناب ورزید. در روایتی از پیامبر خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - چنین نقل شده است:

«آب وضو یک مدّ و آب غسل یک صاع است. در آینده گروه هایی از امت من خواهند آمد که این مقدار از آب را [برای وضو و غسل] اندک می شمارند. آنان برخلاف سنت من عمل می کنند و هر کس بر سنت من پایدار بماند در "حظیره قدس" (بهشت) با من خواهد بود.»

روایات متعددی حکایت از آن دارد که غسل پیامبر خدا با یک صاع از آب بوده است و وضوی آن حضرت با یک مد. بی گمان ایشان غسل و وضو را با همه مستحبات آن و به صورت کامل انجام می داده و در عین حال، این مقدار از آب را کافی می دانسته است. از این رو گروهی از فقها فتوا داده اند که مستحب است مقدار آب مصرفی انسان در غسل از یک صاع فراتر نرود. علامه حلی (م ۷۲۶ ق) - از فقیهان بزرگ شیعه - نوشته است:

«مستحب است مواضع پست بدن از قبیل گوش ها و زیر انگشتر و محل رویدن موها را پیش از غسل اندکی مرطوب سازد تا در نتیجه، غسل آن ها با آب کمتری انجام شود و انسان به اسراف آب نزدیک نشود.» (۳)

به راستی که تماشای آب زلال و گوارا جان انسان را جلا می بخشد و از آب بهره بردن و خود را با آن تمیز کردن بر صفا و زلالی روح می افزاید؛ از این رو آلوده ساختن آبی که نعمت، رحمت و برکت الهی است در شمار مصادیق روشن کفران نعمت و مبارزه با حیات، زیبایی، پاکی و زلالی، شادابی، سرسبزی و خرمی است.

وقتی بر مصرف آب برای وضو گرفتن آن هم در کنار نهر جاری و نیز بر دور ریختن باقی مانده آب لیوان اسراف صدق کند به طور روشن تری در باز گذاشتن شیر آب، مراعات نکردن اندازه باز کردن شیر آب و در انواع شست و شوها و انواع استفاده های ناصحیحی که متأسفانه در زمان ما در میان خانواده ها رایج و معمول است، اسراف صدق می کند.

البته در روزگار ما که تصفیه و انتقال آب از نقاط دوردست به واسطه خطوط لوله نیاز به هزینه های سنگین دارد و این خطوط در زمره اموال عمومی به شمار می آید، اسراف در مصرف آب تجاوز به بیت المال و حقوق دیگران نیز محسوب می شود؛ از این رو چون موجب زیان رسانی به جامعه و بیت المال است، حرام می باشد.

فتوای امام خمینی در این باره چنین است:

«زیاده روی در مصرف آب حرام است و موجب ضمان می گردد.»

چکیده

آلوده کردن آبها در زمره گناهان بزرگ است؛ زیرا از سویی کفران نعمت الهی، وارد ساختن ضرر به دیگران، تجاوز به اموال عمومی و از مصادیق ظلم است و از سوی دیگر، هرگاه این آلودگی ها به میزان گسترده در دریاها، اقیانوس ها و رودخانه ها انجام شود از مصادیق فساد در زمین خواهد بود و در فقه اسلامی برای مفسدان شدید ترین کیفرها در نظر گرفته شده است.

در روایات متعددی به صراحت از آلوده کردن آبها و حواشی نهر ها و رودخانه ها نهی شده است. اسراف از گناهان بزرگ است و به طور کلی در همه جا در همه منابع طبیعی حرام است.

این حکم در خصوص آبها از شدت بیشتری برخوردار است؛ زیرا بر طبق برخی روایات از هر گونه اسراف در آب حتی در نوشیدن و وضو گرفتن و غسل کردن نهی شده است.

سؤال ها

- ۱- چرا آلوده کردن آبها حرام است و از گناهان به شمار می آید؟
- ۲- آیا اسراف در آب وضو و غسل شرعاً جایز است؟
- ۳- آلوده کردن آب اقیانوس ها، دریاها، و رودخانه ها چه حکمی دارد؟

درس هفتم :

فواید گیاهان

درختان، گیاهان، جنگلها، مرتع ها، بوته ها، گل ها و میوه ها سودمندی های فراوانی دارند و نقش عظیمی در زندگی بشر ایفا می کنند. آنها هوا را لطیف، آبهای زیرزمینی را ذخیره و دمای محیط را متعادل می سازند. بر میزان بارندگی می افزایند و تنها منبع تغذیه دام و طیور به شمار می آیند.

بخش بزرگی از مواد غذایی مورد نیاز انسان از گیاهان به دست می آید. گیاهان در حفاظت از خاک - این نعمت عظیم الهی - بسیار مؤثرند و بستری مناسب و درخور برای حفظ حیات وحش محسوب میشوند و زمینه گسترش سیل های خانمان برانداز و ویرانگر را از بین می برند.

در قرآن و سخنان معصومان - علیهم السلام - از فایده های گوناگون و پرشمار گیاهان با تعبیرهای بسیار دقیق و گاه شگفت انگیزی یاد شده است.

در این درس به طور مختصر فواید گیاهان را در قرآن و روایات فراروی شما خوانندگان ارجمند می نهیم.

سودمندی گیاهان در قرآن و روایات

بعثت پیامبر اسلام - صلی الله علیه و اله و سلم - رستاخیز عظیمی در صحنه های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جامعه جاهلی پدید آورد. در آن روزگار شگفت که کوتاه فکری و نادانی گستره جامعه را فراگرفته بود، مردمان درختان را شرافترین و پلید می دانستند و از آنها هراس داشتند؛ از این روی برای ایمن شدن از شر درختان بعضی از آنها را می پرستیدند؛ گو این که توان تحلیل برخی ویژگیهای درختان را نداشتند.

به عنوان نمونه، آتش گرفتن چوب ها و فراز آمدن شعله های فروزان از آن، خانه گزیدن مارها و افعی های خطرناک میان برخی از درختان و بوته ها پدیده هایی بود که دستمایه های فکری ناچیز مردمان آن روزگار، آنها را برنمی تافت و در فضای جهل آمیز اندیشه هایشان قابل تحلیل نبود. در اندیشه آنان به همان سان که درختان شرور می نمود، خیر و برکت نیز از آن برمی خاست.

در واقع درختان دو بعد داشتند: گاه منشأ شر و نکبت بودند و گاه کانون خیر و برکت و در هر دو صورت، مقدس و سزاوار پرستش.

قرآن کریم در چنین فضایی، گیاهان را ارجمند دانست و سودمندی های گوناگون آنها را برشمرد. در یک نگاه کلی از دیدگاه قرآن و سخنان معصومان، فواید گیاهان را می توان به دو دسته مادی و معنوی تقسیم کرد.

الف) فواید مادی:

گیاهان نعمت، روزی و برکت

همان طور که آوردیم، قرآن گیاهان را دارای سودمندیهای بسیار می داند و از آنها تحت عنوان «نعمت»، «رزق» و «برکت» یاد می کند. خداوند متعال در قرآن می فرماید:

«... و زمین را برای آدمیان بنهاد، در آن میوه {ها} و درختان خرما، غلاف دار و دانه های پوست دار و گیاهان خوشبوست. پس کدام یک از نعمت های پروردگارتان را دروغ می انگارید؟»

در این آیه خداوند گیاهان، مرتع ها، درختان خرما، دانه ها و گل های خوشبو را از نعمت های خود بر می شمارد و به آدمیان هشدار می دهد که مبدا آنها را دست کم انگارند و بدان بی توجه باشند. در آیات دیگری می فرماید:

«خداست که آسمان ها و زمین را آفرید و از آسمان آبی فرو فرستاد. پس به آن آب از میوه ها برای شما روزی بیرون آورد... و اگر بخواهید نعمت خدا را بشمرید آن را شمار نتوانید کرد. هر آینه آدمی بسی ستمگر و ناسپاس است.»

«و از میوه های درختان خرما و تاک ها که از آنها شراب مست کننده و روزی نیکو بر می گیرید. همانا در آن نشانه ای است برای گروهی که خرد را به کار برند.»

«از آسمان آبی بابرکت فرود آوردیم. پس بدان بوستان ها و دانه های درو کردنی مانند گندم و جو و ارزن رویندیدم و نیز درختان خرما، بلند را که میوه های برهم نشانده دارند تا روزی بندگان باشد.»

قوام زندگی بشر به تغذیه است و تغذیه سالم از گیاهان فراهم می آید. خداوند متعال در این آیات آدمیان را به این نکته توجه میدهد. قرآن کریم در این باره تعبیری رسا و لطیف دارد و از گیاهان با عنوان «رزق» یاد می کند. رزق آن است که بقا و حیات بشر در گرو آن باشد، و گیاهان دارای چنین ویژگی ای هستند.

از این رو به لحاظ شرعی و اخلاقی شکر روزی دهنده و حفاظت از «رزق» و دوری از اسراف و تبذیر نیز لازم است.

گیاهان متاع زندگی آدمیان و چهارپایان

قرآن کریم تعبیری ویژه، دقیق و جامع درباره گیاهان و درختان دارد و آن، کلمه «متاع» است. خداوند متعال می فرماید: «ومتاعاً لکم ولانعامکم؛» یعنی گیاهان، درختان جنگل ها و مرتع ها، متاع زندگی بشرند. متاع؛ یعنی ابزار بهره وری، و به هر چیزی که انسان برای بهبود و بقای حیات خود از آن بهره برد، اطلاق می شود.

شیخ طوسی در تفسیر تبیان، متاع را به خوردنی، دیدنی، بوییدنی، چشیدنی و لمس کردنی و ... که لذت آور باشد تفسیر کرده است.

گیاهان افزون بر رفع نیازهای مادی بشر، لذیذترین میوه ها را به ثمر می نشینند. چشم انداز زیبای شاخ و برگ شان روح انسان را نوازش داده و بدان آرامش می بخشد، و به دلیل لطافت و طراوتی که دارند همجواری با آنها، لذت آور است و شادی آفرین و همه این نکته ها در این تعبیر رسا و زیبا می گنجد.

افزون بر این از دیدگاه این آیه شریفه، گیاهان و درختان، متاع زندگی حیوانات نیز هستند و حیات حیوانات بدان ها بستگی دارد.

حضرت امام صادق - علیه السلام - در این باره تعبیر لطیفی دارد. آن حضرت به یکی از شاگردان خود فرمود:

«ای مفضل! درباره گیاهان و منافع گوناگون و متعدد آنها بیندیش و بنگر که خداوند چگونه میوه ها را برای تغذیه انسان آفریده و کاه را برای علف حیوانات و هیزم را برای برافروختن آتش و چوب را برای انواع تجارت ها (صنایع)

و پوست، برگ و ساقه و ریشه درختان را برای انواع منفعت‌ها. اگر این میوه‌ها که کام ما را شیرین می‌کنند و از مزه‌های متنوع آنها لذت می‌بریم، بدون هیچ درختی روی زمین چیده می‌شد، خلل و زیان‌های بسیاری به زندگی ما می‌رسید؛ زیرا منافع چوب، هیزم، برگ و غیره آنها از دست می‌رفت و این منافع بسیار زیاد است و شأنی درخور و جایگاهی بلند در زندگی ما دارد.»

بدین سان آیات و روایات با تعبیری زیبا و دل‌انگیز اهمیت ویژه و جایگاه ارجمند گیاهان را به آدمیان می‌نمایند و به گونه‌ای مستقیم و غیر مستقیم انسان‌ها را به حفاظت از آنها و توسعه و بالندگی پرورش گل‌ها و گیاهان و دوری از اسراف و کفران این نعمت بزرگ الهی فرا می‌خواند.

گیاهان، عامل حیات زمین

زمین خشک و تهی از گیاه، مرده است و افسرده که بر گستره آن نه حرکتی و نه نشاطی. چون سبزه‌ها و بوته‌ها از زمین سر بر آورند و شاخه‌ها از ساقه‌ها به فراز آیند و به برگ و بار بنشینند، در زمین دگرگونی عظیمی پدید آمده، روح حیات بدان باز می‌گردد و از نشاط و بهجت و خیر و برکت سرشار می‌شود.

قرآن با تعبیرهایی دل‌انگیز و بی‌مانند سبزه‌ها و گیاهان را بر گستره زمین جلوه حیات می‌داند و زمین سوخته و بی‌گیاه را مرده و بی‌جان، و بدین سان جایگاه والای گیاهان را در زندگی آدمیان یادآور شده و آنان را به اندیشه فرا می‌خواند؛ بنگرید:

«والله انزل من السماء ماءً فأحيا به الأرض بعد موتها إن في ذلك لآية القوم يسمعون»

«خداست که از آسمان آبی فرو فرستاد، پس با آن زمین را پس از مردگی اش زنده کرد. همانا در آن نشانه‌ای است برای مردمی که بشنوند.»

«من آیاتہ یریکم البرق خوفاً و طمعاً وینزل من السماء ماءً فیحی به الأرض بعد موتها إن فی ذلك لآیات لقوم یعقلون»

«از نشانه‌های او آن است که برق را برای بیم و امید به شما می‌نماید، و از آسمان آبی فرو می‌فرستد تا زمین را پس از مردگی اش زنده کند؛ همانا در آن برای مردمی که خرد را کار بندند نشانه‌هاست.»

نظر مفسران قرآن درباره حیات زمین

دست کم یازده آیه از آیات قرآن، گیاهان زمین را «احیاء» می‌کنند. با توجه به این که زمین موجودی است بی‌جان، این پرسش به ذهن می‌آید که احیاء زمین به چه معنا است؟

مفسران در تفسیر «احیاء» اختلاف نظر دارند. بسیاری از آنان «احیاء» را رویانیدن گیاهان و سبز و خرم شدن زمین می‌دانند. از نگاه آنان مرگ زمین به معنی خشکیده بودن و تهی بودن آن از گیاه است و مقصود از زنده شدن زمین رویش گیاهان و سبزه‌ها بر گستره آن است.

گو این که آن دسته از مفسران که گفته‌اند مقصود از احیای زمین، زنده شدن آن با رویش گیاهان است؛ همین نظر را پذیرفته‌اند.

برخی از مفسران بر این باورند که مقصود از احیاء دمیدن روح حیات در خود زمین است، نه زنده شدن به گیاهان و رویش آنها. زمین بی آب و گیاه، در حقیقت مرده است و کالبدی بی جان دارد، و آب اکسیر حیات است و سبزه ها جلوه آن، از این روی چون باران بر آن فرو بارد زمین زنده می شود، در آن جنبشی پدید می آید و گیاهان، ثمره و نشانه این حیاتند.

نظر سوم در این باره آن است که مقصود از «احیای زمین» احیای اهل زمین است؛ چه زمین بی گیاه نمی تواند بستر حیات آدمیان باشد و برآورنده نیاز آنان.

در برخی از آیات به جای واژه «زمین» احیا به «بلده» نسبت داده شده، گو آن که طرفداران این نظریه «بلده» را کنایه از اهل و ساکنان آن دانسته اند.

فخر رازی در توضیح آیه ۱۶۴ سوره بقره می نویسد:

«احیای زمین در این آیه، احیای آن از جهت های گوناگون است:

۱- رویدن گیاهانی که مرتع ها را سامان می دهند؛ یعنی گیاهانی که زیست جنبندگان به آنها بستگی دارد؛

۲- رویش گیاهانی که روزی آدمیان را فراهم می آورند؛

۳- خداوند این گیاهان را به اندازه نیاز می رویاند؛ زیرا او ضامن فراهم آوردن رزق حیوانات است «و ما من دابة فی الارض الا علی الله رزقها»؛

۴- در این گیاهان انواع رنگ ها، مزه ها، بوها، عطرها و مواد اولیه پوشیدنی ها یافت می شود. و این نیز نوعی احیا به شمار می آید؛

۵- رویدن این گیاهان در زمین به آن دل انگیزی، خرمی، رونق و نشاط می بخشد و این نیز "حیات" است.»(۳)

(ب) فواید معنوی:

قرآن از سویی سبزه زاران، گیاهان، جنگل ها و بوستان ها را دارای آثار بسیار سودمندی بر روان آدمی میداند و از سویی آنها را آیت هستی و علم و قدرت خدا و از طرفی گواه روشنی بر درستی معاد معرفی می کند.

تأثیر گیاهان بر روح و روان انسان

تماشای گلبرگ های لطیف و خوش رنگ، غنچه های زیبا و بانشاط، شکوفه های دل ربا و جذاب، گل های رنگارنگ و باطراوت، میوه های متنوع و دل انگیز، ترکیب موزون برگها، شاخه ها و دیگر اجزای درخت و چشم انداز بهجت آور بوستان ها و جنگل ها، انسان را غرق در لذت و شادی می کند؛ آرامشی عمیق بدو می بخشد؛ فطرتش را بیدار و جانش را زنده و شاداب می سازد؛ افسردگی ها و غمها را می زداید و در وی تازگی و سرور می آفریند. خداوند متعال در این باره می فرماید:

«... و تری الارض هامده فاذا انزلنا علیها الماء اهتزت و ربّت و انبتت من کل زوج بهیج»

«زمین را مرده و افسرده بینی و چون آب [باران] بر آن فرو باریم بجنبد و بردمد و انواع گیاهان زیبا و شادی آفرین را برویاند.»

کلمه «بهیج» از ماده «بهج و بهجة» است که به معنای شادی، خوشحالی و سروری است که از نیکویی و زیبایی چیزی برخیزد.

بر پایه نظر شیخ طوسی در تفسیر تبیان و طبرسی در مجمع البیان، بهجت به اشیای زیبا و نیکویی گفته میشود که دیدن آنها لذت آور و شادی آفرین باشد؛ مانند شکوفه های رنگارنگ، درختان خرم و باغ های سرسبز. برخ گفته اند «بهیج» چیزی است که هر کس آن را ببیند حالت وجد و سرور به وی دست دهد؛ یعنی به معنی «مبهوج به» است.

از این آیه شریف استفاده میشود که در پرتو فرود آمدن باران زمین جنبشی سرور آمیز را آغاز می کند و در پی آن، انواع گوناگون و پر شماری از گیاهان در آن می روید و سر سبزی و خرمی آن چشم هر بیننده را می نوازد و قلبش را سرشار از شادی و بهجت میکند.

زیرا بر طبق ظاهر این آیه و آیات مشابه، زمین بی گیاه، مرده، افسرده و خمود است و چون باران بر آن فرود آید حرکت و جنبشی در آن آغاز می شود و به تعبیر قرآن، به «اهتزاز» در می آید. «اهتزاز» در زبان عربی به معنی حرکت و جنبش است و غالب مفسران در این آیه، آن را به همین معنی دانسته اند. اما برخی مفسران کتاب خدا سخنی ظریف در این باره گفته اند. آنان بر این نظرند که اهتزاز به هر حرکت و خیزشی گفته نمی شود، بلکه به معنی جنبش و تحرکی است که نشاط آمیز باشد. خداوند متعال می فرماید:

«از نشانه های قدرت خدا آن است که زمین را پژمرده و فرسوده می بینی، پس چون آب بر آن فرستیم بجنبند و به نشاط آید ...»

نگاهی به روایات

در سخنان معصومان - علیهم السلام - نیز تأثیر بسیار مثبت گیاهان و درختان بر روان آدمی با تعبیرهای مختلفی بیان شده است.

بر طبق روایتی از امام موسی بن جعفر - علیه السلام - نگاه به گیاهان خرم و سرسبز چشم را جلا می دهد و بر روشنایی آن می افزاید ... پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - نگاه به گیاهان سبز و خرم و آب را بسیار دوست می داشت. نیز از نگاه به سیب سرخ و ترنج سرسبز و خرم شگفت زده می شد. - به دلیل زیبایی آن ها -

بر پایه روایات فراوانی، نگاه به مناظر سرسبز و خرم تقویت نور چشم را در پی دارد. به نظر می رسد که مقصود آن است که بر بصیرت آدمی می افزاید و چشم دل آدمی را روشن می سازد؛ چنان که از این روایت همین معنا برداشت میشود:

«نگاه به سبزی و نشستن رو به روی کعبه (نگریستن به آن) بر قوت دیده می افزاید.»

بدیهی است که نگاه به خانه خدا و چشم انداز باشکوه طواف مؤمنان برگرد و مکان مقدس، دل را جلا می بخشد؛ همان گونه که نگاه به گیاهان سرسبز نیز همین ردیف قرار دارد.

بر پایه روایت دیگری، نگاه به منظره جذاب و دلربای درختان، برخی از بیماری ها را از بین می برد. اگر این که مقصود بیماریهای روحی و روانی است که بر اثر تماشای مناظر سرسبز و خرم درمان می شوند.

مجموعه این روایات نشان میدهد که تماشای سبزی، خرمی و طراوت درختان و گیاهان لذت بخش است و شادی آفرین، به گونه ای که گاه شگفتی و حیرت انسان را بر می انگیزد و با دیگر لذت ها و خوشی ها رقابتی پیروز مندانه میکند. در روایتی از امام باقر - علیه السلام - چنین گزارش کرده اند:

«گلاب غم انسان افسرده را از بین می برد و به قلب قوت بخشیده، آن را روشن میکند و بوی پیامبران از آن بر می خیزد.»

در برخی روایات آمده است که سبزی را زینت و آرایه سفر خود قرار دهید، و یا سفره های خود را با سبزی ها زینت کنید که شیطان را می راند.

از آنچه گذشت نتیجه می گیریم که غنچه ها، شکوفه ها، درختان، جنگلها و مراتع از زیبایی های طبیعت محسوب می شوند و تأمل در این زیبایی ها در روح انسان سه اثر بسیار بزرگ دارد:

- ۱- اندوه را می زداید. به انسان آرامش می بخشد و وی را شاد و خوشحال میکند؛
- ۲- تماشای جمال دل آرای طبیعت و زیبایی های شگفت آور آن می تواند انسان را به نظاره زیبایی های غیر محسوس رهنمون شود،
- ۳- خداوند روح انسان را به گونه ای آفرید که بدون ارتباط با زیبایی ها به خمودی می گراید و راکد و خنثی میشود.

گیاهان آیت هستی، جمال، قدرت و حکمت خدا

درختان، گیاهان و سبزه زاران نیز همانند آبها، آیت هستی و نشانگر قدرت، حکمت و جمال فریبای اویند. اگر آدمیان از سر بصیرت به آنها بنگرند و با فطرتی پاکیزه و ذهنی سالم در آنها بیندیشند زمینه اعتقاد به خداوند در آنان فراهم می آید و تقویت می شود؛ از این رو خداوند آدمیان را به تفکر در باره گیاهان و چگونگی فراز آمدن آنها از دل خاک و فرا خوانده است.

رویش گیاهان و رستاخیز مردگان

از روزگاران قدیم منکران برپایی قیامت می پرسیدند: چگونه پس از مرگ این استخوان های پوسیده و این جسد از هم پاشیده زنده می شود و سر از خاک برمی دارد؟

از خداوند متعال در قرآن رویش گیاهان را گواه حقانیت باور رستاخیز میدانند؛ چه زمین بی گیاه به جسم بی جانی می ماند که مرده است و افسرده، نه نشانی از حیات در آن به چشم می خورد و نه اثری از تحرک و نشاط. اما آن گاه که از آسمان باران بر آن فرو بارد، از این خاک بی جان، گیاهانی زنده، پویا و نشاط آفرین می روید و بهجت و دل انگیزی به ارمغان می آورد.

خداوندی که می تواند زمین مرده را این گونه زنده و شاداب سازد، قادر است در کالبد مردگان نیز روح حیات بدمد و آنان را به صحنه قیامت کشاند.

برخی بر این باورند که از ویژگی های قرآن آن است که در مواردی از این دست هم عقل و هم دل را مخاطب خود می سازد و با آهنگی هماهنگ در هر دو اثر میگذارد؛ به عنوان مثال، سخن خداوند در یکی از آیات به گونه ای است که از سویی دلها را به هیجان می آورد و عاطفه آدمی را ارضا میکند و از طرفی عقل را قانع می سازد.

اما خداوند متعال فرموده است:

«وَيُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَيُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ وَمَوْتِهَا وَكَذَلِكَ تَخْرُجُونَ»

«زنده را از مرده بیرون می آورد و مرده را از زنده، و زمین را بعد از مرگش زنده می سازد؛ و بدین گونه از {گورها} بیرون آورده می شوید.»

چکیده

گیاهان سودمندیهها و منافع بسیاری دارند. در یک نگاه کلی در تعالیم اسلامی فواید گیاهان دو نوع است؛ فواید مادی و معنوی. به لحاظ مادی، قرآن گیاهان را نعمت، روزی و برکت و خلاصه متاع زندگی بشر و سبب احیای زمین و غذای حیوانات می داند، و به لحاظ معنوی آن را از اسباب غم زدایی، نشاط آفرینی و شادابی معرفی می کند.

نیز قرآن چگونگی رویش گیاهان را آیت هستی خدا و گواه صدق معاد دانسته است.

سؤال ها

۱- دو فایده از فواید مادی گیاهان را بنویسید. .

۲- «متاع» به چه معنایی است و چرا در قرآن گیاهان «متاع» زندگی بشر دانسته شده اند.

۳- یکی از فواید معنوی گیاهان را توضیح دهید.

درس هشتم

درخت کاری

انسان و درخت

چنان که گذشت، بر طبق آیات قرآن و سخنان معصومان - علیهم السلام - گیاهان برای آدمیان سودمندی های فراوانی دارند. از سوئی غذایی انسان را به طور مستقیم و غیرمستقیم فراهم می آورند. از طرفی با سرسبز و خرم کردن زمین، آدمیان را به نشاط آورده و اندوه از دل می زدایند، و در صنایع و دیگر نیازهای زندگی نیز به کار می آیند. به تعبیر لطیف و جامع قرآن «متاع زندگی» دنیایند.

اینها و جز اینها سبب شده است که در اسلام درخت کاری و باغداری فضیلت بسیار داشته باشد؛ زیرا درخت برای انسان آفریده شده و ابزار برآوردن نیازهای مادی و بخشی از نیازهای روانی اوست.

از این رو او باید درخت بکارد و درخت کاشته شده را هم پاس بدارد. در حدیثی از امام صادق - علیه السلام - چنین نقل شده است:

«خداوند درخت را برای انسان آفرید، از این رو او باید درخت بکارد، آن را آبیاری کند و در حفظ آن بکوشد»

در روایتی از پیامبر خدا - صلی الله علیه و آله - چنین آمده است:

«اگر عمر جهان پایان یابد و قیامت فرا رسد و یکی از شما نهالی در دست داشته باشد، اگر به قدر کاشتن آن فرصت باشد، باید فرصت را از دست ندهد و آن درخت را بکارد.»

پاداش معنوی درخت کاری

سودمندی های درختان تنها برای درخت کاران و باغبانان و باغداران نیست، بلکه دیگران نیز از سبزی، خرمی و منافع فراوان درختان بهره می برند. در واقع درخت کاران و باغبانان با تلاش ارزنده خود سفره سبزی را برای همه آدمیان و بسیاری از چهار پایان پهن می کنند و همه آنان خواسته یا ناخواسته بر سر این سفره می نشینند و از آن بهره می برند.

در فرهنگ اسلامی کسی که به دیگران خدمت کند؛ اگرچه خدمت وی بسیار ناچیز باشد، پاداش معنوی عظیمی خواهد داشت. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم - در این باره می فرماید:

«هر مسلمانی که درختی بکارد یا کشاورزی کند، در برابر هر مقدار از آن که انسان، پرنده و یا حیوانی بخورد، خداوند پاداشی مثل پاداش صدقه به وی خواهد داد.»

نیز آن حضرت در روایت دیگری فرموده است:

«هر کس درختی بکارد و از آن محافظت کند تا ثمر دهد خداوند به اندازه ثمر آن به وی پاداش خواهد داد.»

بر پایه روایت دیگری پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - فرمود:

«... کسی که بدون ظلم و تعدی به دیگری درختی بکارد تا زمانی که یکی از مخلوقات خدا از آن بهره برد، خداوند به وی پاداش خواهد داد.»

برخی از این روایات درختان بی میوه و جنگلی را نیز شامل میشود و اصولاً هرگونه بهره وری از درختان در این روایات می گنجد. به عنوان مثال پاداشی که خداوند بر پایه روایت اخیر به درخت کار میدهد در برابر هرگونه استفاده ای است که مخلوق خدا از آن برد؛ چه از میوه آن باشد، چه از سایه آن و چه از منظره چشم نواز یا هوای لطیف و سالمی که از آن به وجود می آید و یا از شاخ و برگ آن.

ارزش اقتصادی درختکاری و باغداری

با این حال نمی توان از منافع اقتصادی درخت کاری و باغداری چشم پوشید و بدون توجه به آن، مردم را به این شغل واداشت و تشویق کرد. در روایاتی به این نکته اشاره شده است که باغداری و کشاورزی اگر درست انجام شود می تواند منافع اقتصادی مانا و قابل اعتمادی داشته باشد.

امام صادق - علیه السلام - میفرماید:

«درخت بکارید و کشاورزی کنید که هیچ عملی از آن حلال تر و پاکیزه تر نیست! سوگند به خدا که هنگام ظهور حضرت ولی عصر - ارواحنا فداه - درخت کاری و کشاورزی بسیار توسعه می یابد.»

در حدیث دیگری امام صادق - علیه السلام - فرمود:

«از پیامبر خدا - صلی الله علیه و آله - سؤال شد بهترین ثروت چیست؟ پیامبر در پاسخ فرمود: بهترین ثروت کشاورزی است، اگر به طور صحیح و اصلاح شده انجام گیرد و زکات آن داده شود.» حضرت در مرحله بعد به دامداری اشاره فرمود و آن را پس از کشاورزی بهترین کار دانست و در مرتبه سوم فرمود: «درختان استوار و بلند خرما که در گل می رویند و درختانی که در بیابان های خشک و تفتیده میوه می دهند، بهترین ثروتند» و در پایان دوباره به درخت خرما اشاره کرد و از فروختن آن به شدت نهی کرد.

بر طبق روایت دیگری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله - فرمود:

«بهترین مال دسته های طولانی، شکیل و منظم خرما و درختان و میوه دار است.»

از این سخن پیامبر خدا - صلی الله علیه و آله - چنین به دست می آید که درختکاری از شغل های بسیار ارزنده و سودمند است و درخت نخل به عنوان نمونه مطرح شده است. تأمل در تعبیرهای به کار رفته در این حدیث شریف گواه این مطلب است.

سیره پیامبران و معصومان - علیهم السلام -

همان طور که در درسهای گذشته خواندیم همه پیامبران به جز ادریس - علیه السلام - کشاورز بوده اند. از امام صادق - علیه السلام - در این باره چنین نقل شده است:

«خداوند برای پیامبران کشاورزی و درختکاری را برگزید تا از بارش باران ناخشنود نباشند.» بر طبق روایتی دیگر همه پیامبران و جانشینان آنان و انسانهای شایسته درختکاری یا کشاورزی می کرده اند.

راوی می گوید:

«امام کاظم علیه السلام را دیدم که در زمینی کشاورزی یا درختکاری می کرد و عرق از دو پای مبارک آن حضرت سرازیر بود گفتم: فدایتان شوم غلامان کجایند؟ [چرا شما با این سختی کار می کنید و آن را به دیگران وا نمی گذارید؟] در پاسخ فرمود: آنان که از من و پدرم بهتر بودند در زمین کار می کردند. گفتم: آنان کیستند؟ فرمود: پیامبر خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - ، امیرمؤمنان علی - علیه السلام - و همه پدرانم با داستان خود در زمین کار می کردند و این عمل پیامبران، رسولان، جانشینان آنان و بندگان شایسته خداست.»

بر طبق برخی روایات، پیامبر خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - و امیرمؤمنان - علیه السلام - باهم درخت می کاشتند. امام صادق - علیه السلام - در این باره فرمود:

«امیرمؤمنان، علی - علیه السلام - با بیل زمین را آماده می ساخت و پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - هسته خرما را مرطوب میکرد و می کاشت ...»

ابو عمر شیبانی می گوید: امام صادق - علیه السلام - را دیدم که بیل در دست داشت و لباس خشنی بر تن و در باغش کار می کرد و عرق از پشت وی جاری بود عرض کردم فدایت شوم بیل را به من ده و بگذار این کار را انجام دهم اما آن جناب امتناع ورزید. آن حضرت به ابو بصیر فرمود:

«من میان زمین و باغ خود به گونه ای کار میکنم که عرق از [سر و رویم] می ریزد.» در این باره، تاریخ اسلام نکته های ارزنده و اعمال هدایتگری را برای ما به یادگار گذاشته است که به برخی از آنها اشاره شد.

درخت کاری، عمل صالح

به هنگام قرائت قرآن بارها با کلمه «عمل صالح» رو به رو شده ایم که معمولاً با واژه «ایمان» همراه است. بررسی مفهوم عمل صالح تناسبی با این درس ندارد. اما با قاطعیت درختکاری و باغبانی را می توان در زمره «عمل صالح» قرار داد و آن را از مصداق های روایات و آیاتی که بر آن تأکید کرده اند، دانست. در برخی روایات نیز به همین مطلب اشاره شده است.

بر پایه روایتی امام صادق - علیه السلام - فرمود:

«مؤمن پس از مرگ از شش خصلت سود می برد؛ فرزند صالحی که برایش آموزش بطلبد، قرآنی که خوانده، چاه آبی که حفر کرده و درختی که کاشته است ...»

نگاه قدسی قرآن به گیاهان

بی گمان اگر درخت کاری و حفاظت از درختان به قصد قربت باشد، پاداش اخروی خواهد داشت. و متناسب با این دیدگاه است که درخت کاری آدابی ویژه دارد و در روایات فراوانی به این مطلب اشاره شده که این کار را با یاد خدا آغاز کن و هنگام کاشتن درخت یا پاشیدن بذر دعا بخوان.

از امام صادق - علیه السلام - در این باره چنین نقل شده است:

«هرگاه خواستی درختی بکاری یا در زمین بذر بپاشی بگو: «و مثل کلمة طيبة كشجرة طيبة أصلها ثابت و فرعها فی السماء تؤتی أكلها كل حين بإذن ربها.» «هرگاه خواستی بذر بپاشی بگو: "اللهم فقد بذرت و أنت الزارع فاجعله حبا متراكمة".»

«هرگاه خواستی درختی بکاری یا گیاه بر زمین بنشانی، بر هر نهال یا دانه ای بخوان: "سبحان الباعث الوارث"....» این روایات به درخت کاری و کشت گیاهان نوعی قداست بخشیده و زمینه را برای انجام آنها به گونه ای عبادی فراهم میکند. رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت الله خامنه ای در این باره فرموده است:

«در تعلیمات دینی ما و در سنت انبیا و اولیاء - علیهم السلام - درختکاری، آبیاری، به طور کلی آبادسازی زمین و مزرعه و مرتع و پرورش دام و طیور عبادت محسوب می شود.»

ضرورت بهسازی شیوه های درخت کاری

در برخی روایات شیوههای کشت و پیوند صحیح درختان مطرح شده است. از این روایات استفاده میشود که در روش کاشت درختان باید دقت شود و درخت کار هنگام کاشت و پیوند آن باید از شیوه های درست و مؤثر استفاده کند وگرنه درختان آفت زده و یا کم ثمر می شوند.

لازم به تذکر است که معصومان - علیهم السلام - این سخنان را در زمان و مکان خاصی فرموده اند و طبیعی است که رهنمود های آنان با توجه به آب، خاک، هوا و دیگر شرایط اقلیمی آن منطقه مؤثر بوده است؛ از این روی نمی تواند به صورت یک قانون عام تلقی شود. ولی نکته مهم این است که روایات بر اصلاح روش کشت درخت تأکید دارد و به درختکاری با اتخاذ شیوه های صحیح و مؤثر تشویق می کند. به عنوان نمونه پیامبر اسلام - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمود:

«برادرم عیسی از شهری می گذشت که درختان آن دیار کرم خورده بود. مردم نزد عیسی آمدند و از این مشکل شکوه کردند. ایشان فرمود: داروی این مرض در اختیار شماست. شما عادت دارید که به هنگام کاشت درخت فقط خاک به پای آن می ریزید و نباید چنین کنید، بلکه سزاوار است نخست آب پای ریشه های درخت بریزید، آن گاه خاک بر آن بریزید تا در درختان کرم واقع نشود. پس آنان به دستور آن حضرت عمل کردند و این مشکل برطرف شد.»

صالح بن عقبه میگوید، امام صادق - علیه السلام - به من فرمود:

«باغ شما را دیدم، آیا پس از آن درختی در آن کاشته ای؟ گفتم: من خواستم از باغ شما نهالی بگیرم [و در باغ خود بکارم]. آن جناب فرمود: آیا نمی خواهی راهی بهتر و کوتاه تر به تو نشان دهم؟ گفتم: بله! در پی آنم، فرمود: چون میوه در آستانه رسیدن قرار گرفت و خواستی باغ را آب دهی درخت بکار، در این صورت درختانت مانند درختان من خواهد شد. صالح می گوید: همان گونه که حضرت فرمود عمل کردم و درختانی مانند درختان امام - علیه السلام - روید.» زراره می گوید: امام باقر - علیه السلام - فرمود:

«مردی علی - علیه السلام - را ملاقات کرد و آن حضرت کیسه ای هسته خرما به همراه داشت. عرض کرد: ای امیرمؤمنان در این کیسه چیست؟ حضرت پاسخ داد: یک صد هزار درخت خرما ان شاء الله.»

آن مرد گفت: حضرت همه را کاشت و همه آنها به عمل آمد.

بازتاب سخنان معصومان - علیهم السلام - در جامعه اسلامی

تشویق قرآن، پیامبر و رهبران فکری مسلمانان به درخت کاری، کشاورزی، بهسازی کشت و لزوم کاوش و پژوهش در مسایلی از این دست تأثیر شگرفی بر جامعه اسلامی گذاشت و آثار ارزنده ای در پی داشت.

این سخنان شور و شوقی مؤثر میان مسلمانان برانگیخت و آنان را به پژوهش، تجربه اندوزی و بررسی راههای گسترش کشاورزی، بهسازی کاشت داشت و برداشت و اصلاح و توسعه انواع درختان واداشت تا آن جا که انقلاب کشاورزی عظیمی در

جامعه اسلامی پدید آمد و مسلمانان در پرتو سخنان پیشوایان دینی توانستند دانش ارزنده و سودمندی را در اختیار جهانیان قرار دهند.

مسلمانان در این زمینه صدها اثر ارزنده از خود به یادگار گذاشتند. نخستین دانشمندی که در این باره نوشته های مؤثری از خود به جای گذاشت، دانشی مرد بی بدیل زمان خود، جابر بن حیان، از شاگردان برجسته امام صادق - علیه السلام - بود. و جابر ده ها اثر و رساله در دانش های مختلف، از قبیل شیمی، فلسفه، منطق، زمین شناسی، آبشناسی و گیاه شناسی و ... نوشت.

ابن ندیم کتاب شناس معروف مسلمان به عنوان ۱۳۰ رساله او اشاره کرده و نوشته است: جابر افزون بر «کتاب الاشجار»، «کتاب الخواص» و ... که درباره گیاه شناسی است، ده رساله دیگر نیز درباره گیاه شناسی نوشت.

جابر در آثارش پس از آن که به نظریه های مختلف دانشمندان در هر مسأله اشاره می کند، در پایان می نویسد: نظر استادم جعفر صادق - علیه السلام - این است، و آن گاه آن نظر را شرح می دهد و یا از آن دفاع می کند.

پس از جابر دانشمندان مسلمان دهها اثر ارزنده با استفاده از آثار او درباره درخت کاری و باغداری نگاشتند و نظریه های آنها به سرعت به مرحله عمل رسید و همان طور که اشاره شد تمدن درخشانی پدید آمد که در روزگار خود بی نظیر بود.

چکیده

تا نسل انسان در این کره خاکی زندگی می کند، نیاز به گیاهان همچنان ادامه دارد؛ از این رو گیاهان برای انسان آفریده شده و همو باید درخت بکارد و درختان را پاس دارد. درختکاری به نوعی خدمت به خلق است و عمل صالح تلقی شده و اجر معنوی خاص خود را دارد و در عین حال دارای ارزش اقتصادی ویژه ای نیز هست.

نگاه قرآن به گیاهان با نگاه انسان های مادی بسی تفاوت دارد؛ قرآن به گیاهان نگاه تنگ نظرانه مادی ندارد، بلکه با نگاه قدسی بدان می نگرد؛ از این رو به گاه درختکاری تاکید می ورزد که با یاد خدا این عمل را آغاز کنید و دعا بخوانید.

در برخی روایات مسلمانان تشویق شده اند تا درباره روش کاشت درختان به کاوش بپردازند و شیوه های درست آن را فرا گیرند.

سؤال ها

۱- درباره پاداش معنوی درختکاری بنویسید.

۲- به نظر شما چرا درختکاری از مصادیق روشن عمل صالح است.

۳- جابر بن حیان چه نقشی در شکوفایی تمدن اسلامی داشت؟

۴- تفاوت اصلی نگاه اسلام با نگاه دیگران به گیاهان در چیست؟

درس نهم

جنگل ها و مرتع ها

یکی از موهبت های الهی در زمین، مرتع ها، جنگلها و گیاهانی است که به صورت خودرو در دامنه کوهها، دشتهای و صحراها سر از زمین بر می آورند و زمین را به سبزه زار هایی دل انگیز، باطراوت، بهجت آفرین و سودمند مبدل می سازند.

پوشش گیاهی زمین؛ اعم از جنگل ها و مرتع ها در حفاظت از آب و خاک دو نعمت بزرگ الهی و رمز و راز بقای حیات بشر سهمی به سزا دارند. وقتی باران های پیاپی و تند بر زمین های بی گیاه یا کم گیاه می بارد، جریان های باریک آب به هم می پیوندند و به سیلهای ویرانگر و زیان بار تبدیل میشود و با شستن و با خود بردن خاکهای حاصلخیز، فرسایش آبی خاک پدید می آید و در یک جمله باران که رحمت و نعمت الهی است به نعمت مبدل میشود.

گیاهان با برگها و شاخه های خود از برخورد مستقیم باران با خاک جلوگیری می کنند و با کند سازی جریان روان آبها، آنها را ذخیره ساخته، خاکها را حفظ کرده و مانع به راه افتادن سیلاب ها میگردند.

جنگل ها کانون تولید اکسیژن و کاهش درجه حرارت زمین و افزایش رطوبت و گرفتن بخش عظیمی از گرد و غبار خاک و نیز بستر زیست حیوانات، حشرات، پرندگان و خزندگان هستند و بخش عظیمی از غذای جانوران و حیوانات اهلی و وحشی از آنها تأمین می شود.

به طور کلی، جنگلها و مرتع ها با حفظ آب، خاک، هوا، توسعه و رشد دامداری، اثرگذاری بر تنوع زیستی گونه های گیاهی و انواع حیوانات، حشرات و خزندگان، جلوگیری از سیلاب ها و دست کم کاهش آنها، تأمین داروهای گیاهی، کاهش درجه حرارت و افزایش رطوبت، گرفتن گرد و غبار، فراهم آوردن بستری مناسب برای زیست بسیاری از موجودات زنده و سهم عظیمی در زندگی بشر بلکه حیات موجودات زنده و شادابی زمین دارند.

جنگل ها و مراتع در تعالیم اسلامی

درباره جنگلها و مراتع در قرآن و سخنان معصومان - علیهم السلام - مطالب متنوعی آمده است که شرح آنها فرصتی مناسب می طلبد و با حجم این اثر تناسب ندارد.

در قرآن با واژه هایی چون شجر، نبات، زوج کریم، جنات معروشات، جنات الفافا، حدائق غلبه، آب، مرعی و ... به جنگلها و مرتعها اشاره شده است. در روایات رسیده از معصومان - علیهم السلام - به میزان گسترده تری از عناوین فوق یاد و مسائل مرتبط به آنها طرح شده است.

به طور خلاصه نتیجه بررسی آیات قرآن و گروهی از روایات درباره مراتع و جنگلها به قرار زیر است:

۱- مرتع ها و جنگل ها در زمره نعمتها و موهبت های بزرگ الهی قرار دارند که آدمیان باید در برابر این نعمت شکرگزار باشند و در حفاظت و بالندگی آنها بکوشند. علامه طباطبایی در ذیل یکی از آیات مرتبط به مرتع ها «او کسی است که از آسمان برایتان آب فرو فرستاد، از آن می نوشید و رویدنی هایی که چهارپایان را در آن می چرانید»،

چنین می نویسد:

«این آیه در پی آن است که نوعی دیگر از نعمت های الهی را بیان کند و آن نعمت گیاهان و نباتات است که انسان و حیوانات از آن تغذیه می کنند.»

۲- از دیدگاه قرآن جنگلها و مرتع ها اهمیت فراوانی دارند. با صرف نظر از آیاتی که با به کارگیری واژه هایی از قبیل «نبات» شامل مرتع ها می شود و کلماتی از قبیل «شجر» و ... که شامل جنگل ها می گردد، دست کم ۶ آیه از قرآن به جنگل ها (۴) و ۶ آیه نیز به مرتع ها اختصاص دارد و درباره هر یک از این دو، روایات متعددی نیز از معصومان - علیهم السلام - وارد شده است که این همه نشانگر اهمیت خاصی است که قرآن و روایات به جنگلها و مراتع داده است.

افزون بر این که تعبیرهایی از قبیل نعمت بودن جنگل ها و مراتع متاع زندگی، زوج کریم و ... از اهمیت آنها در اندیشه قرآنی حکایت دارد.

۳- جنگلها و مراتع بستر و به تعبیر قرآن (متاع) «ومتاعاً لک الانعامکم» زندگی حیوانات هستند و آنان نیز در جنگل ها سهیمند. جنگل ها کانون تنوع زیستی حشرات و حیوانات و پرندگان است و شرایط آنها به گونه ای است که همه نیازهای این موجودات را برآورده می کند. حضرت امام صادق - علیه السلام - به مفضل چنین می فرماید:

«ای مفضل! درباره گستردگی زمین بیندیش و اگر گستره زمین این گونه نبود (محدود بود)، مسکن ها، مزرعه ها، مراتع، جنگل ها و کانون تولید چوب ها و ... را بر نمی تابید. شاید برخی بگویند این بیابان های دهشتناک چه سودی دارد؟ پاسخ آن است که این بیابان ها زیستگاه و خانه امن و چراگاه چهارپایان و پرندگان است.» افزون بر این که واژه «مرعی» که دو بار در قرآن آمده است؛ یا به معنای

چریدن و یا علف چریده شده و یا به معنای محل چریدن و چرانیدن؛ یعنی چراگاه، گیاه زار و مرتع؛ در هر دو فرض یاد شده اصولاً در نامگذاری «مراتع» حق حیوانات در نظر گرفته شده است.

از این رو نابود کردن مراتع در واقع تجاوز به حقوق دامها و حیوانات بی زبانی است که در برابر انسانهای مقتدر و ستمگر نمی توانند از خود دفاع کنند.

۴- برخی آیات مرتبط به جنگل ها، گیاهان و محصولات کشاورزی به شدت از اسراف و زیاده روی در بهره برداری از آنها نهی می کند و با به کار گرفتن واژه «ولا تسرفوا إنه لا یحب المرفین» به آدمیان هشدار می دهد که زیاده روی در مصرف این نعمت های الهی از گناهان است و خداوند اسراف کاران را دوست ندارد.

۵- جنگلها و مراتع نشانه هستی، حکمت، قدرت و علم لایزال الهی اند، و زیبایی، نظم حیرت آور، شگفتی ها، رمز و راز و هزار و یک نکته نهفته در آنها از وجود دانش و تدبیر ناپیدا کرانه ای حکایت دارد که در پشت پرده آفرینش، خدایی می کند.

نیز رویش این گیاهان از موجودات بی جان، نوعی ایجاد حیات است در مردگان و نشانگر درستی معاد؛ یعنی خدایی که قدرت دارد از موجودات بی جان؛ یعنی دانه ها چنین مجموعه های عظیمی از جنگلها و مرتعها بیافریند، می تواند مردگان را نیز زنده کند.

از این رو خدا در قرآن آدمیان را به تأمل و خرد ورزی درباره جنگل ها و مراتع فرا خوانده است.

احکام فقهی جنگل ها و مراتع

جنگلها و مرتع ها از مهمترین سرمایه های ملی هر کشورند. از این روی از دیرباز دولتها و سرمایه داران بدان ها توجه ویژه ای داشته اند. به همان سان که فقیه هان و حقوق دانان و متخصصان اقتصاد نیز هر یک از زاویه ای بدان ها نگریسته اند.

از نگاه فقهی، جنگلها و مرتعها از «انفال» محسوب میشوند و قرآن کریم آشکارا انفال را از آن خداوند و رسولش دانسته است. برای روشن شدن احکام فقهی جنگلها و مرتعها نخست باید ثابت شود آنها از انفالند، و آن گاه روشن شود که انفال از آن کیست؟

به فرض که انفال از آن حکومت و دولت اسلامی و در زمره ثروت های ملی باشد، آیا حکومت اسلامی می تواند آنها را به اشخاص حقیقی و تعاونی ها و یا شرکتهای واگذارند؟

در این فرض، آیا مجاز است این واگذاری را با شرایطی خاص و در قلمروی ویژه قرار دهد؟ و سرانجام، ملاک و معیار تصرف حکومت اسلامی چیست؟ و اینها پرسش هایی است که به گونه ای فشرده در این درس بدانها پاسخ داده میشود.

جنگلها از انفال است

بر پایه روایات متعددی که از امامان معصوم علیهم السلام - رسیده، جنگلها از انفال شمرده شده است.

حضرت امام صادق - علیه السلام می فرماید:

«دره ها، سرکوه ها، جنگلها، معدن ها، و هر زمینی که بدون جنگ از دشمن به دست آید از انفال است ...»

به دلیل همین روایات است که فقیهان شیعه فتوا داده اند که جنگلها از انفال است و حکم انفال درباره آنها جریان دارد.

شیخ مفید (م ۴۱۳ ق) جنگلها را از انفال دانسته و استاد فقیهان جناب شیخ انصاری - رحمه الله علیه - در این باره نوشته است:

به ظاهر همه فقیهان هیچ اختلاف نظری ندارند که جنگلها از انفال است.»

جناب ابن براج - از فقهای بزرگ اسلامی (م ۴۸۱ ق) - در کتاب گرانقدر الممهدب نوشته است:

«... سرکوه ها، دره ها و جنگلها ... و هر زمینی که جنگل بوده و آن را به زمین کشاورزی تبدیل کرده اند، یا زمین بایر بوده و بی اذن حکومت اسلامی احیاء شده است از انفال و ویژه امام است و او هر طور که مصلحت بداند از قبیل فروش، بخشش و ... می تواند در آن تصرف کند.»

سخن این فقیه دانشمند به روشنی دلالت دارد که جنگلها از انفال است و تنها امام امت و رهبر مشروع جامعه مجاز است در آن تصرف کند و هرگاه بی اجازه او در این زمینها تصرفی شود؛ مثلا از حالت جنگل به در آمده به مزرعه و کشتزار تبدیل شود، باز هم از انفال و در اختیار امام است. دیگر فقیهان شیعه نیز چنین فتوایی داده اند.

امام خمینی - قدس سره - در این باره نوشته است:

«سرکوه ها، دره ها و هر زمین بایر و جنگلها ... و زمین هایی که اهل آنها کوچ کرده یا آنها را رها کرده اند ... از آن امام - علیه السلام - (حکومت اسلامی) است ... و مقصود از جنگلها تنها درختان آنها نیست، بلکه به ظاهر، هم درختان و هم زمین آنها از انفال به شمار می آید.»

از آن چه گذشت حکم مالکیت جنگلها و مراتع روشن شد. جنگلها و مراتع از آن حکومت اسلامی است و ولی فقیه و حکومت می تواند در آنها تصرف کند و همو باید مصالح ملت و جامعه اسلامی را در نظر بگیرد و در چهارچوب مصلحت و مراعات احکام شرعی، قوانین و مقرراتی درباره آنها وضع و اجرا کند؛ به همان سان که مدیران حکومت اسلامی در چهارچوب

ضوابط و اختیاراتشان می توانند زمام این امر را به دست گیرند و با توجه به ضوابط یاد شده هر یک با توجه به مأموریت خود به این امر مهم دست یازند. امام خمینی - قدس سره - در این باره چنین نوشته است:

«لازم است نکته ای را یادآور شویم ... و آن نکته این است که از مجموع روایات این باب به دست می آید که ... هر مالی چه زمین باشد و چه غیر زمین اگر مالک نداشته باشد از آن ولی امر است و در قلمرو مصالح مسلمانان هر طور که صلاح بداند مصرف می کند و این چیزی است که میان دولت ها رواج دارد. از این روی معادن، جنگل ها، زمین ها - چه آباد و چه بایر - اگر مالک نداشته باشد؛ ارث کسی که وارث ندارد، خشکی، دریا و فضا از آن دولت هاست. به عبارت دیگر این اموال از اموال ملی است و دولت ها بر طبق مصلحت ملت‌هایشان در آنها حق تصرف دارند و اسلام در این باره مطلب جدیدی نیاورده است که با این روش و قاعده ای که میان دولت شایع است، مغایرت داشته باشد ...»

تحلیلی بر سخن امام خمینی

بر پایه سخن امام خمینی - قدس سره - سیره و روش عقلا در جنگل ها و مرتعها و اموال عمومی و بی صاحب، آن است که آنها را باید دولت ها اداره کنند؛ چه در حقیقت دولتها متصدی امور و اموال عمومی هستند و آنها بر پایه مصلحت ملت‌هایشان درباره آنها تصمیم میگیرند و در قلمرو منافع ملی خود در آنها تصرف کرده و قوانینی وضع میکنند و بر طبق آنها محدودیت ها و شرایطی برای تصرف بخش خصوصی در نظر میگیرند.

اسلام دین عقل است و بسیاری از فقیهان بر طبق روش عقلا در امور اجتماعی و مسائلی از این دست - اگر آیه و روایتی برخلاف آن نباشد - فتوا میدهند و بر این باورند که شارع مقدس آن را امضا کرده است.

بدین سان جنگلها و مرتعها و به طور کلی انفال از اموال ملی و در اختیار حکومت اسلامی است.

حکومت اسلامی می تواند آنها را با شرایطی در اختیار مردم نهد و در قلمرو مقررات خاصی به آنها واگذارد؛ به همان سان که پیامبر اسلام - صلی الله علیه وآله وسلم - چنین میکرد. امام خمینی در این باره نوشته است:

«گرچه پیامبر اسلام - صلی الله علیه وآله وسلم - اجازه داد مردم زمین های موات را احیا کنند و حیزت جنگل ها و امثال آن را ... و حکم فرمود که احیای موات و حیزت سبب مالکیت می شود؛ به همان سان که دیگر دولت ها انجام می دهند ...»

چکیده

جنگل ها و مراتع سودمندیهایی بسیار دارند. حفاظت از آب و خاک، جلوگیری از به راه افتادن سیلابها، فراهم آوردن بستری مناسب برای زندگی حیوانات، تولید اکسیژن، کاهش حرارت زمین، افزایش رطوبت هوا و گیرش گرد و غبار در زمره این سودمندی ها قرار دارد.

آیات و روایات درباره جنگل ها و مراتع مطالب متعددی دارد. بر پایه آنها جنگل ها و مراتع از نعمت های الهی است، اهمیت بسیار دارد، حیوانات در آنها حقوق خاص به خود را دارند؛ از این رو تجاوز به حقوق آنها نوعی ظلم به حیوانات محسوب می شود و نیز آیت هستی خدا و گواه صدق معاد و رستاخیز مردگان هستند.

به طور خلاصه بر پایه دیدگاه فقهی امام خمینی - قدس سره - هر زمینی که مالک ندارد از انفال است و حکم فقهی انفال آن است که ولی فقیه و مدیران حکومت اسلامی در چهارچوب اختیارات و وظایف خود باید با توجه به مصلحت جامعه اسلامی درباره آنها تصمیم بگیرند.

سوال ها

- ۱- به طور خلاصه قرآن درباره جنگلها و مراتع چه نظری دارد؟
- ۲- واژه «مرعی» به چه معنایی است و آیا حیوانات در مراتع حقی دارند؟
- ۳- از دیدگاه امام خمینی انفال به چه معنایی است و چه حکمی دارد؟

درس دهم

قطع درختان و تخریب جنگل‌ها

در روزگار ما جنگل‌ها میدان تاخت و تاز و غارتگری طمع ورزان و ثروت اندوزان شده است. آنان به گونه ای قطع درختان را سرعت بخشیده اند که سلامت محیط زیست بشری در معرض خطر جدی قرار گرفته است.

آمارها نشان میدهد سرعت حیرت آور تخریب جنگلها به اندازه ای است که شاید برای آیندگان جنگلی باقی نماند. بر پایه گزارش سازمان ملل (UNEP)، از سال ۱۹۹۰ میلادی تاکنون ۲/۴ درصد از پوشش جنگلی زمین از بین رفته و ۲۵ درصد پستانداران و ۱۲ درصد پرندگان در خطر انقراضند... و اگر این روند ادامه یابد تا ۳۰ سال آینده زمین یک سیاره فقیر و بی حاصل باقی خواهد ماند.

دکتر هلن کالدیکوت در این باره می نویسد:

«در هر دقیقه ۶۰ جریب یا وسعتی معادل ۶۰ زمین فوتبال از جنگل‌های استوایی باران زای کره زمین نابود می شوند. در هر ۱۶ دقیقه، جنگلی باران زا به وسعتی معادل فضای پارک مرکزی نیویورک نابود می شود. این جنگل‌ها مأمّن حدود ۵۰ تا ۸۰ درصد گونه‌های نباتی و حیوانی می باشند که شمار آنها حدود ۳۰ میلیون گونه برآورد شده است. نرخ لجام گسیخته جنگل زدایی سبب می شود جنگل‌های استوایی کره زمین به طور کلی ۲۰ تا ۵۰ سال آینده نابود شوند و این نابودی حدود ۱۵ تا ۲۴ میلیون گونه را نیز در بر می گیرد.»

در مقابل، غارتگران جنگل‌ها بی هیچ دغدغه ای به کار خود ادامه می دهند و به اعتراض‌های طرفداران محیط زیست هیچ وقعی نمی نهند؛ زیرا دولت‌ها برای حل مشکلات کشورشان غالباً اولویت‌های مهم تری دارند. فضای فکری و فرهنگی مردم نیز که تا اندازه زیادی نشأت گرفته از رسانه‌های عمومی است به گونه ای شکل گرفته است که این مسأله در مقایسه با مسائل مربوط به قدرتمندان و رؤسای کشورها چندان مهم جلوه نمیکند.

از نگاه اسلام قطع درختان و تخریب جنگل‌ها به دلایل زیر از زشت‌ترین اعمال است:

۱- همان طور که پیش از این آوردیم، بر طبق آیات قرآن همه نسل‌های انسانی و حیوانی در همه عصرها حق بهره برداری از مواهب طبیعی زمین را دارند. از این رو نابودی جنگلها ظلم به همه آنان محسوب می شود و در زمره بزرگترین گناهان است.

۲- قطع درختان و تخریب جنگل‌ها از مصادیق روشن «فساد در زمین» است. قرآن کسانی را که در پی نابود کردن جنگلها، مزرعه‌ها و نسل حیوانات و انسان‌ها بیاورند «مفسد فی الارض» می نامد؛ از این رو هرگاه رهبران جامعه ای - از طریق به راه انداختن جنگ‌ها و سلطه طلبی بر دیگر نقاط جهان و یا از هر طریق دیگر - در پی نابود ساختن کشتزاران، گیاهان و نسل حیوانات و آدمیان برآیند نیز مفسدند. خداوند می فرماید:

«و چون به قدرت دست یابد یا چون پشت کند و از نزد تو بازگردد می کوشد تا در زمین فساد کند و کشت و نسل (دام یا نژاد) را نابود کند و خداوند فساد را دوست نمی دارد.»

نهی شدید پیامبر خدا و ائمه - علیهم السلام - از قطع درختان

پیامبر اکرم - صلی الله علیه وآله وسلم - و امامان معصوم علیهم السلام - مسلمانان را از نابودی درختان برحذر می داشته و همواره آنان را به حفظ، رشد و تکثیر درختان تشویق می کرده اند. حضرت علی - علیه السلام - در این باره فرمود:

«پرهیز از قطع درختان سرسبز بر عمر انسان می افزاید.»

حضرت امام صادق - علیه السلام - فرمود:

«قطع بی رویه درختان میوه دار عذاب سخت الهی را در پی دارد.»

پیامبر اسلام - صلی الله علیه وآله وسلم - مسلمانان را از قطع درختان مدینه نهی کرده و می فرمود:

«درختان مدینه نباید قطع شود.»

در زمان پیامبر اسلام - صلی الله علیه وآله وسلم - درخت «سدر» در عربستان فراوان بود. حضرت درباره قطع آن فرمود:

«هر کس درخت سدر را قطع کند، خداوند با سر او را در آتش جهنم خواهد انداخت.»

در روایت دیگری آمده است:

«پیامبر خدا کسی که درخت سدر را قطع کند، لعنت کرده است.» (۴)

قرینه ها نشان میدهد که این حکم مختص درخت سدر نیست و درختان دیگر را نیز شامل می شود؛ زیرا در آن روزگار در سرزمین حجاز، قطع درختان در امثال درخت سدر مصداق داشته است و امروزه در گونه های دیگر و به ویژه تخریب جنگلها.

ممنوع بودن قطع درختان در جنگ

جنگها ویرانگر و خانمان سوزند و بسیاری از مقررات روزمره ای که در زمان صلح مردم بدان ها احترام می گذارند در جنگ ها زیر چکمه های نظامیان پایمال می شود. با این حال، از زمانهای قدیم در جنگ ها نیز به برخی از قوانین احترام می گذاشتند.

پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله وسلم - در آغاز جنگها رزم آوران مسلمان را نصیحت می نمود و بدانان امر می کرد که در هر حال، انسان باشند. یکی از موضوع هایی که آن حضرت به آنان سفارش میکرد، پرهیز از قطع درختان بود. بر طبق روایتی، رسول خدا به رزمندگان اسلام چنین می فرمود:

«از کشتن زنان، کودکان و پیرمردان بپرهیزید و به هیچ وجه درختان به ویژه درخت خرما را قطع نکنید.»

در این روایت، حضرت بی هیچ قید و شرطی قطع درختان را در میدان نبرد ممنوع کرده و در روایت دیگری، تنها در صورت ضرورت آن را مجاز دانسته است:

«مبادا به کشتن زنان، پیران و کودکان دست یازید. از قطع درختان بپرهیزید، مگر آن که ضرورتی در میان باشد.»

در توصیه دیگری، پیامبر خدا از به آتش کشیدن مزرعه ها و نابودی درختان به شدت نهی فرموده است:

«درختان را آتش مزینید، آنها را با آب ویران نکنید، درختان میوه دار را قطع نکنید، مزرعه ها را نسوزانید.»

در چنین احادیثی دو نکته قابل توجه است:

اول: قطع درخت در ردیف کشتن کودکان، زنان و پیرمردان قرار گرفته و این نشان میدهد که از نظر پیامبر اکرم - صلی الله علیه وآله وسلم - این موضوع اهمیتی ویژه داشته است.

دوم: وقتی در بحران جنگ، بریدن، آتش زدن و در آب فرو بردن درختان جایز نباشد، به طور روشن تر و مؤکدتر، در زمان برقراری صلح و آرامش این کار جایز نیست.

گروهی از فقیهان بر طبق این روایات فتوا داده و سوزاندن مزرعه ها و قطع درختان را در جنگ حرام دانسته اند. به عنوان نمونه ابی الصلاح حلبی (م ۴۴۷ ق) در کتاب ارزنده الکافی فی الفقه نوشته است:

«در جنگ سوزاندن مزرعه ها و قطع درختان و ... جایز نیست.»

قران پس از آن که جنگل ها را از نعمت هایی میداند که خداوند از سر لطف در اختیار آدمیان نهاده است، تأکید می ورزد که از اسراف در آنها بهره‌یزید که خداوند اسراف کاران را دوست ندارد:

«وهو الذی أنشأ جنات معروشات و غیر معروشات ... ولا تسرفوا إنه لا یحب المترفین»

«لوست خدایی که درختان خودرو و برافراشته و ناخودرو را آفرید ... اسراف نکنید که خداوند اسراف کاران را دوست نمی دارد.»

«جنات معروشات» به مجموعه ای از درختان درهم فشرده که سبزی آن زمین را پوشانده و سر به آسمان گذاشته و قد برافراشته اند گفته میشود. بر طبق روایتی علی - علیه السلام - آن را «مغروسات و غیر مغروسات»؛ یعنی مجموعه ای از درختان انبوه که خودش می روید و بشر آنها را نکاشته است (جنگل ها) و درختانی که آدمیان آنها را کاشته اند، قرائت می کرده است.

به هر صورت، در پایان آیه، خداوند به شدت از اسراف در آنها نهی کرده است. قطع بی رویه درختان برای مصارف روزمره زندگی از روشن ترین مصادیق اسراف است.

همان طور که پیش از این یادآور شدیم، هر نعمتی را شکری لازم است و کفران نعمتهای الهی جایز نیست. قلع و قمع جنگل های انبوه و بزرگ و از جا کندن درختان ستبر و سرسبز کفرانی است عظیم در مواجهه با نعمتهای الهی.

از ویژگیهای فقه اسلامی برخورداری از قواعدی است که برخی از آنها همه ابواب فقهی و احکام شرعی را در بر میگیرد. یکی از مهم ترین و عام ترین این قواعد، قاعده «لاضرر» است. بر طبق روایت های متقن و یقینی، پیامبر خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمود: «لا ضرر ولا ضرار فی الاسلام.»

بسیاری از فقیهان شیعه و اهل سنت از این قاعده به عنوان یک اصل در سرتاسر ابواب فقه استفاده کرده اند. بر طبق این اصل، زبان رسانیدن به شخص یا اشخاص به هیچ وجه روا نیست و پیامبر اسلام به شدت از آن نهی کرده است.

در روزگار ما تخریب جنگل های بزرگ و کوچک جهان، رهاکردن فاضلاب کارخانه ها به رودخانه ها و آلوده ساختن آب ها، تأسیس کارخانه هایی که گازهای گلخانه ای را در هوا متصاعد میسازد از مصادیق روشن «ضرر و ضرار» است که در این حدیث از آن نهی شده است.

به نظر می رسد که حرص و طمع از مهم ترین ریشه های تخریب جنگل ها و ویرانگری در طبیعت باشد. در این بخش به طور فشرده به این دو رذیله و سهم عظیمی که در ناهنجاری تعامل انسان با طبیعت دارند، می پردازیم.

آزمندی و زیاده خواهی از صفات زشتی است که می تواند انسان را دچار غفلت ساخته و در دریای نابودی و هلاکت غوطه ور سازد. آنان که این دو صفت در جانشان ریشه دوانده، شب و روز در پی به دست آوردن اموال بیشتر و قدرت افزون ترند. نفوذ این صفات در دل و جان آدمی سبب می شود نه سخن حقی بشنود و نه واقعیات را آن گونه که هست ببیند و نه درباره پیامدها و نتایج اعمال برخاسته از حرص و طمعش بیندیشد.

بدین سان آزمندان و زیاده خواهان به کران و کوران و بی خردانی مانده اند که شتابان به سوی پاسخگویی به این دو خواسته نفسانی خود میروند و لحظه به لحظه با دمیدن در شعله های سوزان این صفت زشت و نکوهیده، تار و پود خود، نزدیکان و هموعان خود را سوخته و به خاکستری تبدیل می کنند. هم از این روست که انسان حریص از سودمندیها و لذت های دنیا محروم و به راستی در زمره فقیران است؛ زیرا همواره خود را نیازمند می بیند و هر چه از دنیا به دست می آورد و در انبان، انباشته میکند، طبع سیری ناپذیر وی را اشباع نمی سازد و چون با بهره وری از شیوه های انسانی، درست و قانونی نمی تواند به خاسته های نامحدود خود برسد ناگزیر به شیوه های ناپسند روی می آورد. خون بی گناهان را بر زمین می ریزد؛ در زمین فساد می آفریند و طبیعت بی زبان را دیوانه وار ویران می کند و بدین ترتیب است که قلب او از شقاوت، قساوت، بی رحمی و نامهربانی لبریز می شود و در نتیجه از هیچ جنایتی فروگذار نکرده و در سرازیری انحطاط انسانی به اسفل السافلین می افتد. به نظر می رسد مهم ترین عامل ویرانی های جبران ناپذیری که بر محیط زیست در روزگار ما وارد شده، از این خصلت زشت و نکوهیده نشأت می گیرد. این حرص و طمع سرمایه داران بزرگ و دیگر حریصان و طمع ورزان است که امروزه زمین را از شکوهمندترین و زیباترین جنگل ها خالی می سازد؛ این فزون خواهی کارخانه داران است که با کمال قساوت و سنگدلی هر روز بر تولید گازهای آلاینده هوا و زداینده لایه ازن می افزاید و این تشنگان قدرتند که برای دستیابی به نفوذ بیشتر و پاسخگویی به خواسته های نامحدود خود در پی پدید آوردن جنگ افزارها، جنگها و در نتیجه تخریب محیط زندگی بشرند. آری، طبیعت پاسخگوی همه نیازهای آدمی است، جز حرص و طمع او.

چکیده

در روزگار ما قطع درختان و تخریب جنگل ها به گونه سرسام آوری شدت گرفته است. آمارها حکایت از آن دارد که از سال ۱۹۹۰ م تاکنون ۲/۴ درصد از پوشش جنگلی زمین از میان رفته و ۲۵ درصد پستانداران و ۱۲ درصد پرندگان در معرض خطر انقراض قرار دارند.

از دیدگاه اسلام، قطع درختان و تخریب جنگل ها از زشت ترین اعمال شمرده شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم - از قطع درختان به شدت نهی کرده و از بین بردن درختان میوه دار را موجب عذاب سخت الهی دانسته است.

گروهی از فقیهان نیز براساس آیات و روایات رسیده، سوزاندن مزارع و قطع درختان دشمن را حتی در جنگ به جز در موارد ضرورت - حرام دانسته اند.

علاوه بر آن که قلع و قمع درختان و تخریب جنگل های کوچک و بزرگ، کفران نعمت الهی است، نیز موجب ضرر رسانی به موجودات زنده است که طبق قاعده لاضرر، حرام است.

آزمندی و زیاده خواهی و در پی آن ثروت اندوزی، انگیزه بسیاری از تخریبگران محیط زیست، شمرده می شود.

سؤال ها.

- ۱- قطع درختان و تخریب جنگلها به چه دلیل حرام است؟
- ۲- یکی از سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم - را درباره قطع درختان بنویسید.
- ۳- در هنگام جنگ آیا تخریب مزارع و قطع درختان جایز است؟ چرا؟

درس یازدهم

کشاورزی در قرآن و سخنان معصومان – علیهم السلام –

مقدمه

چه زیبا و دیدنی است هنگامی که کشاورز بیل بر دوش، به گاه غروب خورشید با چهره ای خسته اما امیدوار و با نشاط از سر زمین به خانه باز میگردد و شبانگاه که بر سفره مینشیند ناخودآگاه به خود می بالد که از رزق حلال میخورد و غذایش حاصل تلاش های فراوان و عرقهای ریزانی است که از بام تا شام داشته و با بهره وری از آب و خاک توانسته به محصولی دست یابد که غذای او و بسیاری از هموعانش است.

کشاورزان گنجینه های خداوند بر روی زمینند؛ چه از آب و خاک، دانه ها، میوه ها، گل ها و گیاهانی تولید میکنند که از سویی خوراک و پوشاک آدمیان را فراهم می آورند و از طرفی به زمین، زیبایی و طراوت می بخشند. در این درس، برخی آیات قرآن و روایات را که درباره فضیلت کشاورزی وارد شده است به مرور و مذاقه می نشینیم؛ امید که آموزه های لازم را فراگرفته و به کار بندیم.

فضیلت کشاورزی در آیات قرآن

آیات قرآن درباره کشاورزی فراوان است، و تنظیم، تفسیر و تبیین تمامی آنها در این فشرده نمیگنجد. از این رو در این درس گروهی از این آیات را فرا روی خوانندگان می نهیم.

به طور کلی از این آیات به دست می آید که کشاورزی مورد عنایت خدای تعالی است؛ چه آن که در آیات مختلف از کشاورزی و کشاورزان سخن به میان آمده است.

نیز از این آیات استفاده میشود که طبیعت به عنوان بستری مناسب برای کشاورزی، از نعمت های بزرگ الهی است که خداوند از سر لطف در اختیار آدمیان نهاده است.

بادها میوزد و بخارهای بر آمده از دریاها را متراکم ساخته به ابرهای سنگین و کوهوار مبدل می سازد. سپس باران از آسمان فرو می بارد و نهرها، رودها و چشمه ساران به راه می افتند. خاک با استعدادهای گوناگون و شگفت انگیز خود با آب در می آمیزد و بذرها در دل خاک شکافته میشوند و جوانه می زنند. عوامل مختلف قانونمند و هماهنگ دیگری دست به دست هم میدهند و زمینه سر برآوردن، رشد و ثمردهی گلها و گیاهان را فراهم می آورند.

تأمل در این شگفتی هاجانه های سالم و فطرت های پاک را به علم، قدرت و حکمت خالق یکتا رهنمون می سازد.

طبیعت به عنوان بستری برای کشاورزی و قوانین بسیار دقیق، پیچیده و شگفت انگیز رابطه آب، خاک و گیاه و رویش و پویش نباتات، آیت هستی پروردگار و گروهی از صفات اوست. اما انسان غالباً از این نعمت و آیت الهی غفلت می ورزد؛ نه به اهمیت کشاورزی توجه دارد و نه از نعمت و آیت بودن این امور، یاد میکند.

از این رو قرآن همواره در انسان تنبه می آفریند و اهمیت، فضیلت و سودمندبهای کشاورزی و طبیعت را به عنوان بستری برای آن، به آدمیان یادآور می شود؛ باشد که انسانها از خواب غفلت بیدار شده و جایگاه واقعی و منزلت درخور کشاورزی را دریابند. اینک به گروهی از این آیات توجه کنید:

وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نُخْرِجُ مِنْهُ حَبًّا مُتَرَاكِبًا
وَمِنَ النَّخْلِ مِنْ طَلْعِهَا قِنْوَانٌ دَانِيَةٌ وَجَنَّتٍ مِّنْ أَعْنَابٍ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُشْتَبِهًا وَغَيْرَ مُتَشَبِهٍ^ط انظُرُوا إِلَى
ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَيَنْعِهِ^ع إِنَّ فِي ذَٰلِكُمْ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

«و اوست که از آسمان، آبی فرو فرستاد و بدان هر گونه گیاه بیرون آوردیم، و از آن جوانه سبز رویاندیم و از آن دانه های بر
هم انباشته بیرون آوردیم، و از شکوفه خرما خوشه های در دسترس و باغهای انگور و [درختان] زیتون و انار [پدید آوردیم] که
همانند و ناهمانند هستند؛ به میوه های آن چون میوه دهد و برسد بنگرید؛ در این برای اهل ایمان، مایه های عبرت است.»

﴿ وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ جَنَّاتٍ مَّعْرُوشَاتٍ وَغَيْرَ مَعْرُوشَاتٍ وَالنَّخْلَ وَالزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أُكْلُهُ وَالزَّيْتُونَ
وَالرُّمَّانَ مُتَشَبِهًا وَغَيْرَ مُتَشَبِهٍ^ط كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ^ط وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا
يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ

«و او کسی است که باغهای [دارای درختان] دار بست دار و بدون داربست پدید آورده است و نیز درخت خرما و زراعتی که
میوه های آن گوناگون است، و درخت زیتون و انار که همانند و ناهمانندند. از میوه آن چون میوه بر آورد بخورید و روز چیدنش
حق [بینویان از آن را بپردازید، ولی اسراف نکنید که او اسراف کاران را دوست ندارد.»

وَأَنْزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً لِّنُخْرِجَ بِهَا حَبًّا وَنَبَاتًا

« و از ابرهای متراکم آبی ریزان فرود آوردیم تا بدان دانه و گیاه برویانیم.»

فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ أَنَا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا فَأَنْبَتْنَا فِيهَا حَبًّا وَعِنَبًا
وَقَضَبًا^ط وَزَيْتُونًا وَنَخْلًا وَحَدَائِقَ غُلْبًا وَفَيْكِهَةً^ط وَأَبًّا^ط مَّتَعًا لَّكُمْ^ط وَلَا تَعْمُرُوا

«پس آدمی باید به غذای خود بنگرد ما از آسمان آب را به صورت بارشی فرو ریختیم؛ آن گاه زمین را با شکافتنی [لازم]
شکافتیم و در آن دانه [ها] رویاندیم و انگور و سبزی و زیتون و خرما و باغهای ابا درختان [در هم تنیده و میوه و چراگاه، تا
وسیله استفاده شما و دام هایتان باشد.»

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَلَكَهُ يَنْبِيعٌ فِي الْأَرْضِ ثُمَّ نُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ ثُمَّ يَهِيجُ
فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَجْعَلُهُ حُطْمًا^ط إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَذِكْرًا لِأُولِي الْأَلْبَابِ

«آیا ننگریسته ای که خداوند از آسمان آبی فرو فرستاد و آن را در [مخزن] چشمه ساران در دل زمین راه داد، سپس بدان،
کشتزاری به رنگ های گوناگون بر می آورد، سپس [آن کشت] می خشکد و آن را زرد می بینی، سپس آن را خرد و خوار می
کند؛ در این امر برای خردمندان یادآوری است.»

وَنَزَّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُّبْرَكًا فَأَنْبَتْنَا بِهِ جَنَّاتٍ وَحَبَّ الْحَصِيدِ

« و از آسمان آبی پربرکت فرو فرستادیم، آن گاه بدان بوستان ها و دانه درو کردنی رویانیدیم.»

أُولَئِكَ يَرَوْنَ أَنَا نَسُوقُ الْمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ الْجُرُزِ فَنُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا تَأْكُلُ مِنْهُ أَنْعَامُهُمْ وَأَنْفُسُهُمْ أَفَلَا يُبْصِرُونَ

«آیا ننگریسته اند که ما آب [برهای باران زا] را به سوی سرزمین خشک می رانیم و بدان کشتزاری برمی آوریم که چارپایانشان و خودشان از آن می خورند، آیا [به چشم بصیرت] نمی نگرند؟»

فِيهَا فَاكِهَةٌ وَالنَّخْلُ ذَاتُ الْأَكْمَامِ وَالْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ وَالرَّيْحَانُ

در آن [زمین] میوه [ها] و نخل ها با خوشه های غلاف دار و دانه های پوست دار و گیاهان خوشبوست.»

وَأَيُّهُمُ الْأَرْضُ الْمَيْتَةُ أَحْيَيْنَاهَا وَأَخْرَجْنَا مِنْهَا حَبًّا فَمِنْهُ يَأْكُلُونَ

«و زمین پژمرده [بایر] مایه عبرتی است برای آنان، که زنده اش گردانیدیم و از آن دانه برآوردیم که از آن می خورند.»

يُنَبِّئُكُمْ بِهِ الزَّرْعَ وَالزَّيْتُونَ وَالنَّخِيلَ وَالْأَعْنَابَ وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ

يَتَفَكَّرُونَ

«با آن [آب] برای شما زراعت و زیتون و خرما و انگور و از هر گونه محصولات [دیگر] می رویاند؛ بی گمان در این برای اندیشه وران مایه عبرتی است.»

وَفِي الْأَرْضِ قِطْعٌ مُتَجَبَّرَاتٌ وَجَنَّاتٌ مِّنْ أَعْنَابٍ وَزُرْعٌ وَنَخِيلٌ وَصِنَوَانٌ وَغَيْرُ صِنَوَانٍ يُسْقَى بِمَاءٍ وَاحِدٍ

وَنُفِضِلُ بَعْضَهَا عَلَىٰ بَعْضٍ فِي الْأُكُلِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ

«و در زمین قطعات [کرتلهایی] است نزدیک به هم و باغ هایی از [درختان] انگور و کشت ها [ی گوناگون] و خرما، همانند و ناهمانند، که همه به یک آب سیراب می گردند و [با این همه] میوه های بعضی را بر بعضی دیگر [از حیث مزه و نوع و کیفیت] برتر ساخته ایم. بی گمان در این برای خردورزان دلایل [روشن] است.»

رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بُوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ

النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ

«پروردگارا! من برخی فرزندانم را در سرزمینی بی آب و علف، در جوار بیت الحرام تو سکنا داده ام، پروردگارا! تا نماز به پا دارند؛ پس دل‌های برخی از مردم را به آنان مهربان کن، و از محصولات روزیشان بخش، باشد که سپاس بگذارند.»

وَزُرُوعٍ وَنَخْلٍ طَلَعَتْ هَضِيمٌ

و کشتزارها و خرما بنانی که شکوفه هایشان لطیف است.

وَزُّوعٌ وَمَقَامٌ كَرِيمٌ

«و کشتزارها و خانه های نیکو»

از این آیات نکته های مختلف و متعددی در باره کشاورزی به دست می آید که تفسیر آنها فرصت فراخ تری می طلبد و در این فشرده نمیگنجد. در این جا به عنوان نتیجه گیری از آیات نکاتی چند را متذکر می شویم.

۱- رابطه شگفت آوری میان بارش باران، آب، خاک و رویش و پویش گیاهان وجود دارد که خداوند آدمیان را به تأمل در آن فرا می خواند و این نظام شگفت انگیز را آیت وجود خود میدانند؛

۲- باران سهم اصلی و ممتازی در سرسبزی و رونق کشاورزی دارد. آب نعمت بزرگ الهی است که باید قدر آن را دانست و در مصرف درست و بهینه آن کوشید؛

۳- هرگونه اسراف در محصولات و فرآورده های کشاورزی و منابع طبیعی از قبیل آب، خاک و ... جایز نیست و خداوند به شدت از آن نهی کرده است؛

۴- آدمیان باید بدانند که رویش گیاهان در پرتو بارش باران و زمینه مناسب و مساعد خاک و هوا عملی است بزرگ که توسط خداوند متعال انجام می پذیرد و سهم بشر در آن بسیار ناچیز است؛

۵- کشاورزان واجب است زکات و حق فقیران را از محصولات کشاورزی بپردازند.

فضیلت کشاورزی در روایات

بر پایه برخی روایات هنگامی که آدم ابوالبشر پا به عرصه زمین نهاد احساس گرسنگی کرد، جبرئیل از آسمان فرود آمد و کشاورزی و درختکاری را بدو آموخت و این روش را پیامبران پس از وی یکی پس از دیگری برگزیدند و بدین سان بود که بسیاری از مردمان به ویژه مؤمنان در طول تاریخ به این شغل پاکیزه و شریف روی آوردند.

در دوره جاهلیت در بسیاری از مناطق عربستان به دلیل بدی آب و هواء ناآگاهی مردم از دانش کشاورزی، عدم شناخت انبارش باران و استخراج آبهای زیرزمینی و شیوه های آبیاری، نبود قانونی که امنیت را فراروی کشاورزان نهد و ضمانتی برای برداشت محصولات آنان به شمار آید، کشاورزی رونق چندانی نداشت.

با فراز آمدن خورشید مهرگستر اسلام، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم - همواره بر اهمیت کشاورزی پای فشرد و امامان معصوم علیهم السلام - با تعبیرهایی رسا و بی مانند ارزش کشاورزی و منزلت کشاورزان را برای شاگردان خود و مردم باز گفتند و این گوهر گفته ها، انقلابی عظیم در شیوهها، کمیت و کیفیت کشاورزی در جهان اسلام پدید آورد که شهره شد و همه آنان که از سر انصاف تاریخ تمدن اسلامی را هر چند گذرا نگاشته اند دست کم بدان اشاره کرده اند.

سخنان معصومان - علیهم السلام - در این باره بسی روشن و به لحاظ سند و متن به اندازه ای متقن و معتبر است که شماری از بزرگترین فقیهان شیعه بر پایه آنها فتوا داده اند؛ به عنوان نمونه فقیه محقق قرن معاصر در کتاب ارزنده العروة الوثقی - که بسیاری از فقها و مراجع بزرگ تقلید پس از ایشان بر این اثر گران قدر حاشیه نوشته اند . ضمن توضیح احتمال استحباب «مزارعه» می نویسد:

«... در روایت واسطی آمده است: از امام صادق - علیه السلام - درباره کشاورزی پرسیدم، حضرت فرمود: کشاورزان گنجهای خدا در زمین هستند و در میان اعمال هیچ عملی محبوب تر از کشاورزی نزد خدا نیست و همه پیامبرانی را که خداوند مبعوث کرد کشاورز بودند به جز ادريس که خياط بود. در روايتی ديگر امام صادق - علیه السلام - می فرماید: کشاورزان گنجينه های آدميانند؛ آنان [دانه] پاکيزه ای میکارند که خداوند آن را از زمين بيرون می آورد و آنان روز قيامت والاترين مقام را دارند و از نزديک ترين منزلت [نزد خداوند متعال] برخوردارند و با عنوان «مبارک» خوانده می شوند. در روايتی ديگر، آن حضرت می فرماید: از پيامبر - صلی الله عليه و آله و سلم - پرسيدند: بهترين عمل کدام است؟ حضرت فرمود: زراعتی است که کشاورز آن را بکارد و آن را شايسته بدارد و به روز برداشت سهم فقيران را بدهد ... و نیز از آن حضرت نقل کرده اند که کشاورزی بزرگ ترين کيمياست. آن حضرت - علیه السلام - فرمود: خداوند روزی پيامبرانش را در کشاورزی و شير دوشی (چوپانی) مقدر کرد. مردی می گوید: بدان حضرت عرض کردم: فدایت شوم - شنیده ام گروهی میگویند کشاورزی مکروه است. آن حضرت پاسخ داد: کشاورزی کنید ... همانا سوگند به خدا هیچ کاری حلال تر و پاکيزه تر از کشاورزی نیست.»

از سخن آیه الله حکیم و آیه الله خوبی استفاده می شود که کشاورزی از مصادیق «بر و تقوا» و محبوب و مرغوب نزد شارع مقدس است؛ از این رو چون «مزارعه» مقدمه ای برای کشاورزی به شمار می آید، آن نیز مستحب است.

شمار دیگری از فقها در مقدمه باب «مزارعه» به روایات باب اشاره کرده و مهر تایید بر آن زده اند و به تفصیل درباره احکام و حقوق کسی که زمین کشاورزی خود را به دیگری می سپارد تا وی در آن کشاورزی کند و سهمی معین از محصول را بردارد، سخن گفته اند.

این همه نشان میدهد که از نگاه آنان، کشاورزی بسی اهمیت دارد.

چکیده

بر پایه آیات قرآن و سخنان معصومان - علیهم السلام - کشاورزی فضیلت بسیار و کشاورزان منزلتی والا دارند. کشاورزی در دوره جاهلیت در پایین ترین سطح ممکن بود. اما پس از ظهور اسلام و در پرتو آیات قرآن و رهنمودهای معصومان - علیهم السلام - درباره کشاورزی، و تبلیغ و ترویج فضیلت و منزلت کشاورزی و کشاورزان، مردم از آن استقبال گسترده ای بعمل آوردند و تمدن اسلامی در این زمینه شکوفا شد از آیات قرآن و روایات، افزون بر فضیلت کشاورزی به دست می آید که آب، خاک و منابع طبیعی به عنوان بستری برای کشاورزی از نعمت های بزرگ الهی است. آب، خاک، بارش باران و رویش گیاهان رابطه ای بسیار پیچیده و دقیق دارند که تأمل در آنها می تواند آدمیان را به قدرت، علم و حکمت الهی رهنمون سازد.

اسراف در فرآورده های کشاورزی و منابع طبیعی جایز نیست و انسان باید بداند که رویش گیاهان و کشاورزی کار خدا است و آدمیان نقش ناچیزی در آن دارند.

سؤال ها

۱- به طور کلی قرآن چه نگاهی به کشاورزی و کشاورزان دارد؟

۲- از روایات، درباره منزلت کشاورزان چه نکته هایی استفاده می شود؟

۳- آیت الله حکیم و آیت الله خوبی - رحمه الله علیهما - از روایات درباره کشاورزی چه استفاده ای کرده اند؟

درس دوازدهم

سرسبزی زمین و رونق کشاورزی در زمان ظهور امام زمان - علیه السلام -

در این درس متن گروهی از روایات باب کشاورزی را فراروی شما خوانندگان ارجمند می‌نهم:

دو محدث بزرگ اسلام، جناب کلینی (م ۳۲۸ ق) و شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق) از امام صادق - علیه السلام - چنین نقل کرده‌اند:

«سأله رجل فقال له: جعلت فداك، أسمع قوما يقولون أن الزراعة مكروهة. فقال: ازرعوا و اغرسوا فلا والله ما عمل الناس عملا أحل و لا أطيب منه و الله ليزرع الزرع و ليغرسن الغرس بعد خروج الدجال.»

«مردی به امام صادق - علیه السلام - عرض کرد: قربانت شوم، می‌شنوم که گروهی می‌گویند کشاورزی کراهت دارد. حضرت فرمود: کشاورزی و درختکاری کنید، نه، به خدا سوگند مردم کاری حلال تر و پاکیزه تر از آن ندارند. به خدا سوگند پس از خروج دجال او در آستانه قیام حضرت مهدی - علیه السلام -، کشاورزی و درختکاری رونق می‌یابد.» علامه مجلسی در توضیح این حدیث نوشته است:

«مقصود از زمان خروج دجال در این روایت، هنگام ظهور حضرت ولی عصر - ارواحنا فداه - است. بدین سان بر طبق این روایت آن گاه که حضرت امام زمان - ارواحنا فداه - بر مسند رهبری بنشینند، کشاورزی و درختکاری رونق خاصی خواهد یافت.»

در این باره روایات فراوان دیگری از معصومان - علیهم السلام - وارد شده است که بر طبق آنها در زمان ظهور حضرت ولی عصر - علیه السلام - کشاورزی میان مردم رونق فراوان می‌یابد و زمین در پرتو سرسبزی، فراوانی محصولات کشاورزی و جاری شدن نهرها زنده می‌گردد.

این روایات نشان می‌دهد که اصلاح واقعی و حکومت آرمانی اسلامی تنها در صورتی تحقق می‌یابد که زمین سرسبز، محصولات کشاورزی فراوان و کشاورزی فراگیر و پر رونق گردد.

کشاورزی شغل انبیاء

«عن یزید بن هارون الواسطی، قال: سألت جعفر بن محمد - علیهما السلام - عن الفلاحین، فقال: هم الزارعون؛ کنوز الله فی أرضه وما فی الأعمال شیء أحب إلی الله من الزراعة و ما بعث الله نبیا إلا زراعا إلا ادریس فإنه کان خیاطا.»

«یزید، پسر هارون واسطی می‌گوید: از امام صادق - علیه السلام - درباره «فلاحان» سؤال کردم، حضرت فرمود: آنان همان کشاورزانند که گنج‌های خدا در زمینش هستند و در کارها، چیزی دوست داشتنی تر پیش خداوند از کشاورزی نیست و خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نکرده مگر این که کشاورز بوده است، جز حضرت ادریس - علی نبینا و آله و علیه السلام - که خیاط بود.»

از این روایت استفاده میشود که پیامبران الهی کشاورزی می‌کرده‌اند. بی شک انتخاب این شغل و صرف شدن بخشی از عمر پیامبران خدا در این راه نشان از رضایت خدا از کشاورزی دارد و نیز احتمالا در بالندگی روحی و معنوی خود آنان نیز مؤثر بوده است؛ زیرا انسان زمانی می‌تواند ابعاد معنوی و روحی خود را شکوفا سازد که از معنویت طبیعت بهره‌بردار؛ چه آن که

طبیعت آینه جمال و جلال خداست و نگاه تیزبینانه، و متفکرانه و عارفانه به آن، زمینه حضور بیشتر پروردگار را در اعماق دل انسان فراهم می آورد و علم، قدرت، حکمت، خالقیت و عظمت پروردگار را در مقابل چشمان انسان مجسم می سازد.

به همان سان که برخورد با طبیعت انسان را آماده می سازد که در برخورد با انسانها و هدایت آنان جانب عدالت و انصاف را بگیرد. بررسی شواهد تاریخی و کتابهای عهد عتیق و عهد جدید و قرآن کریم نیز نشانگر آن است که پیامبران خدا کشاورز و دامدار بوده اند.

«عن أبي عبدالله - عليه السلام - قال: لما أهبط آدم إلى الأرض... إلى أن قال: فقال جبرئيل: يا آدم كن حراثا، قال: فعلمني دعاء، قال: قل: اللهم أكفني مؤونة الدنيا كل هون دون الجنة و البسنى العافية حتى تهنئني المعيشة.»

«حضرت امام صادق - عليه السلام - فرمود: هنگامی که حضرت آدم به زمین هبوط کرد، جبرئیل به او گفت: ای آدم! کشاورز باش. آدم گفت: دعایی به من تعلیم فرما. فرمود: بگو: خدایا! غیر از بهشت نیازهای دنیای مرا برآورده فرما و بر من لباس عافیت ببوشان تا زندگی به کامم گوارا شود.»

خدمت رسانی به مردم در سایه کشاورزی

الإمام الباقر - عليه السلام : كان أبي يقول: خير الأعمال زرع يزرعه فيأكل منه البر و الفاجر؛ أما البر فما أكل منه و شرب يستغفر له، أما الفاجر فما أكل منه من شيء يلعنه و تأكل منه السباع و الطير.»

«حضرت امام باقر از پدرش امام سجاد علیهما السلام - نقل می کند که وی می فرمود: بهترین کارها کشتی است که فراهم آید و افراد نیک و بد از آن بخورند؛ نیکوکار هرگاه از آن بخورد و بیاشامد آن محصول برای او طلب آمرزش می کند و هرگاه بدکار از آن بخورد، بدکار را لعنت میکند؛ همچنین درندگان و پرندگان از آن محصول می خورند.»

در فرهنگ اسلامی خدمت رسانی به مردم یکی از بهترین عبادات به شمار می آید و خداوند برای آنان که گامی در راه حل مشکلات مردم بردارند اجر و ثواب فراوانی در نظر گرفته است. بر پایه حدیث یاد شده، کشاورزان در زمره خدمتگزاران به مردمند و برخوردار از اجری جزیل

در روایتی به نقل از پیامبر اکرم چنین آمده است:

«ما من مسلم يغرس غرسا او يزرع زرعاً فيأكل منه الطير أو انسان أو بهيمة الأکان له به صدقة»

«مسلمانی نیست که درختی بنشانند یا زراعتی کشت کند که از آن پرندگان و آدمیان و چهار پایان بخورند، مگر آن که چنین کاری برای او صدقه محسوب می شود.»

از این حدیث و احادیثی از این دست به روشنی به دست می آید که کشاورزی بستری است برای خدمت رسانی به مردم. کشاورزان در زمره خدمت رسانان به همه موجودات زنده به شمار می آیند که خداوند بر خدمت آنان مهر تأیید زده و پاداشی بزرگ برای آن در نظر گرفته است.

شیخ صدوق نیز این روایت را نقل کرده و جمله ای بر آن افزوده است. از حضرت درباره آیه شریفه

«... و اهل توکل باید که بر خداوند توکل کنند» پرسیدند، حضرت در پاسخ فرمود: مقصود از توکل کنندگان کشاورزانند.

کشاورزی بهترین ثروت

«سئل رسول الله - صلى الله عليه و آله و سلم - أي المال خير؟ قال: زرع زرعه صاحبه و أصلحه و أذى حقه يوم حصاده.»

«از رسول خدا - صلى الله عليه و آله و سلم - سؤال شد: کدام مال بهتر است؟ فرمود: زراعتی که صاحبش آن را بکارد و به عمل آورد و حق زکاتش را در روز درو بپردازد.»

«الإمام الصادق - عليه السلام - الكيمياء الأكبر الزراعة.»

«امام ششم فرمود: کشاورزی بزرگ ترین کیمیاست.»

«الإمام الصادق - عليه السلام - : إن الله عزوجل أحب لأبنيائه من الأعمال الحرث.»

«حضرت امام صادق علیه السلام - فرمود: خدای تعالی برای پیامبرانش از میان کارها کشاورزی را پسندید.»

از آن جا که این ثروت خدادادی مایه عزت و شکوفایی اقتصاد جامعه است، زمین های مساعد کشاورزی نباید بی استفاده رها گردند. در این باره در روایتی چنین می خوانیم:

«الإمام الصادق - عليه السلام - : من وجد ماء و ترابا ثم افتقر فأبعده الله.» (۳)

«هر کس آب و خاک داشته باشد و باز نیازمند گردد، از رحمت الهی دور باد.»

این روایت در واقع به مردم به ویژه مسؤولان هشدار می دهد که آب و خاک کیمیایی است که می تواند جامعه را بی نیاز سازد.

خداوند متعال آب و خاک را به گونه های آفریده و به آنها ویژگیهایی بخشیده و قابلیت هایی داده که می توانند نیاز غذایی جامعه را تأمین کنند.

«قال رسول الله - صلى الله عليه و آله و سلم - : تصدقوا و لاتحرقوا، قالوا: علی من یا رسول الله؟ قال: علی الناس: الأسير و المسکین و الفقير، قالوا: فأی أموالنا أفضل؟ قال: الحرث و الغنم.»

«پیامبر خدا - صلى الله عليه و آله و سلم - فرمود: صدقه بدهید و آن را کوچک بشمارید، گفتند: بر چه کسی ای فرستاده خدا؟ فرمود: به مردمان اسیر و فقیر و درمانده. پرسیدند: کدام یک از اموال ما برای پرداخت صدقه افضل است؟ فرمود: کشت و دام.»

«عن جابر قال: کنا نخابر علی عهد رسول الله فنصیب من القصری فی کذا وکذا، فقال النبی - صلى الله عليه و آله و سلم - : من کان له أرض فلیزرعها و لیحرثها أخاه و إلا فلیدعها.»

«جابر می گوید: در زمان رسول خدا - صلى الله عليه و آله و سلم - ما زمین را با شرایطی به دیگران مزارعه می دادیم. پیامبر خدا در این باره فرمود: کسی که زمین دارد باید خود آن را کشت کند و برادر دینی اش عمل برداشت (شخم) را به عهده بگیرد، در غیر این دو صورت باید آن زمین را واگذار کند. [دست از زمین بردارد و مانع کشت و استفاده دیگران از زمین نشود.]»

در این باره در روایت معروفی از پیامبر خدا - صلوات الله علیه و آله - چنین آمده است:

«من آحیی أرضا میته فهی له»

«کسی که زمین مرده ای را آباد کند آن زمین از آن او خواهد بود.»

نابغه و متفکر بزرگ معاصر؛ آیه الله شهید سید محمد باقر صدر در تفسیر این روایت مینویسد:

«در روزگار پیامبر خدا زمین های زراعی بی کشت مانده بود و در واقع به بیابان های بزرگی تبدیل شده بود؛ پیامبر خدا - صلوات الله علیه . و ائمه اطهار - علیهم السلام - برای تشویق مردم به سرمایه گذاری در این زمین ها و در نتیجه رونق گرفتن کشاورزی اعلام فرمودند: هر کس زمینی را آباد و احیا کند مالک آن خواهد بود، و در نتیجه اقبال مردم از این حکم پیامبر، کشاورزی گسترش یافت و تحولی عظیم در آن پدید آمد.»

آدمیان از روزگاران قدیم به ارزش اقتصادی کشاورزی پی بردند. آنان در پی برآوردن نیازهای خود بودند؛ نیازهایی از قبیل خوراک، پوشاک، مسکن و

کشاورزی می توانست بخش عظیمی از این نیازها را برآورده سازد؛ چه سرمایه اولیه آن جز آب و خاک نیست و هر گاه تلاش و همت بشر بدان افزوده شود، زمینه دست یابی به محصولات ارزشمند کشاورزی فراهم است.

از ویژگیهای کشاورزی آن است که طبیعت، سرمایه اولیه آن را به رایگان و سخاوتمندانه در اختیار انسان قرار میدهد و از سویی به شرط بهره برداری منطقی و منطبق با ظرفیت طبیعی آنها هیچ زبانی برای محیط زیست ندارد، بلکه به گونهای آن را شکوفا می سازد.

از طرفی تقریباً بخش عظیمی از نیازهای غذایی، پوشاک، مسکن، دارو و نیز مقداری از نیازهای صنعتی از طریق کشاورزی تأمین می شود، به همان سان که انجام آن محتاج به صنایع چندان پیچیده ای نیست، بلکه می توان با ابزار ساده تری نیز بدان دست یازید. اینها و جز اینها دلایل ارزش اقتصادی کشاورزی است.

آری، خداوند سفره طبیعت را گسترانیده و آدمیان را به بهره وری از آن فرا خوانده و آنان که می توانند بر سر این سفره حاضر شده و دعوت الهی را اجابت کنند؛ یعنی با بهره وری از مواهب طبیعی، غذا و بسیاری از دیگر نیازهای خود را برآورند، اگر از این فراخوان الهی تن زنند و از این سفره آماده استفاده نکنند، ملعون و مطرود در گاه الهی خواهند بود؛ زیرا گستاخانه به فراخوان الهی بی اعتنایی کرده اند. چنین است که در روایات آمده: «کشاورزی بهترین سرمایه است.»

چکیده

سخنان معصومان (روایات درباره کشاورزی فراوان است. بر طبق این روایات که به لحاظ سند و متن متقن و معتبر است و به روشنی فضیلت کشاورزی و منزلت والای کشاورزان از آن استفاده می شود، کشاورزی شغل انبیا بوده و بهترین ثروت به شمار می آید و یکی از بهترین روشهای خدمت رسانی به مردم است. در حکومت آرمانی اسلام و مدینه فاضله ای که در بالاترین مرحله خود در زمان ظهور ولی عصر - ارواحنا فداه - پدید خواهد آمد، کشاورزی رونق می یابد و زمین سرسبز و خرم میگردد.

برطبق گروهی از روایات، کشاورزی زمینه آبادانی کره زمین را فراهم می آورد و اگر به خوبی از آب و خاک و طبیعت استفاده شود فقر و فلاکت از جامعه رخت برخواهد بست.

سؤال ها

۱- یکی از روایات باب کشاورزی را بیان فرمایید؟

۲- از نگاه روایات، شغل پیامبران خدا چه بوده است، توضیح دهید؟

۳- حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم - در پاسخ به این پرسش که کدام مال بهتر است، چه پاسخی فرمود؟

درس سیزدهم

چگونگی نگه داری دانه ها

«وقال تزرعون سبع سنين دأبا فما حصدتم فذروه في سنبله إلا قليلا مما تأكلونه»

«یوسف گفت هفت سال پیای مثل همیشه کشت و زرع کنید و آن چه درو میکنید با خوشه اش کنار بگذارید مگر اندکی که از آن می خورید.»

بی گمان کشاورزی مراحل دارد که همه آنها باید به درستی انجام شود: کاشت، داشت و برداشت. پیش از کاشت می بایست زمینه آن در زمین فراهم آید؛ آن گاه پاشیدن بذر و کاشت به گونه ای درست انجام شود؛ آبیاری و حفاظت از زراعت در برابر آفات، سم پاشی و کوددهی نیز به این مرحله مربوط است. برداشت و درو نیز اگر با روش های بهتری انجام شود از هدر دهی بخشی از محصول جلوگیری می شود و پس از آن نوبت به مرحله انباشت محصولات و ذخیره آن برای زمستان و یا سالیان آینده می رسد که این نیز به سهم خود اهمیتی ویژه دارد.

یکی از نکات بسیار مهم و علمی که از این آیه شریفه استنتاج می گردد، بحث رفتار منظم طبیعت به صورت دوره ای و نظم آماری وقوع پدیده ها است که حضرت یوسف - علیه السلام - به آن اشاره دارد. یعنی از سال های پر باران و آب سالیها غره نشوید و در حد توان تولید یا آب ذخیره کنید که قانونمندی طبیعت بروز دوره های خشکسالی می باشد.

برخی پژوهشگران بر این باورند که ذخیره گندم با خوشه و ساقه از بهترین شیوه های انبار گندم است؛ چه در این صورت تا سالیان دراز محصول سالم مانده، از رطوبت طبیعی آن بسیار کم کاسته شده و خواص و فواید آن همچنان باقی می ماند.

آقای دکتر عبدالمنعم فهیم الهادی و خانم دکتر دنیا محسن برکت - استادان دانشگاه زقازیق مصر - در این باره تحقیقی ارائه داده اند که در بخشی از آن آمده است:

«... خداوند در آیه شریفه «فما حصدتم فذروه في سنبله» روشن ساخت که دانه ها و غلاتی از قبیل جو و گندم اگر در خوشه های خود نگهداری شوند سالیان دراز سالم باقی می مانند؛ زیرا خوشه ها مانع ورود هوا به درون خود می شوند و دانه ها را از فاسد شدن و راه یافتن سوسک و شپشه بدان حفظ میکنند و نیز نمی گذارند رطوبت و حرارت بدانها راه یابد. گفته شده در سرزمین مصر در روزگار یوسف - علی نبینا و آله و علیه السلام - غلات دو سال بیشتر باقی نمی ماند و خداوند از طریق یوسف به آنان آموخت که با این شیوه می توان غلات را تا ۱۵ سال نگهداری کرد. بی گمان در آن روزگار میان آدمیان کسی نبود که این حقیقت علمی را بشناسد...»

این دو دانشمند معاصر اشاره کرده اند که این سخن را از فخر رازی گرفته اند. در میان مفسران شیعه نیز جناب شیخ طوسی (م ۴۶۰ ق) در باره این نکته نوشته است:

«گفته شده است یوسف از آن روی به آنان فرمان داد تا غلات را در خوشه نگهداری کرده و از این روش انبارش بهره برند؛ چه آن که سوسک و شپشه در سنبل نمی افتد و دانه ها فاسد نمی شود، گرچه مدتها بر آن بگذرد. اما اگر دانه ها پاک شود و آنها را از خوشه ها در آورند به سرعت فاسد می شود.»

پس از وی، علامه طبرسی در تفسیر مجمع البیان آن را گزارش کرد و سخن وی به عنوان منبعی برای مفسران بعدی در آمد.

خداوند شکافنده دانه ها و بر آورنده بوته ها

| تولید محصولات کشاورزی کار آسانی نیست. زمین باید آماده شود، کشاورزان بذر بپاشند؛ دانه ها دل خاک را بشکافند و از زمین سربرآورند؛ رشد کرده و ببالند و در برابر آفتها مقاومت کنند؛ با عوامل محیطی هماهنگ شوند و در پی این همه، قد برافرازند و سبزی و طراوت را برای حیوانات و آدمیان به ارمغان آورند، و غنچه ها، شکوفه ها و گل ها بر تارک شاخسارشان بنشینند.

به فرجام رسیدن این مراحل، اسباب و زمینه های گوناگونی می طلبد. در این میان سهم کشاورزان چیست و آنان چه جایگاهی در طی این مراحل دارند؟ در پاسخ به این پرسش باید گفت کشاورزان تنها بذر می پاشند و گاه زمین را شیار کرده و خاکها را زیر و رو می کنند و در زمان های معینی زمین را آب و گاه کودمی دهند و دیگر هیچ.

از نگاه قرآن این قدرت لایزال الهی است که اجزای پیکره شکوهمند طبیعت را به گونه ای هماهنگ فرموده که دانه ها خاکها را بشکافند و از دل زمین سر برآورند.

«أفرأیتم ما تحرثون أنتم تزرعونه أم نحن الزارعون»

آیا دیدید آن چه را کشت میکنید آیا شما آن را رویانیدید یا ما رویاننده ایم؟»

در واقع، این خداوند است که رویانیدن و به ثمر نشستن بوته ها را سامان داده و به پایان می برد. آدمیان تنها میکارند و آبیاری می کنند و در حراست از آن به طور محدود می کوشند. به دیگر سخن، زراعت از آن خداست و کاشت، کار بندگان این حقیقت در روایت این گونه آمده است:

«لا یقولن أحدکم زرع و لیقل حرث فإن الزارع هو الله.»

«کسی از شما نگوید که کشاورزی کردم، بلکه باید بگوید کاشتم رویانیدن گیاهان و کشاورزی فقط کار خداوند است.»

آیه های پرشمار دیگری از قرآن این واقعیت را بیان داشته و بارش باران، رویش درختان و ... را به خداوند نسبت داده است. هرگاه آدمی با ذهنی به دور از تعصب و فطرتی سالم و نیالوده در شگفتیهای روییدن گیاهان و هماهنگی حیرت آوری که طبیعت در این باره دارد، بیندیشد به روشنی خواهد فهمید که روییدن گیاهان مقدماتی دارد و امکاناتی می طلبد که فراهم آوردن آنها بسیار فراتر از قدرت آدمیان است و نیز به نشانه هایی از هستی و قدرت خداوند دست خواهد یافت.

دانه ها و هسته ها بی حرکت و بی جانند، اما آن گاه که در دل خاک قرار گیرند، زنده و شکافته می شوند و از این موجود بی جان ریشه های پرتحرک پدید آمده در عمق زمین نفوذ می کند. نیز ساقه ها از آنها به وجود آمده و به سمت آسمان حرکت و رشد می کنند.

در این باره و در توضیح آیه ۹۵ سوره انعام در کتاب دنیای گیاهان در قرآن چنین آمده است:

«... خداوند متعال در این آیه شریفه خردمندان و صاحبان نظریه های سالم و پاک را مخاطب قرار داده و بدانان خبر می دهد که تنها اوست که می تواند دانه ها و هسته ها را بشکافد و چیزی را از نقیضش بیافریند. از این روی برخی مفسران بخش دوم آیه را «ویخرج الحی من المیت» تفسیر کننده بخش اول آن «وفالقی الحب و النوی» می دانند؛ یعنی، بخش دوم آیه (خداوند زنده را از مرده بیرون می آورد) به آدمیان تنبه میدهد که پدید آوردن گیاهی زنده، پویا و با نشاط از دانه ای ساکن، مرده و راکد در واقع از مرده زنده ساختن است و از سکون و رکود، پویایی و تحرک آفریدن. امام فخر رازی در تفسیر این آیه شریف بیانی دل انگیز و لطیف دارد؛ او نوشته است:

«... آن گاه که دانه یا هسته در زمین نمناک جای گیرد و زمانی معین بر آن بگذرد خداوند شکافی در سمت بالای آن پدید می آورد و شکافی در طرف پایین آن. از شکاف نخست ساقه بر می آید و به جانب بالا سر میکشد و از شکاف دوم ریشه ها پدید می آید و به طرف عمق زمین فرو می رود و این صحنه شگفتی هایی دارد؛ یکی آن که خاک درونی زمین سخت است و نفوذ در آن دشوار و گاه به گونه ای است که کارد آهنی نیز در آن فرو نمی رود و با این حال ریشه های بسیار نازک، لطیف و نرم به طوری که اگر آنها را میان دو انگشت بفشاریم آب می شود. از میان این خاک های سخت میگذرند و در اعماق آن ریشه می دوانند و این جز با تقدیر الهی امکان پذیر نیست.»

از همین روی خداوند در ذیل این آیه انکار پروردگار را قبیح و بی شرمانه دانسته و فرموده است:

«وذلك الله فأنى تؤفكون»

«چنین است خدای شما، چگونه به بیراهه می روید؟»

جنبه نمادین کشاورزی در قرآن

در قرآن کریم برای تبیین مطالب مختلف، گاه از مفاهیم مرتبط به کشاورزی به صورت تمثیل استفاده شده است. برای آشنایی خوانندگان ارجمند، برخی از آنها را یادآور می شویم.

«محمد رسول الله والذین معه اشداء علی الکفار رحماء بینهم تراهم رکعا سجدا یتبتون فضلا من الله و رضوانه سیماهم فی وجوههم من أثر السجود ذلک مثلهم فی التوراة و مثلهم فی الإنجیل کزرع أخرج شطه فزره فاستغلظ فاستوی علی سوجه یعجب الزراع لیغیظ بهم الکفار وعدالله الذین آمنوا و عملوا الصالحات منهم مغفرة و أجرأ عظیما»

«محمد - صلی الله علیه و آله و سلم - پیامبر الهی است و کسانی که با او هستند بر کافران سختگیر و با خودشان مهربانند؛ آنان را راکع و ساجد بینی که در طلب بخشش و خشنودی خداوندند؛ نشانه آنان در چهره هایشان از اثر سجود (آشکار) است؛ و این است توصیف آنان در تورات، و توصیف آنان در انجیل*، همانند نهالی است که جوانه اش را برآورد، و آن را مایه دهد تا ستر گردد و بر ساقه هایش بایستد، و کشاورزان را شاد و شگفت زده سازد، تا از دیدن ایشان کافران را به خشم آورد؛ خداوند به کسانی از ایشان که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند، آمرزش و پاداشی بزرگ وعده داده است.»

«واضرب لهم مثلا رجلین جعلنا لأحدهما جتین من أعناب و حففناهما بنخل وجعلنا بینهما زرعا»

«و برای آنان مثلی بزن از دو مرد که به یکی از آنان در تاکستان داده بودیم، و پیرامون آن را درخت خرما و در میانه آنها کشتزاری قرار داده بودیم.»

«ومثل الذین ینفقون فی سبیل الله کمثل حبه انبتت سبع سنابل فی کل سنبله ماء حبه والله یضاعف لمن یشاء و الله واسع علیم» (۳)

«داستان کسانی که اموالشان را در راه خدا می بخشند همچون دانه ای است که هفت خوشه می رویاند و در هر خوشه ای یکصد دانه، و خداوند برای هر کس که بخواهد پاداش را چند برابر می کند و خداوند گشایش گر داناست.»

«و البلد الطیب یرج نباته یأذن ربه والذی خبت لا یرج إلا نکدا کذلک نصر فی الآیات لقوم یشکرون»

«و زمین پاک گیاهش به اذن پروردگارش می روید و آن چه پلید است جز [حاصلی] ناچیز بر نیاورد، بدین سان آیات خود را برای سپاسگزاران، گونه گون بیان می داریم.»

« و إنما مثل الحياة الدنيا كماء أنزلناه من السماء فاختلط به نبات الأرض مما يأكل الناس و الأنعام حتى اذا أخذت الأرض زخرفها و ازينت و ظن أهلها أنهم قادرون عليها أتاها أمرنا ليلا أو نهارا فجعلناها حصيدا كأن لم تغن بالأمس كذلك نفصل الآيات لقوم يتفكرون»

«در حقیقت زندگی دنیا، در مثل، به آبی می ماند که از آسمان فرو فرستادیم تا به آن انواع گوناگون گیاهان که آدمیان و حیوانات از آن تغذیه میکنند درآمیزد و بروید تا آن گاه که زمین سرسبز و خرم و آراسته گردد و اهل زمین پندارند که بر آن قادرند. ناگهان فرمان ما شب یا روز در رسد و آن همه زیور زمین را درو کند و چنان خشک کند که گویی دیروز در آن هیچ نبوده، این گونه خدا، آیاتش را روشن برای اهل اندیشه بیان می دارد.».

آیات یاد شده نمونه هایی است از تمثیل های قرآنی درباره کشاورزی در این درس به عنوان نمونه برای آشنایی خوانندگان به توضیح یکی از این آیات (اولین آیه) بسنده میشود.

پیامبر خدا، محمد مصطفی - صلوات الله علیه . در آغاز بعثت با انبوهی از مشکلات و گردن فرازی ملحدان و سرکردگان بت پرستی و کارشکنی کافران مواجه بود؛ بدین سان حضرت و یاورانش در آغاز ضعیف می نمودند. پیامبر اسلام فریاد «قولوا لا إله الا الله تفلحوا» سر داد و بذر اسلام را در دل های مردان و زنان حق طلب کاشت، و در آشکار و نهان بر پایه فرامین خدای سبحان به تبلیغ اسلام پرداخت. به تدریج او و یارانش قوت یافتند و توانستند چنان محکم و استوار، روی پای خود بایستند که دلهای دشمنان کافر، سرشار از خشم و غضب گردید.

قرآن این حقیقت را با مثلی لطیف و زیبا باز میگوید. برپایه این مثل، پیامبر و یارانش مانند دانه کاشته ای بودند که در آغاز بسی ضعیف و ناچیز می نمودند. این دانه، خاکها را می شکافد و از دل زمین سر بر آورده و جوانه می زند و شاخه های خرد و کوچک از اطراف آن می روید و همواره به گیاه مدد می رساند و بدین سان به درختی پرشاخ و برگ، ستبر و استوار تبدیل می شود که روی پای خود می ایستد و در برابر طوفانها سرفرازانه و راست قامت قدعلم می کند و خم به ابرو نمی آورد و شکوه و ستبری آن بیننده را به شگفتی و فروتنی وا میدارد.

بی گمان این آیه شریف در پی تبیین چگونگی قدرتمندی و به شکوه و عزت دست یافتن پیامبر و یاران اوست؛ شکوه، عزت و قوتی که در کافران خشم و غضب می آفرید و بیننده را به شگفتی وا می داشت.

اما از تمثیل آن حضرت و یاورانش به جوانه ای که شاخه هایی ظریف در اطراف خود پدید آورده استفاده میشود که پدید آوردن شاخه های ظریف و کوچک، رشد و بالندگی آنها، یاری رسانی آنها به گیاه و یا گیاه به آنها و ستبر شدن و توانمند گشتن و بالاخره باقامتی راست و شکوهمند روی پای خود ایستادن چنان عظمتی دارد که در کشاورزان و بینندگان شگفتی و حیرت می آفریند؛ همانند عظمتی که رسول خدا و یاران او یافتند که موجب حیرت جهانیان شد.

در روایات نیز از این گونه تمثیلهای ویژه در سخنان مولا علی - علیه السلام - در نهج البلاغه فراوان است. این آیات و روایات گرچه از مفاهیم و مسائل کشاورزی به عنوان تمثیل استفاده کرده است با این حال نکته های سودمندی درباره کشاورزی دارد که بررسی آنها مجال فراختری می طلبد.

چکیده

در این درس با سه نکته قرآنی درباره کشاورزی آشنا شدید: نخست آن که یوسف صدیق به مصریان آموخت که چگونه دانه ها و ظاهرا گندم را انبارش کنند. یوسف - علی نبینا و آله و علیه السلام - بدانان گفت دانه ها را با خوشه های خود در انبارها نگه دارند؛ دوم آن که بر پایه آیات و روایات، کشاورزی در گرو امکانات و مقدماتی است که فراتر از توان و دانش بشری است و

خداوند همه آنها را به گونه‌های سامان یافته و منظم در طبیعت به ودیعت نهاده است؛ از این روی کشاورزی کار خدا است و انسانها تنها می‌کارند و محصولات را بر می‌دارند و اندکی هم در داشت مؤثرند، سوم: آن که در قرآن برای تفهیم مطالب مختلف از کشاورزی به عنوان تمثیل استفاده شده است.

در یکی از این مثالها پیامبر خدا و یارانش به نهالی نارس تشبیه شدند که در آغاز بسی ضعیف و ناتوان می‌نمودند، اما به تدریج رشد کرده، استوار و ستبر گشته و شاخه‌های درهم تنیده و ریشه‌های محکم یافتند که بینندگان و کافران را به شگفتی واداشت.

سؤال‌ها

- ۱- از توصیه‌های حضرت یوسف علیه السلام - چه برداشت علمی می‌توان داشت؟
- ۲- چرا کشاورز واقعی خداوند است و انسان در واقع نقش اندکی در رویش گیاهان دارد؟
- ۳- یک آیه یا یک نمونه از تمثیل‌های قرآنی را درباره کشاورزی بنویسید؟

درس چهاردهم

آبیاری

شاید تصور شود که در روزگار ما که عصر سفر به فضا، شکوفایی و بالندگی صنعت و انفجار اطلاعات و مقوله هایی از این دست است، دیگر نباید درباره کمبود آب و تولید محصولات کشاورزی نگران بود.

اما حقیقت چیز دیگری است. کمبود آب و تقاضای زیاد در مقابل منابع محدود آن، آبیاری نامناسب زمین ها، از بین رفتن حاصلخیزی خاک و دیگر مسائل زیست محیطی و اقتصادی که پروژه های خرد و کلان آبیاری با آن مواجه هستند، این تردید را که در آینده غذای کافی برای جمعیت رو به رشد جهان تولید گردد، دامن می زند.

بررسی مستقیم نقش آب در تولیدات غذایی موضوع را بهتر روشن میکند.

دو سوم آب تمام رودخانه ها، دریاچه ها، جویبارها و آبخوانهای زیرزمینی دنیا به مصرف کشاورزی می رسد. بنابراین بالا بردن راندمان آبیاری می تواند دنیا را به سمت بهره برداری پایدار از منابع آبی سوق دهد.

صرفه جویی آب در کشاورزی می تواند مقدار زیادی آب در اختیار ما قرار دهد بدون آن که منابع جدید تخریب شود.

اگر مصرف آب در آبیاری را فقط ۱۰ درصد کاهش دهیم با مقدار آبی که صرفه جویی می شود خواهیم توانست مصرف شرب جمعیتی تا دو برابر جمعیت کنونی جهان را تأمین کنیم.

جالب توجه است که بدانیم اکثر کشاورزان در سرتاسر دنیا به همان شیوه های آبیاری میکنند که اجداد ما ۵۰۰۰ سال قبل انجام میدادند. مقادیر زیادی آب در هنگام انتقال و توزیع آب میان کشاورزان و یا در هنگام آبیاری تلف میشود. به طوری که راندمان آبیاری در سطح دنیا به طور متوسط کمتر از ۴۰ درصد است. این بدان معنی است که از مقدار آبی که به کشاورزی اختصاص داده میشود بهره برداری زیادی صورت نمی گیرد. صرفه جویی آب در کشاورزی از این جهت حایز اهمیت است که سهم مصرف آب در کشاورزی نسبت به مصارف صنعتی و شرب بسیار زیادتر است.

فضیلت آبیاری در روایات

در اهمیت آبیاری و سهم مؤثری که در رونق اقتصاد، تأمین غذای مردم و سرسبزی، خرمی و آبادانی سرزمین ها دارد تردیدی نیست. در روایات رسیده از معصومان - علیهم السلام - و گزارش های تاریخی از سیره آنان مطالب راهگشا و سودمندی وجود دارد که در این درس به برخی از آنها به عنوان نمونه اشاره میشود. اسماعیل بن جابر چنین روایت کرده است:

«خدمت امام صادق - علیه السلام - رسیدم و او در باغ خودش مشغول کار بود و بیلی در دست داشت و راه آب را میگذرد».

در روایتی دیگر امام صادق - علیه السلام - درباره امیر مؤمنان - علیه السلام - چنین می فرماید: «حضرت امیر مؤمنان علیه السلام - پیوسته هیزم فراهم می کرد و آبیاری می نمود و در نظافت منزل کمک می کرد ...».

درباره آبیاری آن حضرت در نخلستانها و از چاهها و چشمه هایی که خود - پدید آورده بود، روایات متعددی رسیده است.

از سوی دیگر گیاهان موجوداتی زنده اند و نوشاندن آب به موجودی زنده عملی است الهی و دارای پاداش بسیار. بلکه همان گونه که خواهد آمد تکلیفی است که خداوند بر دوش آدمیان نهاده است.

بر پایه روایات، دادن یک لیوان آب به دست یک نفر که آن را بباشد ثواب بسیار بزرگی دارد. هم از این رو مسلمانان همیشه آب دادن به مردم را نوعی عبادت به حساب می آورند و در انجام آن بر یکدیگر پیشی میگیرند و برای به دست آوردن چنین ثوابی ظرفها و آب سرد کن های مختلف و به خصوص سقاخانه های زیادی را در کوچه ها و خیابانها قرار میدهند تا به اجر معنوی آب دادن به مردم دست یابند. از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم - چنین نقل شده است:

«هرکس ظرف آبی به یک مؤمن بدهد، اگر آن مؤمن خود می توانسته است آب به دست آورد، ثواب هفتاد هزار حسنه دارد، و اگر آن مؤمن نمی توانسته است آب تهیه کند، ثواب آزاد کردن ده برده از فرزندان اسماعیل برای اوست.» (۳)

در کشتارگاه های دام و طیور نیز یکی از مهم ترین مسائلی که برای مسلمانان مطرح است آن که مستحب است حیوان در شرف ذبح را آب دهند. گیاهان نیز همانند حیوانات و انسانها در زمره موجودات زنده قرار دارند. از این رو سیراب ساختن یک گیاه و آبیاری آن، به دادن آب به یک انسان تشنه می ماند. در روایتی از پیامبر خدا در این باره چنین نقل شده است:

«هر کس درخت خرما یا درخت سدري را آبیاری کند مانند آن است که انسان مؤمنی را از تشنگی رهانیده و سیراب ساخته است.»

در این گهر گفته، آبیاری یک درخت - که بسیار بعید است این حکم مخصوص درخت خرما و سدر باشد. به آب دادن به انسان مؤمن و تشنه های تشبیه شده است.

واقعیت نیز همین است؛ چه این که کاشتن درختان و پدید آوردن باغها و بوستان ها در واقع خرمی و سرسبزی را در زمین پدید می آورد که مهمترین نتیجه آن سلامت و حیات حیوانات و آدمیان است.

وجوب آبیاری درختان

گروهی از فقهای بزرگ، آبیاری درختان و حفاظت از باغ ها و مزرعه ها را از خشکیدن، الزامی دانسته اند. فاضل هندی از فقیهان برجسته شیعه آن را واجب دانسته است و شهید ثانی در این باره چنین نوشته است:

«درباره این که آیا آبیاری مزرعه ها و درختان و نگهداری آنها در صورت امکان واجب است، میان فقها دو نظر وجود دارد؛ نظر مشهورتر آن است که آبیاری واجب نیست.»

از این عبارت به روشنی استفاده میشود که نظریه وجوب آبیاری درختان و مزرعه ها در صورت امکان، میان فقها مشهور است.

بلکه جناب علامه حلی - قدس سره - نوشته است: صاحبان درخت را باید حکومت مجبور کند درختان و مزارع خود را آبیاری کنند. برخی از فقیهان معاصر نیز آبیاری درختان و گیاهان را در صورت امکان واجب میدانند. (۴)

احکام فقهی آبیاری

اهمیت مسأله آبیاری را در احکام فقهی آن نیز می توان مشاهده کرد. روایات متعددی درباره احکام مالکانی که آبیاری مزرعه ها و باغ های خود را به دیگران وا میگذارند وارد و ابعاد مختلف حقوقی آن در بابی با عنوان «مساقات» بررسی شده و فقهای اسلام این احکام را به طور مشروح بحث کرده اند.

روایات و احکام فقهی مربوط به آبیاری، به اضافه احکام فقهی و روایات مرتبط به مالکیت زمین، احیاء زمین های بایر، مالکیت آبها، حریم رودها، چاهها و چشمه ها و مسائلی از این دست سبب شد مسلمانان در صدر اسلام به مسائل فقهی کشاورزی و حقوق کشاورزان و مالکان و ... بسیار اهمیت دهند و در نتیجه زمینه برای پیشرفت و توسعه آبیاری و کشاورزی فراهم آید.

در بسیاری از جوامع سنتی، کشاورزان از شخصیت اجتماعی مطلوب برخوردار نیستند؛ یعنی شغل آنان منزلت و مرتبه ای ندارد؛ از این رو مشکلات و مسائل آنان جدی گرفته نمی شود.

رفع مشکل آبیاری در ایران اسلامی به پروژه های مؤثر و سودمندی چون سدسازی و مهار آب های سطحی و غیرسطحی وابسته است. چنان که رفع مشکل مالکیت و تقسیم آبها، مالکیت زمین و مسائل مربوط به یکپارچه سازی مزارع نیز در گرو اقدامات حقوقی و فرهنگی است.

آبیاری در تمدن اسلامی

مسلمانان با تکیه بر آیات قرآن و با بهره وری از دانش معصومان - علیهم السلام - و تجربه و دانش بشری، در برهه ای خاص، تمدن عظیمی پدید آوردند. این تمدن به ویژه در بخش کشاورزی به سرعت بالنده و شکوفاگشت. آبیاری نیز در زمره موضوعاتی بود که در تمدن اسلامی موقعیتی ویژه داشت.

دکتر عواد مجید اعظمی در این باره چنین می نویسد:

«دانشمندان مسلمان و جوامع اسلامی به قدری به آبیاری و مسائل مرتبط به آن اهمیت می دادند که برای نظام آبیاری در میان مسلمانان قوانین ویژه و مخصوص به خود، وضع گردید. به طوری که آنان یک قاعده شرعی و دینی را زیربنا قرار دادند که براساس آن نمی توان آب را خرید و فروش کرد. ... بر همین اساس دولت و مردم هیچ کدام حق نداشتند از طریق آبیاری [خرید و فروش آب] کسب و تجارت کنند. بلکه علاوه بر آن، دولت وظیفه حراست و حفاظت از رودخانه ها، سدها و منابع آبی را به عهده داشت و جهت انجام این کار گروهی از مهندسان را گمارده بود، به گونه ای که در شهر "مرو" خراسان دیوانی را به نام دیوان آب به وجود آورده بودند که هزاران کارگر تحت پوشش این دیوان مشغول به کار بود و مقام سرپرستی دیوان مذکور را بالاترین مقام شهر، به عهده داشت.»

آبیاری نزد مسلمانان به قدری اهمیت داشت که مسؤولان بلندپایه دستگاه خلافت، علیرغم مشاغل مهم سیاسی و اجتماعی خود، شخصا به مسائل مرتبط به آبیاری اهتمام میورزیدند و هدایت پروژه های بزرگ آبرسانی و زهکشی گواه روشنی بر این ادعاست.

مسلمانان با بهره وری از دانش و تکنیک ایرانیان و مصریان در آبیاری و چگونگی بهره وری از آب، برای زیر کشت بردن زمین های زراعی، به نظام منسجم و حساب شده ای دست یافتند. اصطخری در این باره چنین می نویسد:

«مرداب ها براساس نظام فنی و دقیق بازسازی شد، کانال ها و انشعابهای آب رودخانه های بزرگ به فرعی ها تقسیم گردید تا این

بخش ها (دجله و فرات) به یک منطقه آباد و نهرهای بزرگ مبدل گشت.»

دانشمندان مسلمان این تجربه ها را تدوین کرده و آنها را در قالب مجموعه های علمی فراروی شیفتگان و دانش پژوهان آبیاری و کشاورزی نهادند که به عنوان نمونه می توان از «الفلاحة النبطية» ابن وحشیه و «انباط المیاه الخفیه» کرجی نام برد.

در این زمینه توجه شما را به بخش هایی از کتاب «نوآوری های کشاورزی در قرون اولیه اسلام» نوشته پروفیسور «اندرو. ام. واتسون» استاد تاریخ اقتصاد دانشگاه تورنتوی کانادا جلب میکنیم که در این زمینه، منصفانه قلم زده و جالب آن که این سخنان از خامه کسی تراوش کرده که می توان او را نماینده جهان غرب دانست:

«مطمئننا در سرزمین هایی که به دست عربها [منظور عربهای مسلمان است] فتح شد و در خود شبه جزیره عربستان، مردم با کشاورزی فاریاب آبی آشنایی دیرینه ای داشتند. برای نمونه در یمن، حضر موت، مصر، کشورهای ساحل شرقی مدیترانه، بین النهرین، ایران، قسمت های محدودی از ماوراء النهر، شمال آفریقا و اسپانیا، زراعت آبی را آزموده بودند و تجهیزات پیشرفته آبیاری تقریباً در همه این مناطق از سابقه طولانی برخوردار بود ... به طور خلاصه، عربها [مسلمانان] با فتح سرزمین های جدید، وارث سیستم های آبیاری ای شدند که تقریباً در همه جا اگر نابود نشده بود، در شرف اضمحلال بود ... کشاورزی در قلمرو اولیه اسلام، در اوج پیشرفت، با منابع و تکنولوژی آن زمان هر آنچه را امکان داشت به فعلیت رسانید. سرانجام به جز زمین هایی که در قلمرو شهرها بود، همه زمین ها و آب های قابل استفاده تا آخرین حد ظرفیت، مورد بهره برداری قرار گرفتند. مناطق مسکونی روستایی در بسیاری از مناطق تحت پوشش کشاورزی سنتی، بسیار متراکم شد و مرزهای مناطق زراعی به عقب، یعنی به نواحی جدیدی کشیده شد. ... آنچه مسلم است نقش مسلمانان در توسعه و گسترش کشاورزی و گسترش و توسعه همگام آبیاری همانند نقش آنان در سایر علوم، غیرقابل انکار است. تنوع آب و هوایی قلمرو اسلام، نوع مالکیت زمین، ارتباطات تجاری مسلمانان، عدم حمایت از فئودالیسم و بهره برداری از زمین براساس کار انجام شده بر روی آن و تشویق احیای اراضی بایر، از عوامل مؤثر بر توسعه کشاورزی آن زمان محسوب است.

این شکوفایی، مرهون اندیشه های بارور اقشار مختلف مردم از جمله دانشمندان، طبقات عادی مردم و دولت مردان بوده و بدون تردید

چنین موفقیت هایی جز در سایه توجه خاص به کلیه جنبه های فنی، اقتصادی و اجتماعی مربوطه، میسر نبود ... نتیجه غایی فعالیت دراز مدت دنیای اسلام، تجلی بخش قسمت بزرگی از چهره مادی و معنوی تمدنی بود که در میان عناصری اساساً قدیمی، نمودی از تازگی و تجدد داشت.»

شیوه های آبیاری در تمدن اسلامی

مسلمانان از شیوه ها و روشهای مختلف و متنوعی برای آبیاری بهره می بردند که بررسی این موضوع، تحقیقی مستقل و گسترده می طلبد. در این باره تنها به این نکته اشاره می شود که در پاره ای از این روش ها؛ از قبیل آبیاری قطره ای (۳) نهایت استفاده از آنها می شد و در پی بهره گیری از این روشها بود که مسلمانان توانستند نهضت سبز را حتی در مناطق کم آب و بسیار کم آب بگسترانند.

چکیده

از آن جا که بیش از نود درصد از آنها در بخش کشاورزی و از طریق آبیاری مصرف می شود بهینه سازی آن در صرفه جویی در آب و توسعه بخش کشاورزی و تولید مواد غذایی بسیار مؤثر است.

بر طبق روایات امامان معصوم علیهم السلام - آبیاری از فضیلت و ارزش خاصی برخوردار است و مسلمانان در پرتو همین سخنان بود که به ایجاد تمدنی عظیم در باب آبیاری و کشاورزی دست یازیدند و بخش عظیمی از این تمدن در گرو حل مشکلات حقوقی، فقهی و فرهنگی و آگاه سازی مردم از این مسائل بود.

مسلمانان درباره آبیاری کتابهای ارزنده ای تدوین کرده اند و روشهای مختلفی را به کار می بستند که به عنوان نمونه می توان از آبیاری قطره ای یاد کرد.

سؤال ها

- ۱- اهمیت آبیاری را به طور خلاصه توضیح دهید.
- ۲- از سخنان معصومان درباره فضیلت آبیاری چه مطلبی به دست می آید؟
- ۳- یکی از عوامل مهم موفقیت مسلمانان در آبیاری را توضیح دهید.

درس پانزدهم

ماهی از دیدگاه قرآن و روایات

همه ما با ماهی و بسیاری از انواع آن آشنایی داریم. ماهیان یکی از منابع مهم تأمین پروتئین حیوانی به شمار می آیند. عرب از ماهی به «مک» تعبیر می کند. قرآن از این موجود تحت عناوین «نون»، «حوت» و «حیتان» یاد کرده است.

اهمیت غذایی ماهیان

افزایش بی رویه جمعیت و نیازمندیهای کلان تغذیه آنها، اهمیت تأمین مواد غذایی و نقش سرنوشت ساز آن در استقلال، سلامت، پویندگی و پایداری ملت‌ها و جوامع و مصرف نامتعادل آن در سطح جهان نظر دست اندرکاران و برنامه ریزان ممالک گوناگون را به خود معطوف داشته است.

بر طبق برآورد کارشناسان، هر فرد جهت تأمین مقدار متعادل غذای روزانه خود به ۱۰ گرم پروتئین حیوانات دریایی نیاز دارد. با توجه به جمعیت جهان، صید و استحصال ماهی و سایر حیوانات آبی سالانه باید به ۲۴۰ میلیون تن برسد. این مسأله نیاز مبرم به توسعه همه جانبه پرورش ماهی و سایر آبزیان در آبهای دریایی و آبهای داخلی را افزون می کند.

دریاها و رودخانه های بزرگ و کوچک بستر بسیار مناسبی جهت تأمین مواد غذایی است و امروزه برخی از ملت‌ها برای تأمین مواد غذایی خود به دریا متکی هستند.

کارشناسان امور غذایی باور دارند که گوشت ماهی و دیگر آبزیان در ردیف بهترین منابع غذایی انسان بوده و از گوشت قرمز غنی تر است. پروتئین حاصل از مصرف آبزیان از نظر اسید آمینه های لازم غنی بوده و روغن موجود در آنها به سبب داشتن باندهای دو گانه و سه گانه در اسیدهای چرب آن نقش مهمی در جلوگیری از انسداد عروق دارد.

ماهیان حدود ۲۰ درصد از مجموع پروتئین حیوانی مورد احتیاج بشر را تأمین می کنند. هر صد گرم گوشت ماهی ۱۸ درصد پروتئین دارد که در میان انواع پروتئینها مقام اول را داراست.

یادکرد ماهی در قرآن

در قرآن از دریاها، آبزیان و منافع حیاتی آنها در زندگی انسان و نقش مهم آنها در تحکیم باورهای دینی و توحیدی فراوان سخن گفته شده است. برای نمونه در یکی از این آیات به تأمل می نشینیم.

«و هو الذی سخر البحر لتأکلوا منه لحما طریا و تستخرجوا منه حلیةً تلبسونها و تری الفلک مواخر فیه ولتبتغوا من فضله و لعلکم تشکرون»

«و او کسی است که دریا را مسخر و رام گردانید تا از آن گوشت تازه بخورید، و پیرایه ای که آن را می پوشید از آن بیرون آورید و کشتی ها را در آن شکافنده (آب) می بینی، تا از فضل او بجوید و باشد که شما شکر گزار باشید.»

از آیه فوق نکات بسیار جالبی استفاده میشود

۱- خداوند دریا را با این که پرتلاطم و مواج است و همه چیز را در خود فرو می برد برای انسان رام کرد که بتواند از نعمت های آن استفاده کند و علاوه بر استحکام باور توحیدی خود به شکرگزاری بپردازد. در آیات قبل نشانه های خداشناسی را در خشکی و کوهها بیان کرد و در این آیه از نعمت دریاها . علاوه بر نعمت خشکی - سخن به میان آورده است.

۲- امکان استفاده از ماهیان و مرغان دریایی، و به دست آوردن صدف و مروارید آن برای زینت و آراستگی انسان و پوشاک وی مباح و فراهم است. بشر می تواند در دریاها به غواصی بپردازد و از دریا اشیاء قیمتی و زینتی استخراج کند و از آبزیان و گیاهان دریایی جهت زینت و دارو استفاده نماید. از این رو در فقه از خمس غواصی سخن به میان آمده است.

۳- گوشت ماهی بهتر است که به صورت تر و تازه مصرف شود. این نکته را آیه تحت وصف «طری» متذکر شده است. چنان که در آیه های دیگر به همین معنا آمده است. این که خداوند گوشت ماهی را مقید به وصف طری کرده یا به سبب آن است که اگر تازه خورده شود لذیذتر است و یا به سبب آن است که گوشت ماهی از گوشت های دیگر زودتر فاسد می شود، از این رو باید زودتر مورد استفاده قرار گیرد.

اهمیت طراوت در گوشت ماهی هنگامی آشکار میگردد که در گذشته از گوشت های مانده و خشک شده (قرمه) استفاده میکردند که فایده چندانی نداشت. لذا در روایات خوردن گوشت قدید و مانده را مکروه دانسته اند.

بشر با آن که پیشرفت زیادی کرده ولی امروزه گوشت را به صورت منجمد و کنسرو شده مصرف می کند، حال آن که صاحب نظران علوم تغذیه خوردن گوشت تازه را مناسب تر و مفیدتر میدانند؛ زیرا گوشت بعد از انجماد بخش زیادی از کیفیت و مواد غذایی خود را از دست میدهد.

۴- اگر همه ماهیان در آب شیرین به عمل می آمدند قدرت شگفت انگیز و بیکران خداوند آشکار نمیشد؛ زیرا از آب شور نیز ماهیانی پرورش می یابند که گوشت آنها در نهایت خوشمزگی است و در مقایسه با گوشت ماهیانی که در آب شیرین به عمل می آیند لذیذتر و پرفایده تر است. این نشانه قدرت آفریدگار جهان است که از شوری و تلخی آب؛ یعنی از اضداد، گوشت ماهی شیرین و لذیذ را پروریده است.

در آیات دیگر، گوشت ماهیان دریا برای انسان حلال شمرده شده است.

و در ۵ آیه کلمه حوت و حیطان آمده که در برخی اشاره به داستان حضرت یونس و در برخی اشاره به داستان موسی و خضر - علیهما السلام - دارد.

از این آیات، اهمیت غذایی ماهی استفاده میشود.

اهمیت استفاده از گوشت ماهی در روایات

علاوه بر آیات قرآن، روایات فراوانی مسلمانان را به استفاده از گوشت ماهی ترغیب نموده اند. این امر گویای توجه امامان و رهبران دینی به این منبع عظیم پروتئین حیوانی است. تعدادی از این روایات را مرور می کنیم.

ابراهیم بن عبدالحمید از موسی بن جعفر علیه السلام - چنین نقل کرده است:

«علیکم بالسّمک فانه أن أکلته بغير خبز أجزأك و إن أکلته خبز أمرؤک» (۳)

«بر شما باد خوردن گوشت ماهی؛ اگر بدون نان خوری تو را کفایت میکند (یک غذای کامل است) و اگر با نان خوری گواراست و سنگینی در معده ندارد و آسان دفع می شود.»

عبدالله بن جعفر حمیری میگوید:

«کتب بعض اصحابنا الی ابی محمد(ع) یشکو الیه دما و صفراء وقال: اذا أحجمت هاجت بی الصفراء واذا آخرت الحجامه أضر بی الدم فما تری فی ذلك؟ فکتب: إحتجم وکل علی اثر الحجامه سمکا طریا کبابا قال: فأعدت علیه المسأله فکتب إلی: إحتجم و گل علی اثر الحجامه سمکا طریه کبابا بماء و ملح، قال: قاستعملته فکنت فی عافیه و صار غذائی»

« یکی از یاران حضرت نسبت به بیماری خون و صفرا اظهار ناراحتی کرد و جهت مداوا نامه ای به وی نوشت و راه درمان را جویا شد. نوشت: اگر حجامت کنم صفرا در من به جوش می آید و اگر آن را به تأخیر اندازم، فشار خون آزارم می دهد. حضرت در پاسخ وی نوشت: حجامت کن و ماهی تازه به صورت کباب میل کن. آن شخص برای بار دوم برای حضرت مسأله را تشریح کرد و حضرت نوشت: بعد از حجامت ماهی کبابی را با نمک و آب تناول کن. گفت: چنین عمل کردم و سلامتی خود را بازیافتم و هنوز هم ماهی تازه کباب شده غذای من می باشد.»

«امام موسی بن جعفر فرمود: السمک الطری یذیب شحم العینین.»

«خوردن گوشت ماهی تازه موجب آب شدن چربی های چشم است (و از کوری جلوگیری میکند).»

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم - بعد از خوردن گوشت ماهی چنین دست به نیایش بر میداشت:

«اللهم بارک لنا فیه و ابدلنا خیرا منه»

«خدایا در این برای ما خیر و برکت قرار ده و بهتر از آن را روزی ما گردان.»

ذکر این نکته ضروری است که در برخی روایات از خوردن گوشت ماهی منع شده است. علت آن است که اگر مصرف ماهی به صورت همیشگی درآید دیگر نه تنها آن لذت اولیه را ندارد بلکه چه بسا تبدیل به بدمزه ترین و مضرترین غذاها گردد؛ از این رو در اسلام سفارش شده که غذاهای شما متنوع باشد؛ زیرا بدن انسان به همه گونه مواد غذایی نیاز دارد.

«قال امیرالمؤمنین (ع): لأ تدمنوا أکل السمک فانه یذیب الجسد.»

«همیشه و به صورت دایم از گوشت ماهی استفاده نکنید؛ زیرا خوردن همیشگی ماهی موجب آب شدن گوشت بدن می شود.»

چکیده

گوشت ماهی اهمیت اقتصادی و غذایی زیادی دارد و نقش مهمی در تأمین پروتئین مورد نیاز بدن ایفا می کند. گوشت ماهی از گوشت قرمز غنی تر و سالم تر بوده و از انواع ویتامین ها برخوردار است. در آیات زیادی از ماهی و گوشت لذیذ آن سخن به میان آمده است. گوشت ماهی باید به صورت تازه مصرف گردد و تا آن جا که ممکن است از مصرف منجمد آن در زمان طولانی خودداری شود. در روایات، فراوان به خوردن گوشت ماهیان سفارش شده است، ولی نباید در این کار افراط ورزید؛ چه آن که زیان های جبران ناپذیری در پی دارد.

سؤال ها

۱- اهمیت غذایی ماهیان در تأمین غذای انسان چه میزان است؟

۲- قرآن از ماهیان تحت چه عناوینی یاد کرده است؟

۳- یکی از روایاتی که به استفاده از گوشت ماهی ترغیب کرده است را بنویسید.

درس شانزدهم

ملاک حلیت و حرمت ماهیان از دیدگاه فقه اسلامی

از میان حیوانات دریایی، حیوانی حلال گوشت است که دو شرط داشته باشد: ۱- عنوان ماهی بر آن صادق باشد؛ ۲- دارای فلس باشد. (البته پرندگان دریایی نیز با شرایطی حلال گوشت هستند).

بی گمان ماهیان فلسدار حلال گوشتند و ما به دلایل آن اشاره میکنیم:

۱- اجماع و اتفاق فقیهان شیعه بر این است که اگر ماهی فلس داشته باشد حلال است.

شیخ صدوق (م ۳۸۱) می نویسد: ماهی ای که فلس دارد را بخور. شیخ طوسی (م ۴۶۰) می نویسد:

اما حیوانات دریا، خوردن چیزی از آن مباح نیست به جز ماهی مخصوصی که پولک دارد و از غیر آن باید دوری شود.»

سلار (م ۴۶۳) از فقیهان صدر اول می نویسد:

«ماهی دو قسم است: ۱- دارای پولک؛ ۲- بدون پولک، اولی حلال و دومی حرام است.»

قاضی ابن براج (م ۴۸۱) میگوید:

«شکار دریا سه قسم است و قسمی که خوردن آن در هر صورت حلال است عبارت است از ماهی ای که پولک داشته باشد.»

ابن حمزه (م ۵۸۰) نیز می گوید:

«ماهی دو قسم است: دارای پولک و بدون پولک. ماهی پولک دار اگر تذکیه شود حلال است.» (۳)

ابن زهره و ابن ادریس و محقق حلی و یحیی بن سعید حلی و علامه حلی نیز گفته اند: فقط ماهی پولک دار حلال است.

پس فقیهان شیعه در این مطلب که فقط ماهی فلس دار حلال است اتفاق نظر دارند و این اتفاق متصل به زمان امامان معصوم علیهم السلام - میگردد و می تواند دلیلی بر این حکم شرعی باشد. از فقیهان متأخر امام راحل-قدس سره- نیز می فرماید:

«تنها خوردن ماهیان دارای پولک جایز است؛ چه در تمام مدت عمر پولک دار باشند یا آن که مدتی دارای پولک بوده اما به سبب عوارضی از بین رفته باشد، مانند ماهی "کنعت" که در اطراف گوش هایش پولک دیده می شود. ولی خوردن ماهیانی که به هیچ وجه پولک نداشته باشند و به اصطلاح "املس" باشند حرام است.»

ولی از آن جا که در این مطلب روایات فراوانی داریم اجماع مدرکی می شود و دیگر دلیل مستقلی نیست، لذا باید آیات و روایات رسیده را بررسی کرد.

۲- برخی آیات دلالت بر حلیت ماهی پولک دار دارد :

«وقل لا اجد فی ما اوحی الی محرما علی طاعم یطعمه الا ان یکون میتة او دم مسفوحا او لحم خنزیر فانه رجس او فسقا أهل لغيرالله به»

«بگو در آن چه به من وحی شده است، برخوردارنده ای که آن را می خورد هیچ حرامی نمی یابم، مگر آن که مردار یا خون ریخته یا گوشت خوک باشد که اینها همه پلیدند، یا قربانی ای که از روی نافرمانی به هنگام ذبح نام غیر خدا بر آن برده شده باشد.»

«ویحل لهم الطيبات و يحرم عليهم الخبائث» (۳)

«چیزهای پاکیزه را بر ایشان حلال و پلیدی را بر آنان حرام میکند.»

این دو آیه به اطلاق دلالت دارد که ماهی پولک دار حلال گوشت است؛ زیرا مصداق میته و خون و خبائث و چیزهای پلید نیست. بلکه مصداق پاکیزه است و چون آیه درصدد بیان گوشتهای حرام و حلال است این نکته از آن استفاده می شود. روایاتی که ماهی بدون فلس را حرام کرده آیه را تخصیص میزند و در مورد ماهی پولک دار به اطلاق آیه تمسک میکنیم.

۳- اما روایاتی که سند و دلالت آنها تمام است بهترین دلیل بر حلیت گوشت ماهی پولک دار است:

«حماد بن عثمان، قال: قلت لابی عبدالله (ع) جعلت فداک الحیتان ما یوکل منها؟ قال: ما کان له قشر.»

«حماد از امام صادق - علیه السلام - می پرسد: از ماهی ها کدام حلال گوشت است؟ امام می فرماید: ماهی ای که پولک دارد.»

عن مسعدة بن صدقة عن ابي عبدالله(ع): ان امیر المؤمنین (ع) کان یرکب بغلة رسول الله ثم یمر بسوق الحیتان فیقول: لا تأکلوا ولا تتبعوا ما لم تکن له قشر»

«روش حضرت علی - علیه السلام - این بود که سوار بر مرکب پیامبر خدا می شد و به بازار ماهی فروشان می رفت و می فرمود: آگاه باشید از گوشت ماهی ای که پولک ندارد نه بخورید و نه آن را بفروشید.»

برشمردن «میگو» از خانواده ماهیان در روایات

در روایات به خوردن گوشت میگو و حلیت آن تصریح شده و ائمه علیهم السلام- آن را از خانواده ماهیان دانسته اند.

«عن عمر بن حنظله قال: حملت الربیثا یابسة فی صرة فدخلت علی ابي عبدالله فسألته عنها، فقال: کلها و قال: لها قشر.»

«عمر بن حنظله مقداری میگوی خشک را به همراه داشت و از امام صادق - علیه السلام - در خصوص استفاده از گوشت "ریبثا" سؤال کرد. حضرت در پاسخ فرمود: از آن بخور که فلس دار می باشد.»

«یونس بن عبدالرحمن می گوید از امام کاظم علیه السلام - در مورد خوردن گوشت "اریبان" (میگو) پرسش کردم، فرمود: خوردن آن اشکالی ندارد؛ چون نوعی ماهی است. گفتم: برخی از دوستان شما به حلیت گوشت "ریبثا" باور دارند، حضرت فرمود: در خوردن آن هم اشکالی نیست.» (۳)

«از امام صادق - علیه السلام - درخصوص خوردن میگو پرسش شد. حضرت فرمود: میگو بخورید، زیرا از جنس ماهیان است و ریبثا هم همان میگوی خشک شده می باشد. سپس فرمود: آیا نمی بینی که میگو در داخل پوشش خود حرکت میکند؟» (۴)

چگونگی تذکيه آبزيان

هر يك از شتر، گوسفند و ماهی تذکيه خاص خود را دارد و تا اين تذکيه به صورت صحيح انجام نشود از نظر شرع مقدس حلال نيست.

خارج کردن ماهی از آب در حالی که زنده باشد تذکيه آن محسوب ميشود.

سيد ابوالحسن اصفهانی نوشته است:

«تذکيه ماهی يا به خارج کردن آن از آب است در حال زنده بودن و يا به گرفتن آن پس از خارج شدن خود به خود از آب پيش از مردن.» امام راحل قدس سره - نیز نوشته است:

«تذکيه ماهی (موجود آبزی) يا به خارج کردن آن به صورت زنده از آب است يا به گرفتن آن پس از خروج از آب و پيش از مردن. فرقی در اخراج ماهی از آب با دست يا با وسيله ای مانند شبكه (تور) و همانند آن نيست. بنابراین اگر ماهی از آب بيرون ببرد يا امواج دريا آن را به ساحل منتقل کند و يا آب دريا فروکش نمايد چنانچه پيش از مردن گرفته شود حلال است و اگر مرده بود و کسی بر آن دست يافت حرام می باشد، و اگر در هنگام مردن شخصی ناظر آن باشد، ولی آن را نگیرد؛ بنا بر اقوی حرام می باشد.»

در اين جا چند استفتای کاربردی را به همراه پاسخ آنها متذکر ميشويم:

سؤال: اگر در شکم ماهی صيد شده به وجه شرعی ماهی مرده ای پيدا شود چه حکمی دارد؟

جواب: ماهی صيد شده حلال است. (۳)

جواب: بنا بر احتياط واجب اجتناب شود.

سؤال: گفته ميشود اخيرا ماهی را با برق در ميان آب بيهوش و سپس صيد می کنند، چنين صيدی چه حکمی دارد؟

جواب: اگر زنده صيد شود اشکال ندارد. (رهبر معظم انقلاب، آيت الله سيستانی، آيت الله فاضل لنکرانی)

جواب: اگر زنده در تور ماهیگیری گرفتار شوند حلال است. (آيت الله لنکرانی)

لازم به يادآوری است که هر مکلفی می بايد به فتوای مجتهدی که از او تقليد می کند، عمل نمايد.

مرجع تشخيص ماهی پولک دار و بی پولک

در ميان فقيهان در اين که تشخيص پولک دار بودن ماهی به عهده چه کسانی است، اختلاف است. عده ای از فقيهان معاصر ميگویند اين گونه مسائل از شبهات موضوعيه است و مرجع «عرف عام» يعنی مردم کوچه و بازار می باشند و در فقه شيعه هم موارد فراوانی دارد.

برخی ميگویند مرجع تشخيص در اين که چه نوع ماهی فلس دارد تا حلال باشد يا ندارد تا حرام باشد «عرف خاص» است؛ يعنی افرادی که در صيد و صيادی تجربه کافی دارند و در اثر ارتباط با دريا و ساحل نشینی خوب می توانند اين گونه ماهيان را تشخيص دهند.

عده ای دیگر می گویند در این مورد باید به نظر متخصصان و اهل خبره که مورد اعتماد هستند مراجعه کرد؛ همانند مسائل پزشکی و راهنمایی و رانندگی که باید به متخصص همان رشته رجوع کرد.

نظر امام راحل-قدس سره- و رهبر معظم انقلاب نیز همین است. رهبر معظم انقلاب در جواب استفتایی می فرماید:

«تمام اقسام میگو و ماهی های فلس دار (پولک دار) حلال است و در موارد شبیهه در فلس دار بودن بعضی اقسام ماهی، نظر متخصص مورد اعتماد معتبر است و عمل بر طبق آن نمایند.»

اگر با چشم غیرمسلح نتوان فلس ماهی ای را تشخیص داد، ولیکن با ذره بین و میکروسکوپ بشود تشخیص داد، مسأله چه حکمی دارد؟ امام راحل-قدس سره- و رهبر معظم انقلاب در این باره فرموده اند:

«اگر با چشمان مسلح توسط کارشناسان تشخیص داده شود که ماهی ای دارای پولک است از نوع ماهیان حلال خواهد بود.»

از این رو در روایات، میگو را که فلس آن با چشم ظاهری دیده نمیشود از اقسام ماهیان شمرده و گوشت آن را حلال میدانند و ما به تناسب با این موضوع فتوای تنی چند از فقیهان معاصر را نقل می کنیم.

سؤال: اگر فلس برخی از ماهی ها با چشم معمولی دیده نشود ولیکن با چشم مسلح دیده شود حکم صیدشان چیست؟

جواب: به شهادت اهل خبره اگر ماهی فلس دارد حلال است و گرنه حرام است (رهبر معظم انقلاب)

جواب: اگر فلس بر آن صدق کند عرفا کافی است. (آیت الله سیستانی)

جواب: حلال می باشد. (آیت الله لنکرانی)

جواب: کافی نیست. (آیت الله مکارم شیرازی)

حکم شرعی ماهیان خاویاری

از انواع مختلف ماهیان موجود در دریاها جهان نوع بسیار معروفی در دریای خزر به نام ماهیان خاویاری (تاس ماهی) زیست می کند که دارای شهرت جهانی است. خاویار از تخم عمل آوری شده این نوع ماهیان به دست می آید.

بیش از ۹۰٪ خاویار جهان در دریای خزر تولید و بهره برداری می شود. انواع ماهیان خاویاری در دنیا ۲۰ گونه است که ۵ نوع مرغوب آن در دریای خزر زیست می کند که عبارت است از: ۱- اوزن برون (سورکا)؛ ۲- تاس ماهی شوروی (چالباش)؛ ۳- تاس ماهی ایران (قره برون)؛ ۴- شیپ؛ ۵- فیل ماهی (پلوکا). مرغوب ترین نوع خاویار جهان از نوع تاس ماهی ایران (قره برون) استحصال میشود. بهره برداری از ماهیان خاویاری ایران از اواخر قرن نوزدهم آغاز شد. پس از انقلاب اسلامی ایران این بهره برداری به شرکت ملی شیلات ایران واگذار گردید.

از آن جا که در مورد ماهیان خاویاری شبیه حرمت در میان عامه مردم قوی بود؛ زیرا این ماهیان به ظاهر دارای پولک نیستند، از این رو از سوی شرکت شیلات ایران سمیناری برگزار شد و سه تن از فقهای حوزه به نمایندگی از امام راحل در این سمینار شرکت جستند و جمیع متخصصان نظر نهایی خود را طی طوماری برای حضرت امام ارسال داشتند که در نهایت حضرت امام براساس نظر متخصصان شرکت شیلات و صیادان باتجربه و فقیهان شرکت کننده در سمینار، حکم به حلیت این ماهیان داد.

چکیده

ماهیان دارای گونه های زیادی هستند که در آبهای شور و شیرین زندگی میکنند. گروهی از این ماهیان دارای فلس و گروهی بدون فلس و گروهی نیز در برخی از نقاط بدن خود فلس دارند. ملاک حلیت و حرمت آبزیان و ماهیان دو چیز است: یکی عنوان ماهی بر آنها صادق باشد، دیگر آن که فلس داشته باشند. بر این مطلب فقیهان شیعه اتفاق دارند و آیات و روایات نیز بر آن دلالت دارد. تذکیه آبزیان به خارج کردن آنها از آب به طور زنده یا گرفتن آنها در خارج آب در حال زنده بودن است. مرجع تشخیص در پولک دار بودن یا نبودن ماهی، کارشناسان و متخصصان امر صید می باشند. ماهیان خاویاری هم که منبع عظیم غذایی و درآمدی برای کشورند به فتوای امام راحل ق حلال می باشند.

سؤال ها

- ۱- شرط حلال بودن ماهیان از دیدگاه فقیهان شیعه چیست؟
- ۲- تذکیه ماهیان چگونه محقق می شود؟
- ۳- مرجع تشخیص در پولک دار بودن یا نبودن ماهیان کیست؟
- ۴- حکم ماهیان خاویاری و فتوای امام راحل در این مورد چیست؟

درس هفدهم

ارزش غذایی شیر و فرآورده های آن

شیر و مواد لبنی به دلیل ارزش غذایی مؤثر و تعیین کننده در تأمین سلامت گروههای مختلف و فراهم کردن زمینه سلامت و شادابی مردم به ویژه گروه سنی جوان و نوجوان از ویژگی فوق العاده ای برخوردار است.

مصرف شیر و مواد لبنی بهره هوشی و توان جسمی کودکان و نوجوانان را بالا می برد و برای ورزشکاران مصرف روزانه آن ضروری است.

شیر از با ارزش ترین مواد غذایی و پروتئینی است. در کشور ما از گذشته های دور استفاده از شیر و مواد لبنی مورد توجه بوده و غذای سلامتی نام گرفته است. شیر تنها ماده پروتئینی است که به عنوان غذا و دوا به بیماران توصیه میشود.

شیر با برخورداری از ترکیبات بالای پروتئین، کلسیم، فسفر و ویتامین ها و مواد معدنی نارسایی های ناشی از سوء تغذیه را جبران می کند. از آن جا که ۶۰ درصد جمعیت کشور ما را افراد زیر ۲۰ سال و دانش آموز تشکیل میدهد برای این ترکیب جمعیتی، تندرستی، هوش، قدرت یادگیری، تفکر و کارایی و خلاقیت، تعیین کننده است؛ از این رو مصرف شیر تأمین کننده زمینه لازم برای سلامتی و کارایی نسل جوان محسوب میشود.

در کشور ما مصرف سالانه شیر ۸۰ کیلوگرم برای هر نفر است، در حالی که در کشورهای پیشرفته ۳ برابر این مقدار است. شیر بعد از آب گواراترین نوشیدنی و حیاتی ترین نیاز انسان است. امروزه میزان مصرف سرانه پروتئین دامی یکی از شاخص های مهم توسعه محسوب میشود.

مصرف پنیر و سلامت دندان

پژوهشگران انگلیسی اعلام کردند: مصرف غذاهای سرشار از کلسیم به ویژه پنیر از فساد دندان ها جلوگیری میکند؛ زیرا کلسیم سطح دندانها را در برابر باکتریها و پوسیدگی مقاوم می سازد و انواع پنیر دارای مقدار زیادی کلسیم است. این پژوهشگران توصیه کردند در نوبت های غذایی حتما پنیر مصرف شود. پنیر به صورت خام یا پخته تأثیر بسیار زیادی در مقاومت دندان ها دارد.

اهمیت غذایی شیر از دیدگاه قرآن

خداوند متعال آنچه برای زندگی بشر ضروری و لازم بوده آفریده و در اختیار وی گذاشته است. قرآن، علاوه بر نعمت آب که مسلماً نخستین پایه حیات و زندگی انسان است به نعمت چهارپایان و شیرشان اشاره کرده و انسانها را به اندیشه در مراحل تولید و تکوین آن فراخوانده است؛ تا راهی برای یگانه پرستی و باور به رستاخیز و زنده شدن انسان در سرای دیگر بیابند.

«وان لکم فی الانعام لعبرة نسقیکم مما فی بطونه من بین فرث و دم لبنا خالصا سائغا للشاربین»

«و در دام ها قطعاً برای شما عبرتی است از آنچه در لابه لای شکم آنهاست، از میان سرگین و خون شیری ناب به شما می نوشانیم که برای نوشندگان گواراست.»

برای روشن شدن معنای آیه در مفردات آن تأمل میکنیم:

۱- کلمه سقی به معنای یک بار نوشاندن است، ولی در آیه نکته لطیفی است؛ زیرا از کلمه «اسقاء» استفاده کرده که معنای نوشاندن مداوم در آن است. از این نکته استفاده میشود که نعمت شیر چهارپایان یک نعمت خدادادی دایمی است و ویژه یک روز و دو روز و یک ماه و یک فصل نمیباشد؛ زیرا بدن انسان در تمام دوران زندگی نیاز به این ماده غذایی دارد.

۲- «فرث» در لغت به معنای غذاهای هضم شده درون معده است که به مجرد رسیدن به رودها ماده حیاتی آن جذب بدن می‌گردد و تفاله‌های آن به خارج فرستاده میشود. در آن حال که این غذای هضم شده در درون معده قرار دارد به آن «فرث» گویند و هنگامی که تفاله‌های آن خارج شد «روث» (سرگین) گویند. پس فرث گیاه جویده شده درون شکمبه می‌باشد که هنوز مواد غذایی آن به وسیله روده‌ها جذب نشده است.

۳- «دم» به معنای خون است که خوردن آن به صریح آیات قرآن حرام است.

۴- «لبن» به معنای شیر است. این لفظ در مورد شیر بهشتی هم به کار می‌رود: «وانهار من لبن لم يتغير طعمه» معلوم می‌شود که شیر بهشتی طعم اولیه خود را همیشه دارد و فاسد نمی‌شود؛ به خلاف مواد لبنی دنیا که بعد از چند ساعت ممکن است فاسد شود و قابل شرب نباشد.

۵- «خالص» به معنای صاف و بدون مخلوط شدن با چیز دیگر است. یکی از معانی خلوص «پیوند» است و شاید به سبب همین معناست که برخی این تعبیر قرآنی را در مورد شیر اشاره به تأثیر فوق‌العاده آن در استخوان‌سازی میدانند. از این رو در احکام شیرخوارگی بحث شده اگر کودکی از مادری به مقداری شیر بخورد که استخوانش محکم گردد و گوشت بروید کودک به آن مادر و شوهر آن زن محرم میشود.

از سویی نیز می‌گویند اگر ۱۵ بار متوالی یا یک شبانه روز شیر بخورد باز محرم میشود. نتیجه آن که تغذیه با شیر در یک شبانه روز در تقویت است و رویاندن گوشت تأثیر دارد.

۶- «سائغ» به معنای گوارا و فرو رفتن از حلق به آسانی می‌باشد؛ زیرا شی خوش‌نوش و سهل‌التناول است.

۷- «عبرت»، گذشتن از حالی به حال دیگر است و حالتی است که از شناخت محسوس به شناخت غیر محسوس رسیده می‌شود و در آن معنای نفوذ نهفته است.

تفسیر آیه

خداوند می‌فرماید چه عبرت و شناختی از این بالاتر برای خداشناسی و یگانه پرستی و درک مسأله رستاخیز و زنده شدن مردگان در سرای دیگر که از درون شکم این حیوانات، از میان غذاهای هضم شده، شیر خالص و گوارا به شما مینوشانیم. میدانیم که مقدار کمی از غذا مانند بعضی از مواد قندی و نیز آب آن از دیواره‌های معده جذب بدن می‌شود، اما هنگامی که غذای هضم شده به روده‌ها منتقل شد قسمت عمده‌ای از مواد موجود در آن وارد خون می‌گردد. نیز می‌دانیم که شیر از غده‌های مخصوص درون پستان تراوش می‌کند و مواد اصلی آن از خون و غده‌های چربی ساز گرفته میشود. قرآن کریم مطلب جالب و بدیعی را درباره پیدایش و تولید شیر بیان داشته است.

امروزه در علم فیزیولوژی ثابت شده است هنگامی که غذا در معده هضم و آماده جذب می‌گردد در سطحی بسیار وسیع در داخل معده و روده‌ها در برابر میلیونها مویرگ قرار می‌گیرد. مویرگها عناصر مفید و لازم آن را جذب کرده و همچون درخت ریشه‌داری که نوک پایانی آنها به نوک پستان خلاصه می‌شود، می‌رسانند.

حیوان یا مادر وقتی غذا می خورد عصاره اش به خون وارد می گردد. شاخ و برگهای پایانی رگهای خونی در مجاور شاخ و برگ های پایانی دستگاه گردش خون «جنین» قرار میگیرد و تا بچه در شکم مادر است بدین طریق او را تغذیه می کند. اما همین که از مادر جدا شد، نوک عقربه این قطب نمای تغذیه کننده متوجه نوک پستان مادر و حیوان می شود. در این حالت مادر دیگر نمی تواند خون خود را به خون نوزاد برساند، لذا باید تغییر حالت و تصفیه های انجام پذیرد و محصول جدیدی که برای نوزاد گواراتر و سازگارتر است تولید گردد. این جاست که خدا شیر را به وجود می آورد. شیر ترکیبی متوسط میان خون و فرث می باشد؛ نه خون تصفیه شده است و نه غذای هضم شده، از دومی فراتر می رود و به اولی که خون باشد نمی رسد.

پستان ها برای ساختن مواد پروتئینی شیر تنها از اسیدهای آمینه ذخیره شده بدن استفاده می کنند. بعضی از مواد موجود در شیر مانند کازوئین در خون وجود ندارد و در غده های پستانی ساخته میشود. برخی مواد دیگر موجود در شیر بدون تغییر از پلاسمای خون وارد شیر می شود، مانند انواع ویتامینها، نمک طعام، فسفاتها، و برخی مواد قندی و لاکتوز که از قند موجود در خون گرفته میشود.

بنابراین، تولید شیر نتیجه جذب مواد غذایی به وسیله خوب برای . مستقیم خون با غده های پستانی می باشد. اما تجلی قدرت و زیبایی کار خدا این جا ظاهر می شود که شیر نه بوی خاص فرث را دارد و نه رنگ خون را، بلکه رنگ و عطر و بوی تازه ای همراه است.

آیه دلالت روشنی بر قدرت خدا، یگانه پرستی و شگفتی جهان آفرینش و حیوانات دارد و از انسان میخواهد که در مراحل پیدایش و تولید شیر اندیشه کند و شناختی برای وقوع رستاخیز بیابد.

خداوند در آیه دیگری نیز به حیوانات شیردهی چون گاو و گوسفند و شتر و سودمندیهای فراوان آنها از جمله شیر و گوشت و حمل بار اشاره و این همه را مایه درس آموزی و عبرت اندوزی دانسته است:

«وان لکم فی الانعام لعبره نسقیکم مما فی بطونها و لکم فیها منافع کثیره و منها تأکلون و علی الفلک تحملون»
«و البته برای شما در دام ها درس عبرتی است. از شیری که در شکم آنهاست به شما می نوشانیم و برای شما در آنها سودهای فراوان است و از آنها می خورید و بر آنها و بر کشتیها سوار می شوید.»

فواید شیر از دیدگاه روایات

در روایات فواید فراوانی برای شیر و فرآورده های آن بیان شده است. توضیح و تفصیل آنها تحقیق مستقلی می طلبد.

در این درس به اختصار برخی از آنها را از نظر می گذرانیم:

۱- شیر، غذای کامل

شیر سرشار از مواد گوناگون حیاتی است. در آن مواد معدنی، سدیم، پتاسیم، کلسیم، منیزیم، روی، مس، آهن، فسفر، کلر، ید، گوگرد، گازهای اکسیژن، ازت، کربنیک و مواد قندی به صورت لاکتوز وجود دارد و نیز دارای ویتامین های «ب»، «پ»، «آ» و «د» می باشد. شاید به سبب وجود همین مواد پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم - در روایتی فرموده است:

«لیس یجزی مکان الطعام و الشراب الا اللین.»

«تنها چیزی که می تواند جای آب و غذا را کاملا بگیرد شیر است.»

۲- شیر زایل کننده اندوه

در روایتی امام صادق - علیه السلام می فرماید:

«ان التلبين يجلو القلب الحزين كما يجلو الاصابع العرق من الجبين.»

«یقینغذایی که با آرد و شیر و غسل درست می شود، قلب غمناک را جلا و صفا می دهد (اندوه آن را می برد)، همان گونه که انگشتان آدمی عرق را از چهره او می زداید.»

در روایت دیگری پیامبر اسلام - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمود: «شکی نوح الی ربه عز و جل ضعف بدنه فاوحی الله تعالی الیه ان اطبخ اللبن فکلها فانی جعلت القوة و البرکة فیهما (فیها).» «نوح پیامبر - علیه السلام - به خداوند عرض کرد بدنم دچار ضعف و کاستی شده و توان خود را از دست داده است. خداوند به او فرمود: شیر را بجوشاند و استفاده نماید؛ زیرا نوشیدن آن موجب توانایی و خیر و برکت خواهد شد.»

۳- شیر تازه و تقویت نیروی جنسی

در برخی روایات آمده است اگر کسی صاحب فرزند نمی شود از شیر تازه استفاده کند.

«قال ابو عبدالله - علیه السلام - : اللبن الحلیب لمن تغیر علیه ماء الظهر.»

«شیر تازه برای تقویت و اصلاح آب پشت مفید می باشد.»

استفاده همیشگی از شیر

استفاده از شیر و مواد لبنی باید در جامعه به صورت یک فرهنگ درآمده، مردم در طول سال به آن عادت نمایند و آن را به طور مرتب در رژیم غذایی خود داشته باشند. امامان معصوم مردم را متوجه این نکته کرده اند تا سلامت خود را از این راه تضمین نمایند. در روایتی علی - علیه السلام می فرماید:

«حسو اللبن شفاء من کل داء الا الموت.»

«فراوان نوشیدن شیر شفا و سبب درمان هر دردی مگر مرگ می باشد.»

استفاده از شیر برای مداوای بیماران

امروزه پزشکان برای بیشتر بیماران خود نوشیدن شیر را به عنوان غذا و دارو تجویز می کنند و آن را جهت بازیافت سلامتی لازم می دانند؛ زیرا وقتی حیوان از برگ درختان و احیانا از بوته ها و گل ها و گیاهان دارویی استفاده کرد، شیر تولید شده توسط وی یک داروی بی ضرر و بدون مواد شیمیایی خواهد بود. شاید روی این جهت پیامبر و ائمه مردم را ترغیب به مداوا از راه شیر نموده اند.

«عن جابر بن عبدالله، قال: قیل یا رسول الله: أنتداوی؟ فقال: نعم تداووا فان الله تبارک وتعالی لم ینزل داء الا و قد انزل له دواء، علیکم بالبان البقر فانها ترد من الشجر.»

«جابر می گوید شخصی از پیامبر پرسش کرد هرگاه بیمار شدیم به دنبال درمان آن باشیم؟ فرمود: این کار را انجام دهید (تشویق به فراگیری دانش طب)؛ زیرا خداوند دردی را نداده مگر برای آن دارویی قرار داده است. شما به وسیله شیرگاو بیماران خود را مداوا کنید؛ زیرا آنها از برگ درختان و گیاهان گوناگون استفاده میکنند.»

امام صادق - علیه السلام - در روایتی فرمود: «البان اللقاح شفاء من كل داء و عاهة فی الجسد و هو ینقی البدن و یخرج درنه و یغسله غسلًا.»

«شیر شتر شفای هر درد و امراض جسمانی است و بدن را صاف و پاک می کند و چرک و عفونت آن را زدوده و شست و شو می دهد.»

فوایدی را که برای شیر برشمردیم، ارتباط نزدیکی با مواد حیاتی موجود در شیر دارد. روی این جهت است که پیامبر نوشیدن این ماده حیاتی را از میان نوشیدنیها دوست می داشت.

امام صادق - علیه السلام - از پدران نقل کرده است:

«كان النبی - صلی الله علیه وآله وسلم - یحب من الشراب اللبن.»

« پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - از نوشیدنی ها به شیر علاقه زیادی داشت و استفاده از شیر را روش خود قرار داده بود.»

نیایش هنگام نوشیدن شیر

پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - هرگاه غذا یا نوشیدنی میل می کرد، چنین می فرمود: خدایا! بهتر از آن را نصیب ماگردان. ولی در مورد نوشیدن شیر می فرمود:

«خدایا! آن را برای ما مایه برکت و خیر قرار بده و این نعمت را بر ما بیفزای.»

ترغیب به استفاده از فرآورده های لبنی

در روایات نه تنها مردم را به نوشیدن شیر تشویق کرده اند، بلکه از مردم خواسته اند از فرآورده های لبنی نیز برای سلامتی خود استفاده نمایند. علی - علیه السلام می فرمود:

«سمن البقر دواء.»

«روغن گاو داروی دردهاست.»

«عن عبدالله بن سنان، قال: سألت رجل ابا عبدالله (ع) عن الجبن، فقال: ان اكله یعجینی، ثم دعا به فأكله.» (۳) « شخصی از امام صادق علیه السلام - از خوردن پنیر پرسید، حضرت فرمود: من خوردن آن را دوست دارم. سپس مقداری پنیر خواست، برای حضرت آوردند و از آن استفاده کرد.»

در روایت دیگری فرمود:

«الجبن یهضم ما قبله و یشهی ما بعده.»

«خوردن پنیر باعث هضم غذای قبل و اشتها به غذای بعد می شود.»

البته در برخی روایات هم داریم که پنیر را با مغز گردو بخورید تا دارو به حساب آید.

«عن ابی عبدالله (ع) قال: ان الجبن و الجوز اذا اجتماعا كانا دواء و اذا افتراقا كانا داء.»

«اگر پنیر و گردو با هم خورده شود برای بدن دارو می باشد و اگر به نهایی خورده شود باعث ناراحتی می شود.»

چکیده

شیر و مواد لبنی نقش تعیین کننده ای در تامین سلامتی بشر دارد. مصرف شیر بهره هوشی و توان جسمی کودکان و نوجوانان را بالا می برد و برای ورزشکاران مفید است. شیر یکی از با ارزش ترین مواد غذایی و پروتئینی است و پزشکان جهت مداوای بیماران نوشیدن آن را تجویز می کنند.

شیر دارای ویتامینهای گوناگون می باشد و بعد از آب گواراترین نوشیدنی برای بشر به حساب می آید.

قرآن مردم را به نوشیدن شیر ترغیب و آن را یکی از نشانه های یگانه پرستی و معاد دانسته و به مراحل تولید آن اشاره و شیر را غذای خالص و گوارا معرفی کرده است.

در روایات، فواید زیادی برای مصرف شیر برشمرده اند؛ از جمله «غذای کامل»، «صفا دهنده قلب»، «از بین برنده فراموشی» و «محکم کننده استخوان». هم از این روست که به نوشیدن همیشگی شیر و به خوردن فرآورده های لبنی سفارش شده است.

پرسش

۱- ارزش غذایی شیر را بیان کنید؟

۲- تعبیرات قرآن را در باره این نوشیدنی بنویسید؟

۳- پنج فایده شیر را که در روایات آمده بنویسید؟

درس هجدهم

زنبور عسل در قرآن و روایات

این درس را ضمن دو بخش تقدیم شما خوانندگان ارجمند میکنیم.

بخش اول: زنبور عسل در قرآن قرآن

این یگانه معجزه جاوید الهی، با اصرار عجیبی، بشریت را به مطالعه و کشف اسرار و شگفتی های نهفته در زوایای زندگی زنبور عسل فرا می خواند و سوره های از آن به نام نحل (زنبور عسل) نامگذاری گردیده و آیاتی به معرفی این حشره حیرت انگیز اختصاص یافته است.

اکنون که دانش بشری قله های مرتفع و دور از دسترس دنیای اسرارآمیز زنبورهای عسل را فتح کرده و انبوهی از اطلاعات سودمند را در اختیار او گذاشته، بر ما مسلمانان است که با این دستمایه ها بر سر خوان گسترده قرآن و سنت که با متن واقع مرتبط هستند، بنشینیم و حقایق نهفته در این دو گوهر گرانبها را در معرض قضاوت حقیقت جویان نهاده و زمینه را برای پرورش و اصلاح نسل این حشره خدم و تولید بهینه مائده خوشگوار عسل، بیش از پیش فراهم نماییم. قرآن کریم درباره زنبور عسل فرموده است:

«و أوحی ربک إلی النحل أن اتخذی من الجبال بیوتا و من الشجر و مما یرشون ثم کلی من کل الثمرات فاسلکی سبل ربک ذللا یرج من بطونها شراب مختلف الوانه فیه شفاء للناس إن فی ذلک لآیة لِّقوم یتفکرون»

«پروردگار تو به زنبور عسل وحی نمود که در دل کوه ها و در میان درختان و در بناهایی که می سازند، لانه گزین، آن گاه از شهد شکوفه ها بخور و راه های پروردگارت را مطیع و آرام طی کن. از شکم آنها عسل بسیار شیرین به رنگ های گوناگون بیرون می آید که شفابخش آلام انسان هاست و در آن نشانه هایی است برای گروهی که می اندیشند.»

در این آیات، اعجاز بیانی و محتوایی بزرگ معجزه جاوید پیامبر، به خوبی نمایان است. از جنبه بیانی، حروف و کلمات، بسیار دقیق و حساب شده انتخاب گردیده که در نهایت بلاغت و فصاحت با یکدیگر ترکیب شده و هندسه ای بی نظیر به وجود آورده اند. از این رو نه کسی می تواند آنها را بدون آن که به زیبایی شان لطمه ای وارد کند پس و پیش نماید و نه کسی قادر است مانند آن را بیاورد.

از جنبه محتوایی نیز آیات فوق، معجزه ای شگرف است؛ زیرا حقایق و اسرار زندگی زنبور عسل را چنان بیان نموده است که مردم چهارده قرن پیش بااطلاعات اندکی که از این حشره داشتند آن را می فهمیدند، همچنان که دانشمندان حشره شناس عصر کنونی نیز با انبوه اطلاعات و کشفیات جدیدی که از زندگی و رفتار و عادات این حشره، به دست آورده اند، آن را مطابق با یافته های خود می دانند.

حال برای پرده برداشتن از چهره حقایق نهفته در آیات فوق، روی تک تک جملات آن به طور جداگانه به تأمل می نشینیم.

الف . «و أوحی ربک إلی النحل»

جمله فوق سؤالاتی را در ذهن خواننده بر می انگیزد:

۱-وحی به زنبور عسل یعنی چه و چگونه تحقق می یابد؟

۲- چرا خدای متعال از میان این همه حیوانات و حشرات تعبیر «وحی» را | فقط در مورد زنبور عسل به کار برده است؟

معنای وحی در لغت و قرآن

پیش از پرداختن به تفسیر این بخش از آیه، معنای لغوی و قرآنی «وحی» را از نظر میگردانیم. مرحوم راغب اصفهانی در معنای لغوی وحی می نویسد:

«وحی در لغت به معنای اشاره سریع است و این اشاره گاهی با سخنی رمزی با اشاره ای و یا نوشته ای صورت می گیرد.» قرآن کریم از «الهام غریزی» حیوانات و «الهام فطری» انسان ها به «وحی» تعبیر کرده چنان که از وسوسه های شیطان و هم چنین القائات الهی به فرشتگان نیز از این واژه استفاده شده است.

از مهم ترین موارد کاربرد وحی در قرآن، ارتباط و اتصال پنهانی حق تعالی با پیامبران و رسولانش می باشد، (۳) که در زبان اهل شرع به منظور رعایت ادب، وحی، تنها در همین معنای اخیر به کار می رود.

وحی به زنبور عسل

به کاربردهای وحی در قرآن اشارتی رفت، یکی از موارد آن وحی به زنبور عسل است. حال باید دید وحی در این جا به چه معناست؟ مرحوم علامه طباطبایی می نویسد:

«وحی به زنبور عسل به معنای الهام غریزی است که خدای متعال در نهادش گذاشته است.»

بعضی از مفسران آن را همان نیروی مرموز و قدرتمندی می دانند که این حشره را مسخر خود ساخته و آنها را در راه و روش ویژه ای که دارند رهبری میکند. (۴)

شاید بتوان تعبیر «روح کندو» را که بعضی از دانشمندان حشره شناس به کار برده اند جلوه ای مناسب از وحی به زنبور عسل دانست.

سر انتخاب زنبور عسل برای وحی

تاکنون روشن شد که تعبیر وحی درباره زنبور عسل به معنای الهام غریزی است که در نهاد این حشره گذاشته شده است. حال با توجه به این که همه موجودات جاندار با هدایت غریزی به زندگی خود ادامه می دهند، باید دید چه ویژگی ای در زنبور عسل هست که خدای متعال چنین تعبیری را در خصوص این حشره به کار برده است؟

بی شک در زنبور عسل ویژگیهای منحصر به فردی وجود دارد که او را به دریافت چنین مدالی مفتخر ساخته است. بعضی از دانشمندان، این ویژگیها را در تمدن و زندگی اجتماعی شگفت آور، تقسیم کار دقیق، همکاری و همدلی، نظم و انضباط و ... که بر دنیای زنبورهای عسل حکومت مینماید منحصر کرده اند. لیکن آنچه موجب تردید در پذیرفتن مطلب فوق می گردد این است که این امور را نمی توان از ویژگیهای منحصر به فرد زنبورهای عسل محسوب کرد؛ زیرا زندگی تعدادی از حشرات دیگر مانند: مورچه، موربانه و ... نیز مبتنی بر چنین تمدن و روابط اجتماعی اعجاب آمیزی است. عده ای دیگر بر این باورند که زنبور عسل به خاطر دارا بودن سه ویژگی منحصر به فرد که ذیلا برشمرده می شوند، شایسته دریافت مدال افتخار وحی گردیده است:

۱- ویژگی مسکن

زنبور عسل برای ساختن لانه هیچ صدمه ای به طبیعت وارد نمی‌سازد؛ نه زمین را حفر می‌نماید و نه درختی را سوراخ میکند و نه حتی سوراخی را که برای لانه انتخاب کرده توسعه می‌دهد و نه به شاخ و برگ درختان و ساقه گیاهان صدمه وارد مینماید. چنان که مورچه‌ها و سایر حشرات و نیز پرندگان در ساختن لانه چنین صدماتی بر طبیعت وارد می‌سازند.

۲- ویژگی تغذیه

غذای طبیعی این حشره، شیره گل هاست که اگر زنبورها این شیره‌ها را صرف تغذیه خود نکنند، با پژمرده شدن گلها، رو به نابودی خواهند نهاد. افزون بر این، زنبور عسل در تغذیه خود نه تنها هیچ نقیصی بر منابع طبیعی مورد نیاز انسان وارد نمیسازد بلکه تغذیه آنها موجب گرده افشانی و باروری مزارع و درختان نیز میگردد. در صورتی که پرندگان و حیوانات برای تغذیه خود، بخشی از منابع طبیعی مورد نیاز انسان را نابود می‌سازند.

۳- ویژگی محصول

غذای مازاد بر نیاز این حشره به صورت مایعی شیرین، پرخالصیت و شفافبخش از بدنش خارج می‌گردد و هیچ پرنده یا حیوان دیگری چنین محصول گوارایی که غذای کاملی برای انسان باشد، تولید نمی‌کند.

« [پروردگار تو به زنبور عسل وحی نمود] در دل کوهها و در میان درختان و در بناهای مرتفع که انسانها می‌افرازند، لانه گزین.»

در این قسمت از آیه به حقایق بسیار مهمی در مورد لانه سازی زنبورهای عسل اشاره شده است، از آن جمله:

۱- لانه سازی به عنوان نخستین مأموریت

لانه سازی به عنوان نخستین مأموریت و نیز نخستین جلوه از وحی الهی به این حشره پرتلاش، عنوان شده و این شاید به سبب آن است که داشتن مسکن مناسب، نخستین شرط ادامه حیات و به تبع آن تولید عسل بوده و یا به سبب آن است که ساختمان خانه‌های شش ضلعی زنبورهای عسل از عجیب ترین برنامه های زندگی آنها و حتی شاید از ساختن خود عسل عجیب تر باشد. راستی، آنها این ماده مومی مخصوص را چگونه تهیه می‌کنند و چگونه این خانه های شش ضلعی را با ظرافت و مهندسی فوق العاده دقیقی میسازند؟

اصولا برای استفاده کامل از بنا، به گونه ای که هیچ قسمتی از آن هدر نرود و یا زوایای تنگ و تاریکی پیدا نکنند، آیا راهی بهتر از انتخاب اتاقکهای شش ضلعی با زوایای مناسب وجود دارد؟ افزون بر آن که این نوع لانه سازی از استحکام بیشتری برخوردار خواهد بود.

۲- ماده بودن زنبورهای کارگر

در داخل کندو گروههای مختلفی از زنبورها فعالیت دارند که عبارتند از: ملکه زنبورهای نر و زنبورهای کارگر. زنبورهای کارگر، کوچک ترین ولی فراوان ترین افراد کندو هستند که تمام فعالیت های داخل کندو، از ساختن لانه، پرورش نوزاد، تولید عسل، نظافت کندو، نگهداری از کندو و غیره به عهده این گروه گذاشته شده و اخیرا حشره شناسان دریافته اند که کارگران، از لحاظ جنس، ماده هستند؛ منتها در شرایط عادی قادر به تولید تخم نیستند. آیه فوق که در مقام مأموریت لانه سازی و تولید

عسل و ... با صیغه مؤنث به زنبورهای عسل خطاب نموده، پرده از روی این حقیقت که تا چند دهه قبل برای بشر مجهول بود، برداشته و مشتمل بر یکی از معجزات علمی قرآن است.

۳- مکان مناسب برای خانه سازی

از آیه استفاده میشود که دامنه کوه ها و آغوش درختان، مکان مناسب و طبیعی برای زندگی زنبور عسل است. بعضی، آیه مذکور را اشاره به یکی از شگفتیها و اعجاز قرآن دانسته و نوشته اند:

«شگفتی و اعجاز قرآن در این است که می فرماید " زنبور عسل از کوه و درخت خانه می گیرد و اشاره ای به درز و شکاف و حفره ای از کوه و گیاه نمیکند و اگر اشاره به چنین مطلبی کرده بود امروز ایراد می گرفتیم. زنبورانی هستند در هندوستان که حشره شناسان آنها را "آپیس دورساتا" می گویند. اینها یک شاخه درخت را میگیرند و در طولش خانه هایی می سازند و هیچ گاه خانه شان سقف ندارد. و در این صورت قرآن کتابی بود که فقط راجع به زنبورهای عسل صحبت کرده بود که مردم مکه.... در این است که در میان آن همه اموری که می توان به زنبور عسل نسبت داد ابتدا به ذکر خانه سازی اش می پردازد، چرا؟ چون بسیاری از شگفتی ها و شاهکارهای زنبور عسل به کندو گزینی اش مرتبط می گردد. زنبور عسل مهاجرت می کند برای کندوگزینی، عسل و موم می سازد برای کندو سازی.»

ج. «ثم کلی من کل الثمرات»

از آیه فوق مطالب ذیل قابل استفاده است:

۱- بهره گیری از گیاهان و تولید عسل بعد از خانه سازی

در لغت عرب دو کلمه «ف» و «ثم» به «پس» و «سپس» فارسی معنی میشود. با این تفاوت که «ف» در جایی به کار میرود که فاصله زمانی بین دو کار، یا نبوده و یا کم باشد، ولی «ثم» در موردی به کار میرود که فاصله زمانی قابل توجهی میان دو کار فرض شود.

از فاصله میان «وحی به خانه سازی» و «استفاده از شیره گلهها» برای تولید عسل، با کلمه «ثم» تعبیر شده که حاکی از فاصله زمانی قابل توجهی است که بر واقعیت خارجی نیز دقیقاً منطبق است. زیرا زنبورهای عسل بعد از مهاجرت، در صورت عدم دسترسی به موم آماده یا مشابه موم، دو تا سه ماه طول می کشد تا لانه جدید را آماده نمایند. لذا قرآن به این واقعیت با کلمه "ثم" اشاره نموده است.

۲- زنبور عسل مأمور بهره گیری از تمام ثمره های گیاهی

جمله «کلی من کل الثمرات» اشاره به حقیقتی دارد که امروزه حشره شناسان با مطالعات دقیق و کنجکاوای های فراوان به آن دست یافته اند و در زمان نزول آیات، مسلماً مردم از آن آگاهی نداشتند. آن حقیقت این است که همه گیاهان و گل ها مورد بهره برداری زنبور عسل واقع نمی گردد. بلکه تنها گیاهان و گل هایی که شیره عسل ده و به اصطلاح پولن دار هستند مورد بهره برداری زنبور عسل قرار میگیرند. قرآن، بدین حقیقت با جمع میان «من» که برای تبعیض و «کل» که برای عموم است اشاره نموده و بیان داشته که تنها بعضی از گیاهان شهد عسل ساز دارند و زنبورها از تمام این «بعض» بهره می برند.

نکته جالب دیگر در تعبیر به «ثمرات» است. امروزه ثابت شده که زنبور عسل بر ماده قندی داخل گلها و تخمدانها و دم برگها که تبدیل به میوه میشوند نشسته و از شیر آنها برای تهیه عسل استفاده می نماید. بنابراین، تعبیر دقیق همان است که قرآن کرده و فرموده از همه گلهای ثمربخش و پولن دار تغذیه نمایند.

در جمله فوق به یکی دیگر از جلوه های وحی پروردگار به زنبور عسل اشاره شده و آن عبارت از پیمودن راههای الهی و تلاش و فعالیت برای تهیه عسل می باشد.

پیمودن راههای الهی را بعضی به معنای رفت و برگشتهای زنبور برای تهیه عسل تفسیر نموده اند و بعضی دیگر به مسیری که شیره گل در شکم زنبور برای تبدیل شدن به عسل طی می نماید، که در هر دو معنی شگفتیهای فراوانی وجود دارد.

راه هایی که زنبور عسل برای تهیه عسل طی می نماید بسیار حساب شده و منظم است. زنبورشناسان با مطالعاتی که روی این حشره انجام داده اند بدین نتیجه رسیده اند که صبحگاهان گروهی از زنبورها که مأمور شناسایی گل ها هستند از کندو بیرون می آیند و مناطق مختلف پرگل را کشف کرده و به کندو باز می گردند و موضوع را با رقصهای دایره وار به اطلاع زنبورهای کارگر می رسانند، آن گاه زنبورهای کارگر با اشتیاق به سمت گل ها پرواز میکنند و به تلاش برای تهیه عسل می پردازند.

برای این که کار پرزحمت این حشره کوچک را درک کنیم کافی است بدانیم که برای تهیه هر چهارصد گرم عسلی که به دست ما می رسد، زنبور عسل دست کم هشتاد هزار بار از کندو به صحرا رفته و برگشته است که اگر این رفت و آمدها را به هم بپیوندیم و مسافت هر نوبت رفتن را یک کیلومتر در نظر بگیریم، مسافتی دو برابر محیط کره زمین میشود. (۳)

(یخرج من بطونها شراباً مختلفاً الوانه فیه شفاءً للناس)

این بخش از آیه، نکات بسیار ارزنده ای در مورد «عسل» و چگونگی تولید آن توسط زنبور بیان میدارد که ذیلا بدان ها می پردازیم:

۱- چگونگی ساخت عسل

جمله «یخرج من بطونها» به حقیقت مهمی در جریان عسل سازی زنبورها اشاره دارد و آن این که زنبورها شیره گل ها را به بعضی از حفره های درون بدن خود که زنبورشناسان بدان «عسلدان»^{*} می گویند، می فرستند و در آن جا که حکم یک کارخانه کوچک را دارد، تغییر و تحول های مختلفی پیدا کرده و نهایتاً به عسل تبدیل می گردد و زنبور عسل ساخته شده را از بدن خود خارج می سازد. لذا قرآن با تعبیر جالب «یخرج من بطونها» بدین حقیقت اشاره نموده است.

۲- شربت گوارا

چرا خدای متعال فرمود از شکم زنبورهای عسل شربتی خارج می شود و صریحاً نامی از عسل نبرد؟

با تعبیر «شربت» به دو نکته بسیار مهم اشاره شده است: یکی آن که نشان دهد عسل به صورت شربت از شکم این حشره خارج شده و در خانه های شش ضلعی قرار میگیرد. دوم آن که آنچه از شکم این حشره خارج میشود تنها عسل نبوده بلکه شربت بسیار مهم دیگری نیز به نام «شاه انگبین» یا «شیر زنبور عسل» از غده زیرفکی زنبورهای کارگر ترشح می شود که همه نوزادان، زنبورهای کارگر، نرها و ملکه ناگزیر به تغذیه از آن هستند؛ منتها ملکه در تمام دوره لاروی، ولی آنها را دیگر، در سه روز اول عمر خود. امروزه همین شاه انگبین (ژله رویال) است که به وسیله بعضی از اشخاص به عنوان درمان هر درد به شدت مورد تبلیغ واقع شده است.

خدای متعال با عنوان عام «شراب» به همه انواع شربت‌هایی که از شکم این حشره مفید خارج میشود اشاره نموده است.

۳- رنگهای گوناگون عسل

از صدر و ذیل آیه استفاده میشود که اختلاف رنگ در عسل نتیجه استفاده زنبور از گل‌ها و ثمرات گوناگون است. در ابتدای آیه فرمود: «ثم کلی من الثمرات» و سپس فرمود: «یخرج من بطونها شراب مختلف الوانه»، که رابطه میان «کل الثمرات» و «مختلف الوانه» مطلب فوق را اثبات می‌کند.

حشره شناسان اثبات کرده‌اند، رنگ عسل، بر حسب آن که زنبور بر چه گل و ثمره‌ای نشسته و از آن بهره برده باشد تفاوت می‌کند. به همین جهت در پاره‌ای از موارد، قهوه‌ای، گاهی نقره‌ای سفید، گاهی زرد، گاهی شفاف، زمانی تیره، گاه زرد طلایی و زمانی خرمایی است.

این تنوع رنگ‌ها علاوه بر این که گویای تنوع رنگ در مواد اولیه تولید عسل؛ یعنی شیره گل‌ها است، تنوعی هم برای ذوقها و سلیقه‌ها محسوب می‌شود؛ زیرا امروزه ثابت شده است که رنگ غذا در تحریک اشتها انسان بسیار مؤثر است. قرآن نیز بدین مسأله عنایت داشته و آن را با جمله «شراب مختلف الوانه» متذکر گردیده است.

۴- عسل، دارویی شفابخش

عسل، غذایی است که هم جنبه درمان دارد و هم پیشگیری و نیروبخشی دانشمندان، برای عسل خواص درمانی فراوانی ذکر کرده‌اند که در این مختصر، فهرست وار به بعضی از آنها اشاره می‌نماییم.

عسل حاوی حدود هشتاد درصد قند طبیعی است که بدون کوچکترین اشکالی جذب بدن شده، به همین جهت در خون سازی فوق‌العاده مؤثر است.

هیچ غذایی به اندازه عسل، نظیف و ضدعفونی شده نمی‌باشد. در عسل هیچ نوعی میکروبی نمی‌تواند زیست کند. از قبرهای فراعنه مصر عسل‌هایی به دست آمد که از ۳۳ قرن قبل باقی مانده و به مرور زمان سیاه و غلیظ شده، ولی کاملاً پاک و بدون میکروب بوده است.

آقایان دکتر عبدالحمید ریاب و دکتر احمد قرقور مینویسند:

«عسل، مهم‌ترین منبع مواد قندی طبیعی بوده و تاکنون پانزده نوع قند در آن کشف گردیده است. عسل دارای ویتامین‌های بسیاری است. انواع پروتئین، املاح معدنی و عوامل قوی ضد میکروبی در آن جمع است.»

به همین جهت از ایجاد عفونت در معده و روده جلوگیری میکند.

«عسل، برطرف‌کننده یبوست و دارویی مؤثر برای بی‌خوابی، رفع خستگی و فشردگی عضلات بوده و انرژی بخش، تقویت‌کننده قلب، درمان‌کننده بیماری‌های ریوی، اسهال، زخم اثنا عشر و معده، رماتیسم، سرفه و صاف‌کننده صدا و ... می‌باشد.»

«خاصیت ضد میکروبی عسل تأثیر به‌سزایی در پیشگیری از پوسیدگی دندان، رشد استخوان و درمان نرمی استخوان و تقویت لثه دارد ... و در درمان زخم‌ها و بیماری‌های پوستی، گوارشی، تنفسی، چشم، زنان و زایمان، گوش و حلق و بینی، قلب، کلیه، دستگاه عصبی بسیار مؤثر است.»

شایان ذکر است با آن که در زمان نزول قرآن، عسل برای مداوای بعضی امراض مورد استفاده واقع می‌شده، لیکن خدای متعال هیچ‌کدام از بیماری‌هایی را که با عسل درمان می‌شده‌اند ذکر نکرده و به‌طور کلی فرموده «در عسل شفا برای

انسانهاست» البته کلمه «شفاء» در چند آیه دیگر نیز ذکر شده اما در همه آنها «شفا» به خود قرآن نسبت داده شده ولی در این جا به عسل و این نشان میدهد که در آن آیات منظور از شفاء شفای روح بوده و در این جا شفای بدن و جسم.

۵- حشره تلاشگر

از صدر و ذیل آیه مذکور استفاده میشود که زنبور عسل مأمور شده که برای بهره مند نمودن انسان از عسل گوارا و شفابخش خویش، به تلاش گسترده دست یازد. یکی از دانشمندان خطاب به زنبورهای عسل چنین نوشته است:

«برای چه شما از خواب و استراحت، از شیرینی های عسل، از عشق و از بیکاری های شاعرانه که یک پروانه از آن لذت می برد صرف نظر میکنید؟ آیا شما نمی توانید مانند پروانه زندگی کنید؟ این گرسنگی نیست که شما را وادار به کار می کند؛ دو شاخه گل کافی است که شما را سیر نماید، ولی شما سراغ دویست، سیصد گل خوشبو می روید برای این که یک گنجینه قیمتی را باقی گذارید.»

۶- تشویق مردم به بهره مندی از عسل

جمله «فیه شفاء للناس» به روشنی بر تشویق مردم به پرورش زنبور عسل و بهره مندی از محصول آن دلالت دارد. پس باید مسلمانان به واسطه این قبیل تشویق ها در این زمینه از دیگران سبقت گرفته و در استفاده از این نعمت الهی پیشگام همگان گردند.

و. «ان فی ذلک لآیه لقوم یتفکرون»

خدای متعال در پایان این آیات، همانند بسیاری از آیات دیگر، به وسیله خلقت و زندگی اسرارآمیز زنبور عسل درس توحید داده و می فرماید:

«در زندگی زنبور عسل نشانه مهمی از خداشناسی برای صاحبان فکر و اندیشه است.»

چندین مطلب مهم از این جمله استفاده میشود:

۱- تفکر، شرط بهره گیری از آیات الهی است؛

۲- ترغیب و تشویق به تفکر در طبیعت و شناخت جهان؛

۳- وجود دقایق و لطایف شگفت آور در زندگی زنبور عسل؛

۴- انکار توحید ناشی از عدم تفکر در جهان آفرینش است.

بخش دوم: زنبور عسل در روایات

روایات رسیده درباره زنبور عسل را ضمن چند عنوان مورد تأمل قرار میدهم.

۱- زنبور عسل و درس توحید

قرآن مجید با اصرار، انسانها را به مطالعه موجودات به منظور شناخت خداوند تبارک و تعالی دعوت می کند. خداوند متعال گاه انسان را به سیر «آفاقی» و «انفسی» به صورت کلی فرا می خواند، و گاه نیز با تأکید فراوان او را به مطالعه تک تک پدیده های نظام یافته زمین و آسمان دعوت میکند.

یکی از این پدیده ها که قرآن از آن با عنوان «آیه» یاد کرده و اندیشمندان را به تفکر در زندگی شگفت انگیز او دعوت کرده، زنبور عسل است. خدای متعال پس از نقل زندگی پیچیده و اسرارآمیز زنبور عسل، به منظور برانگیختن افکار آدمیان با تعبیر پرمعنایی می فرماید:

«وان فی ذلک لآیه لقوم یتفکرون»

در آفرینش و زندگی اسرارآمیز زنبور عسل نشانه هایی است برای آنان که می اندیشند.»

نکته جالب این که خدای متعال در آیات قبل، آن گاه که زنده کردن زمین بعد از مرگ را متذکر شده، فرموده است: «در آن نشانه ای است برای آنان که می شنوند»؛ و هنگامی که ثمرات درختان خرما و انگور را عنوان کرده فرموده است: «در آن نشانه ای است برای آنان که عقل دارند»؛ اما وقتی مسأله زنبور عسل را طرح کرده، فرموده است: «در آن نشانه هایی است برای آنان که می اندیشند.»

سر این اختلاف تعبیرها چیست؟ مرحوم علامه طباطبایی - قدس سره - چنین آورده است:

«شاید سر اختلاف تعبیر این است که مطالعه مرگ و زندگی، عبرت انگیز و پند آموز است و این با شنوایی تناسب دارد؛ و مطالعه میوه های گوناگون و منافع آنها، انسان را با برهان به نظام واحدی که مدبر واحد دارد، رهنمون می شود و این با عقل مناسب تر است؛ اما از آن جا که زندگی زنبور عسل همراه با دقت های عجیب و اسرارآمیز است که جز با تفکر عمیق و اندیشه دقیق آشکار نمی شود، لذا خدای متعال فرموده است: "در آن نشانه ای است برای آنان که می اندیشند".»

حضرت صادق - علیه السلام - در روایتی که در کتاب توحید مفضل آمده، می فرماید: «در زندگی زنبور عسل و اجتماع آنها در ساختن عسل و خانه های شش ضلعی و دقت هایی که در آنها به کار رفته است، بیندیشید. فعالیت این حشره بسیار دقیق و عجیب، و نتایج این فعالیت ها بسیار گرانبها و ارزشمند است، و این در حالی است که فاعل آن از وجود و موقعیت خود آگاهی ندارد، تا چه رسد به نتایج شگفت آور فعالیت های خود. تفسیر صحیح این همه اسرار و دقت ها این است که این امور با تدبیر زنبور عسل نیست، بلکه با الهام کسی است که این حشره را این گونه خلق کرده و برای مصلحت مردم آنها را به انجام این قبیل اعمال واداشته است.»

آری، این همه پیچیدگی، دقت و سرعت در زندگی زنبور عسل، تعبیر درستی جز دخالت یک نیروی فوق مادی نمی تواند داشته باشد.

مقایسه ای کوتاه میان مغز چند میلی متری یک زنبور عسل با پیشرفته ترین رایانه های جهان مدعای فوق را به خوبی ثابت می کند. به نوشته مجله «بایت»: سرعت عمل مغز زنبور عسل هزار برابر سریع تر از پیچیده ترین رایانه هاست. به عنوان مثال، مغز زنبور عسل یک میلیارد فرمان را در یک ثانیه انجام میدهد.

زنبور عسل قادر است عمل دیدن، بوییدن، پرواز کردن، راه رفتن و حفظ تعادل خود را با هماهنگی کامل و بدون خطا انجام دهد، و در عین حال می تواند بدون اشتباه گل های فاقد شهد و مسیر حرکت به سوی کندو را تشخیص دهد؛ که هیچ یک از رایانه های پیشرفته امروز قادر به انجام چنین اعمالی نیستند..

این حشره همچنین، همه اعمال روزانه، حتی کارهای داخل کندو، شامل جمع آوری زباله، شناسایی زنبورهای مرده و حمله به غریبه ها و غیره را با استقلال کامل و بدون هیچ کنترل کننده خارجی انجام می دهد، در حالی که پیشرفته ترین کامپیوترها به یک نیروی کنترل کننده احتیاج دارند.

آن نیرویی که مغز انسان و این حشره و هزاران موجود دیگر را آفریده، نیرویی است که انسان با همه پیشرفتهای خود هنوز به ذره ای از آن نیرو دست نیافته است و این نیرو جز ن پروی لایزال الهی نیست.

۲- زنبور عسل و درس زندگی

بدون شک انسان برترین موجود عالم طبیعت است، و امتیازها و ویژگیهایی دارد که در هیچ موجود دیگر همانند آن را نمی توان یافت.

مهمترین ویژگی انسان، نیروی عقل، اراده و اختیار اوست. انسان بر پایه این ویژگی هاست که در انتخاب خط فکری و عملی آزاد است. او می تواند راه کمال را برگزیند و بهترین خصلتها و فضیلت ها را در خود جمع کند، و می تواند راه انحطاط و پستی را انتخاب کرده و بدترین ردایل را در خود فراهم آورد.

حیوانات برخلاف انسان، به طور غریزی به یک سری غرایز سرشته شده اند که مجبور به پیروی از آن غرایز هستند و در این میان بعضی خصلتهای نیک در سرشت برخی حیوانات نهاده شده که می تواند برای انسان الگو و آموزنده باشد. از جمله این حیوانات زنبور عسل است.

خصلت های بسیار جالب و آموزنده ای در زندگی این حشره مشاهده می شود، از جمله تلاش و فعالیت، بهداشت و نظافت، نظم و انضباط، فرمانبری از رهبر، اتحاد و هماهنگی، پشتکار و امید به آینده، سوددهی و منفعت رسانی و

پیامبر گرامی اسلام - صلی الله علیه وآله وسلم - به بعضی از این خصلتها چنین اشاره فرموده است:

«ان مثل المؤمن كمثل النحلة، إن صاحبه تقفك و إن شاورته نفعك و إن جالسته نفعك و كل شأنه منافع و كذلك النحلة كل شأنها منافع.»

«مؤمن مانند زنبور عسل است؛ اگر همراهش باشی، سود می بری و اگر با او مشورت کنی، سود می بری و اگر با او همنشین باشی، سود می بری. مؤمن تمامش سود است، چنان که زنبور عسل تمامش سود است.»

ابن اثیر در شباهت میان مؤمن و زنبور عسل آورده است:

«شباهت میان مؤمن و زنبور عسل در زیرکی، بی آزاری، فروتنی، سوددهی، قناعت، تلاش روزانه، پاکیزگی و پاکیزه خوری، نخوردن از دسترنج دیگران، فرمانبری از رهبر و ... است. همان گونه که زنبور عسل را آفاتی مانند تاریکی، دود، آب و آتش از عمل باز می دارد، مؤمن را نیز آفاتی مانند ظلمت، غفلت، شک و شبهه، فتنه ها، غبار غلیظ گناه، آب نادانی و آتش هواهای نفسانی از عمل باز می دارد.»

حضرت امیرمؤمنان علی - علیه السلام - در سخن زیبایی فرموده است:

«کونوا فی الناس کالنحلة فی الطیر.»

«در میان مردم، مانند زنبور عسل در میان پرندگان باشید.»

۳- تأویل آیات سوره نحل در روایات

بدون شک آیات قرآن ظاهری دارند و باطنی. تبیین و توضیح ظاهر آیات را «تفسیر»؛ و پرده برداشتن از باطن آیات و تطبیق آیات بر مصادیق مخفی - به ویژه مصادیقی که در طول زمان پدید می آیند و در زمان نزول وجود نداشته اند. را «تأویل» گویند.

شکی نیست که تأویل آیات کار هر کسی نیست و به تعبیر زیبای قرآن تنها «راسخان در علم» (۳) یعنی معصومان و به طور مشخص امامان - علیهم السلام - از عهده چنین امر خطیری بر می آیند.

اکنون به روایاتی که در تأویل آیات سوره نحل وارد شده، می پردازیم. در تعدادی از این روایات، «نحل» به امامان معصوم علیهم السلام -، و عسل خوشگوار به نور علم و هدایت که از وجود آن بزرگواران پرتوافکن است، تأویل شده است.

سید هاشم حسینی بحرانی - قدس سره - در تفسیر روایی خود پنج روایت بدین مضمون آورده، که دو نمونه را نقل می کنیم:

روایت اول:

«عن حریر بن عبدالله، عن ابی عبدالله - علیه السلام - فی قوله: «و اوحی ربک الی النحل» قال: نحن النحل الذی اوحی الله الیهما أن اتخذی من الجبال بیوتا، امرنا أن نتخذ من العرب شیعةً و من الشجر یقول من العجم، و مما یرشون من الموالی، و الذی یرج من بطونها شراب مختلف الوانه، العلم الذی یرج منا الیکم.»

«حریر از امام صادق علیه السلام - در تأویل آیه نحل نقل می کند که آن حضرت فرمود: نحلی که خدای متعال به او وحی کرده، ما هستیم. خداوند متعال به ما وحی کرد که از عرب و عجم، موالی و شیعیان خود را انتخاب کنیم؛ و عسل خوشگوار همان علم و هدایتی است که از ما به شیعیان می رسد.»

در این روایت، حضرت امام صادق - علیه السلام - به یکی از بطن های قرآن و مصادیق مخفی آن اشاره فرموده است.

البته تأویل آیات و بیان مصادیق خفی آن با حمل آیات به ظاهر آنها و عمل به ظواهر آیات، هیچ گونه منافاتی ندارد. امامان معصوم علیهم السلام - به اصحاب خود سفارش می کردند که به ظاهر آیات عمل کنند؛ و برای آن دسته از یاران که ظرفیت بیشتری داشتند، گاهی پرده ها و حجابهای الفاظ و عبارات را کنار زده و حقایق نهفته در بطن آیات را آشکار می کردند؛ و این گونه بود که معصومان گنجینه های گرانبهایی از حقایق قرآن را برایمان به یادگار گذاشتند.

روایت دوم:

عن ابی بصیر، عن ابی عبدالله - علیه السلام - فی قوله عز و جل: و اوحی ربک الی النحل ... قال: ما بلغ بالنحل أن یوحی الیهما، بل فینا نزلت و نحن النحل و نحن المقیمون لله فی ارضه بامره و الجبال شیعتنا و الشجر النساء المؤمنات. «ابوبصیر از حضرت امام صادق - علیه السلام - درباره تأویل آیه نحل چنین نقل کرده است: زنبور عسل را نرسد که مورد وحی الهی باشد، بلکه آیه درباره ما نازل شده و ماییم نحل و ماییم که در زمین او به فرمان وی اقامت گزیده ایم و کوهها شیعیان ما هستند و درختان، زنان مؤمن.»

چکیده

در زندگی زنبور عسل، شگفتیهای فراوانی برای درس آموزی و عبرت اندوزی نهفته است که قرآن ما را بدان دعوت می کند. قرآن از وحی به زنبور عسل سخن به میان آورده که این نکته نشانگر شرافت و عظمت این حشره به ظاهر حقیر است.

برخی بر این باورند که سه ویژگی منحصر به فرد در زنبوران عسل موجب شده خداوند آنان را شایسته دریافت مدال افتخار وحی بداند: ۱- ویژگی مسکن؛ ۲- ویژگی تغذیه؛ ۳- ویژگی محصول.

اخیرا حشره شناسان دریافته اند که زنبورهای کارگر از حیث جنس ماده اند، حال آن که پیش از این کشف علمی، قرآن کریم با صیغه های مؤنث به زنبورهای عسل خطاب کرده است، و این خود مشتمل بر یکی از معجزات علمی قرآن است.

عسل، غذایی است که هم جنبه درمان دارد و هم جنبه پیشگیری دانشمندان برای عسل خواص درمانی فراوانی ذکر کرده اند.

سؤال ها

۱- وحی چیست و درباره زنبور عسل به چه معناست؟

۲- چه ویژگیهای منحصر به فردی در زنبورهای عسل وجود دارد که آنان را شایسته دریافت وحی ساخته است؟

۳- گروههای مختلف زنبورهای کندو چه نام دارند؟

۴- یکی از دو تأویل آیات نحل را بنویسید.